

بسمه تعالی

اقتصاد مقاومتی

مقدمه

با ظهور انقلاب اسلامی، شکل جدیدی از حکومت در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را نداشته و به مبارزه با استکبار پرداخت. ظهور چنین حکومتی آن هم در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار زیاد است، باعث شد که نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد. با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه های نظامی، تهاجمات به عرصه های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه ها که خصوصاً در سال های اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده است، عرصه اقتصادی است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و نظریه پردازی و الگو سازی در عرصه های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبار ستیزی را برپا کند، نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم اقتصاد مقاومتی است.

بانک ملی نیز به عنوان بانکی مردمی و همیار همیشگی دولت در عرصه های کلان اقتصادی، در حوزه اقتصاد مقاومتی وظایف و مسئولیت های سنگینی بر عهده دارد. در این نوشته تلاش می شود اقتصاد مقاومتی با توجه به بیانات مقام معظم رهبری و کارشناسان اقتصادی، تعریف و معرفی شود

۱- اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری

گزیده ای از بیانات در دیدار عیدانه جمعی از مسئولان کشور 1395/01/24

اقتصاد مقاومتی یک کلّ فراگیر است که از عرصه های علمی تا عرصه های فعالیت های فنی، تا عرصه های خدمات، تا عرصه های بازرگانی و صادرات و واردات، تا عرصه های آموزش در دانشگاه ها و دبیرستان ها، همه را شامل می شود. اگر ما جدی بگیریم، الان مثلاً فرض بفرمایید گزارش می آید، حالا من نمی دانم، فلان دستگاه را یا فلان ابزار را یا فلان قطعه را که خیلی هم مهم است و کاربرد زیادی دارد، فرض کنید فلان دستگاه فنی ما دارد می سازد، خویش هم می سازد، مپنا، آقای علی آبادی اینجا نشست، من باب مثال؛ بعد همین را ما وارد کنیم. خب این بد است. این ضدّ آن جهت گیری اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی این چیزها را نفی می کند. اقتصاد مقاومتی اثباتی دارد و نفی ای. اثباتش همین است که ما یاد بگیریم که به سمت تولید داخلی رو بیاوریم. عمده تولید است

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی 1395/01/01

ما برای اینکه با تحریم مقابله کنیم چه کار باید بکنیم؟ اوّل صحبت عرض کردم که یک دوراهی ای را دشمن نشان میدهد به ما؛ میگوید یا بیاید تسلیم آمریکا بشوید و هر چه او میگوید گوش کنید، یا فشار و تحریم ادامه پیدا میکند؛ این یک دوراهی است که گفتیم غلط و دروغ است، اما یک دوراهی دیگری وجود دارد: یا بایستی مشکلات تحریم را تحمل کنیم یا ایستادگی کنیم به وسیله ای اقتصاد مقاومتی. (۶) خیلی خب، آمادگی شما خوب است، منتها برای اقتصاد مقاومتی، صرف آمادگی کافی نیست؛ ما گفتیم «اقدام و عمل». البته دولت محترم در زمینه ای اقتصاد مقاومتی کارهایی کرده اند؛ ما گفتیم یک ستاد فرماندهی

تشکیل بدهید برای اقتصاد مقاومتی، تشکیل دادند و معاون اول رئیس جمهور محترم را در رأس آن گذاشتند؛ کارهایی هم کردند، گزارشش را هم به من دادند که من امروز در پیام اول سال به ملت عزیزمان این را گفتم؛ منتها اینها کارهای مقدماتی است. به من گزارش داده‌اند که بر اثر فعالیتهایی که انجام گرفته است، تراز بازرگانی مثبت شده یعنی صادرات غیر نفتی مان از وارداتمان بیشتر است؛ خوب، این خبر بسیار خوبی است؛ یا اینکه مثلاً فرض بفرمایید واردات ما از سال گذشته کمتر شده است؛ اینها خبرهای خوبی است، منتها اینها کفایت نمیکند و کار با اینها تمام نمیشود؛ کارهای اساسی باید انجام بگیرد. من چند کار را اینجا ذکر کرده‌ام که این کارها باید در زمینه‌ی «اقدام و عمل» انجام بگیرد.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی 1394/11/28

ما گفته‌ایم اقتصاد مقاومتی درون‌زا و برون‌گرا است. من هیچ‌وقت نگفتم دور کشور حصار بکشیم، اما این درون‌زایی را فراموش نکنید؛ اگر اقتصاد ملی از درون نجوشد و فوران نکند، به جایی نخواهد رسید. بله، تعامل با دنیا در زمینه‌های اقتصادی خیلی خوب است اما تعامل هوشمندانه و تعاملی که معنایش درون‌زایی اقتصاد باشد. راهش این است که ملت بایستد، مسئولین بایستند و آگاهانه و هوشیارانه حرکت کنند. جوانهای عزیز! به توفیق الهی و به فضل الهی، شماها خواهید دید آن روزی را که آمریکا و بزرگ‌تر از آمریکا و هم‌هی متحدین آمریکا، در قبال جمهوری اسلامی ایران هیچ غلطی نخواهند توانست بکنند

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» 1394/07/22

یکی از پایه‌های محکم اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است؛ اساس کار در اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است؛ [زیرا] اقتصاد مقاومتی اقتصاد درون‌زا است، اقتصادی است که در داخل پایه‌های مستحکمی دارد که تکانه‌های بین‌المللی و جهانی و اقتصادی آن را از جا درنمیبرد؛ این اقتصاد مقاومتی [است]، اقتصاد مقاوم. یکی از اساسی‌ترین پایه‌های این اقتصاد عبارت است از اقتصاد دانش‌بنیان؛ اقتصادی که متکی باشد به علم، این خیلی مهم است. خوب، به نظر ما نخبه‌های جوان میتوانند در اقتصاد دانش‌بنیان که در واقع ستون اصلی اقتصاد مقاومتی است، نقش ایفا کنند. چطور نقش ایفا کنند؟ خوب، این طراحان لازم دارد. چه جور جوانهای ما نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؟ من جواب این سؤال را از شما میخواهم، بنشینید طراحان کنید، منتظر نمانید که دیگران طراحان کنند. شما جوانهای نخبه در یکی از اجتماعات خودتان موضوع را همین قرار بدهید: چگونگی نقش‌آفرینی نخبگان جوان در اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد دانش‌بنیان. گروه‌هایی به‌وجود بیایند، گروه‌هایی تقسیم بشوند، کار کنند، فکر کنند، مطالعه کنند، با دست‌پُر در این اجتماع شرکت کنند، راه بدهند، آن‌وقت بنیاد نخبگان از این طرحی که از درون خود نخبگان بیرون آمده، حمایت کند، پشتیبانی کند. به نظر من یک تحوّل به‌وجود می‌آید؛ هم در زمینه‌ی فکر کردن و اندیشیدن و کار کردن، هم در زمینه‌ی واقعیت، روی زمین؛ در زمینه‌ی اقتصاد [هم] قطعاً تحوّل به‌وجود می‌آید

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم 1394/06/18

سه عامل اساسی اقتدار ملی اینها است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون، و حفظ روحیه‌ی انقلابیگری در همه‌ی بخش‌ها؛ اینها است که میتواند کشور را حفظ کند؛ آن‌وقت دشمن مأیوس خواهد شد. سیاستهای اقتصاد مقاومتی یک بسته‌ی کامل و منسجم است؛ این بسته هم تراوش‌شده‌ی فکر

شخصی نیست؛ این عقل جمعی است، یک جماعتی نشست‌اند؛ دوستان اقتصاددان حاضر در این مجلس هم بعضی‌هایشان میدانند و مطلعند. کار مفصلی انجام گرفته روی این، بعد هم آمده اینجا، چکش کاری شده، روی آن بحث شده، فکر شده، مطالعه شده؛ بعد رفته مجمع تشخیص مصلحت نظام و روی آن مطالعه شده؛ بالاخره آمده و نتیجه شده این سیاستها. یعنی محصول یک فرآیند معقول و مدبرانه‌ای است؛ لذاست که اقتصاد مقاومتی را همه تأیید کردند، یعنی من یک مورد سراغ ندارم که از اقتصاددان و از کسانی که با ما خوبند، کسانی که با ما بد هستند؛ که این اقتصاد مقاومتی، این سیاستها را تخطئه کرده باشند؛ نه، همه قبول کردند. خب، این یک بسته‌ی منسجم است

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت 1394/06/04

نکته‌ی دوّم در مورد اقتصاد مقاومتی این است که همه‌ی برنامه‌های اقتصادی دولت بایستی در این مجموعه‌ی اقتصاد مقاومتی و در این سیاستها بگنجد؛ حتی برنامه‌ی ششم و برنامه و بودجه‌های سالیانه، همه باید براساس این اقتصاد مقاومتی شکل بگیرد نکته‌ی دیگر این است که بخشهای بیرون از دولت دیده بشوند؛ حالا شما در مورد وزارتها و بخشهای دولتی ممکن است ابلاغ کنید؛ [اما] بخشهایی وجود دارند خارج از دولت؛ اینها میتوانند در اقتصاد مقاومتی نقش ایفا کنند، از جمله بسیج؛ قدم بعدی این است که یک ستاد قوی و هوشمند و نافذالکلمه تشکیل بشود. یک الزامات قانونی و حقوقی و قضائی هم در مجموعه‌ی اقتصاد مقاومتی وجود دارد؛ دو قوه‌ی دیگر حاضرند همکاری کنند، هم قوه‌ی مقننه -مجلس- در این زمینه آماده است برای همکاری؛ مثلاً قانونی هست که شما قانون را باید عوض کنید یا اصلاح کنید یا قانون جدیدی را بر این قوانین اضافه کنید؛ احتیاج به این چیزها پیدا میکنید؛ یا یک جایی یک حرکت قضائی لازم است؛ همه‌ی اینها را دو قوه حاضرند همکاری کنند برای اینکه این اقتصاد مقاومتی انجام بگیرد. اشاره شد به مسئله‌ی رکود؛ خب، این رشد سه درصدی که اتفاق افتاده، نشان‌دهنده‌ی این است که رکود تکان خورده؛ یعنی یک حرکتی انجام گرفته؛ حالا باید دید این رشد در کدام بخشها هست، در کدام بخشها منفی است؛ مجموع برآیند این مثبت و منفی‌ها شده سه درصد. اگر چنانچه به‌طور جدّی با رکود مبارزه نشود، همین رشد سه درصد هم به خطر خواهد افتاد، تورّم هم بالا خواهد رفت، مشکل اشتغال هم پیش خواهد آمد. حالا من اینجا بگویم که آقای نعمت‌زاده اگر میخواهند دنبال بکنند، تعداد کارخانه‌هایی را که الان کار نمیکند -یعنی کارخانه‌ای است که همه چیزش آماده است و الان کار نمیکند- برای ما آمدند گزارش دادند؛ عدد و رقمی دقیق را؛ تعداد کارخانه‌هایی را که زیر پنجاه درصد دارند کار میکنند مشخص کردند؛ تعداد کارخانه‌هایی را که زیر هفتاد درصد دارند کار میکنند مشخص کردند. خب، حالا هفتاد درصد یک چیزی اما زیر پنجاه درصد! بعضی از اینها مشکل نقدینگی دارند؛ یعنی سرمایه‌درگردششان مشکل دارد -که این کار کار بانکها است، بایست بانکها جواب بدهند در این زمینه؛ که اگر در اقتصاد مقاومتی، همان کارگاه اساسی و ستاد فرماندهی راه بیفتد، به همه‌ی اینها میتواند برسد- اما مسئله‌ی بعضی از اینها مسئله‌ی نبود نقدینگی نیست، تسهیلات را هم طرف گرفته، کارخانه الان حاضر و آماده است، هیچ مشکلی ندارد، ماشینهایش هم آن‌طور که حالا گفته‌اند بعضی از اینها این‌جوری است که ماشینها هم ماشینهای نو است، لکن کار نمیکند. چرا؟ برای اینکه تسهیلات را رفته جای دیگری خرج کرده؛ خب این تعقیب قضائی دارد، اینها را باید دنبال بکنید، اینها را باید بخواهید. اینکه می‌گوییم «ستاد

فرماندهی»، برای خاطر این است. این طور چیزها، این طور نکات دنبال خواهد شد. اگر به مسئله‌ی رکود رسیدگی نشود، روی همه‌ی نشانه‌ها و شاخصهای اقتصادی اثر خواهد گذاشت. البته این قانون اخیر - قانونی که اشاره کردند - قانون خوبی است، منتها قانون کافی نیست. حمایت از بنگاه‌های تولیدی، تأمین نقدینگی، تأمین سرمایه‌درگردش، برخورد جدی با کسانی که واحدهای تولیدی آماده را راکد گذاشته‌اند، همه‌ی اینها کارهای لازمی است. و من در جلسه‌ی قبل هم - یک جلسه‌ای که با دوستان داشتیم - گفتم، باز هم تأکید میکنم: سیستم بانکی باید نقش ایفا کند؛ یعنی سیستم بانکی باید به‌طور کامل وارد میدان بشود. ائی لازم است؛ همه‌ی اینها را دو قوه حاضرند همکاری کنند برای اینکه این اقتصاد مقاومتی انجام بگیرد. یکی از کارهایی که پیشنهاد کرده‌اند، به ما گفته‌اند و میگویند زمینه آماده است، عبارت است از سپردن برخی از طرحها به بخش خصوصی. بخش کشاورزی هم مهم است. یک مسئله‌ی اساسی‌ای که این عمده‌تاً [مربوط به] وزارت کشاورزی است - منتها فقط کار وزارت کشاورزی نیست - تمرکز بر روستا است. یعنی واقعاً این را یکی از بخشهای اساسی برنامه‌ریزی دولت باید قرار داد: ما متمرکز بشویم روی روستا. بخش معدن را هم بنده اینجا یادداشت کرده‌ام، آنچه به من گزارش شده [این است که] ما حداکثر پانزده درصد از ظرفیت معدنی کشور را داریم استحصال میکنیم؛ پانزده درصد! ما معدن را باید جایگزین نفت کنیم؛ یعنی واقعاً بایستی ما بتوانیم. من سالها پیش - شاید بیست سال پیش - در دولت آن وقت گفتم. ما باید کاری بکنیم که هر وقت اراده کردیم، بتوانیم سر چاه‌های نفت خودمان را ببندیم؛ نه از کمبود مشتری بترسیم، نه از نداشتن بازار بترسیم، نه از نداشتن پول بهای نفت بترسیم؛ باید به اینجا برسیم. خوب ما واقعاً بایستی به فکر بیفتیم؛ برای نفت باید جایگزین [قرار داد]. می‌بینید نفت چه وضعی پیدا کرده! یک اشاره‌ی قدرتها و عناصر خبیث منطقه با همدیگر، موجب میشود که نفت ناگهان از صد دلار بیاید به چهل دلار! از وقتی که از صد دلار شروع کرده تنزل تا حالا، مگر چند ماه طول کشیده؟ خوب، این قابل اطمینان نیست؛ آدم نمیتواند این را جزو سرنوشت اقتصاد کشور و گذران زندگی یک کشور [بداند] و آن را مربوط کند به یک چنین چیزی. نفت مال ما است، اما هم اختیارش دست دیگران است، هم درآمد بیشترش مال دیگران است. بیشتر از آن قدری که ما از صادرات نفت استفاده میکنیم، آن دولت واردکننده‌ی نفت در اروپا یا در جای دیگر دارد استفاده میکند، که مالیات میگیرد و فلان میگیرد. ما نفتمان را داریم میدهیم، پول میگیریم؛ او نفت را میگیرد از ما و از مردم خودش پول میگیرد. استفاده‌ی آن دولتها بیشتر از دولت ما است از فروش نفت. این چه معامله‌ی پرخسرانی است. خوب یک جاهایی ما مجبوریم البته نفت را تولید کنیم، چاره‌ای نداریم اما من واقعاً از ته دل خوشحال نمیشوم آن وقتی که ما آمار افزایش صادرات و افزایش تولید را [می‌شنویم]؛ همیشه به این فکر میکنم که ما باید جایگزین برای این پیدا بکنیم. بنابراین اگر بخواهیم جایگزین پیدا کنیم، یکی از بهترین جایگزین‌ها معادن است. آن وقت [در مورد] معادن هم بایستی از خام‌فروشی معادن بشدت پرهیز کنیم. معادن باارزشی ما داریم.

بیانات در حرم مطهر رضوی 1393/01/01

قوی شدن یک ملت فقط به این نیست که تسلیحات جنگی پیشرفته‌ای داشته باشد؛ البته تسلیحات هم لازم است، اما فقط با تسلیحات هیچ ملتی قوی نمیشود. من وقتی نگاه میکنم، سه عنصر را پیدا میکنم که دو عنصر از آنها همین دو نقطه‌ای است که در پیام عرض کرده‌ام؛ این سه عنصر اگر مورد توجه قرار

گرفتند، یک ملت قوی میشود: یکی اقتصاد، یکی فرهنگ، و سومی علم و دانش. درباره‌ی دانش، در این ده دوازده سال گذشته حرفهای زیادی زده شد و بحمدالله اثر کرد. امروز ما در دانش داریم پیش میرویم — که بعد باز شاید اشاره‌ای بکنم — اما در مورد اقتصاد و در مورد فرهنگ، یک اهتمام بیش از متعارف لازم است تا بتوانیم اقتصاد کشور را به شکلی دریاوریم که از آن طرف دنیا کسی نتواند با یک تصمیم‌گیری، با یک نشست و برخاست، بر روی اقتصاد کشور ما و بر روی معیشت ملت ما اثر بگذارد؛ این دست ما است، ما باید بکنیم؛ این همان اقتصاد مقاومتی است که سیاستهای آن در اسفند ماه ابلاغ شد؛ بنده هم با مسئولان و مدیران برجسته‌ی کشور جلسه داشتم، مفصل درباره‌ی آن صحبت کردیم؛ تجاوب هم کردند؛ یعنی مسئولان سه قوه که خودشان هم در تنظیم این سیاستها مؤثر بودند و حضور داشتند، استقبال کردند و گفتند ما این کار را انجام میدهیم. اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات جهانی، با تکانهای جهانی، با سیاستهای آمریکا و غیر آمریکا زیرورو نمیشود؛ اقتصادی است متکی به مردم. سه سؤال در مورد اقتصاد مقاومتی که در حقیقت اقتصاد مقاوم است، وجود دارد؛ من این سه سؤال را مطرح میکنم. سؤال اول این است که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟ خصوصیات مثبت آن و خصوصیات منفی و سلبی آن چیست؟ سؤال دوم: آیا اقتصاد مقاومتی که داریم شعار آن را میدهیم، تحقق‌پذیر است، ممکن است، یا نه، خیالات خام است؟ سؤال سوم: اگر تحقق اقتصاد مقاومتی ممکن است، الزامات آن چیست، چه کارهایی باید انجام بگیرد؟ امروز من به این سه سؤال جواب میدهم؛ این مربوط به اقتصاد است. بعد راجع به مسئله‌ی فرهنگ هم که به نظر من بسیار مسئله‌ی مهمی است، عرایضی را عرض خواهم کرد. سؤال اول: گفتیم که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست. اولاً یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است — این آن جنبه‌ی مثبت — اما منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجه به این تکانهای اجتماعی و زیرروشدن‌های اقتصادی‌ای که در این بیست سی سال گذشته اتفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب اول اینکه این حرکتی که ما داریم انجام میدهیم، دغدغهی دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست. دوم اینکه گفتیم این اقتصاد درون‌زا است. درون‌زا است یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیتهای خود کشور ما و خود مردم ما میجوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معنا است. اما درعین حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور میکنیم و محدود میکنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زا است، اما برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه میشود. بنابراین درون‌زا است، اما درون‌گرا نیست. اینها را که عرض میکنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها الان قلمها و زبانها و مغزهای مغرض، مشغول کارند که [القا کنند] «بله، اینها میخواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند». انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملت را و مسئولان را از این راه — که راه سعادت است — جدا بکنند دارند میکنند. من عرض میکنم تا برای افکار عمومی‌مان روشن باشد. سوم اینکه این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح میشود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا میکند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی،

زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت - به‌عنوان یک مسئول عمومی - نظارت میکند، هدایت میکند، کمک میکند. آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را میگیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک میکند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه‌ی دولت است؛ تسهیل میکند. چهارم، گفتیم این اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفتهای علمی استفاده میکند، به پیشرفتهای علمی تکیه میکند، اقتصاد را بر محور علم قرار میدهد؛ اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان میتوانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ نخیر، تجربه‌ها و مهارتها - تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارتهای کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند - میتواند اثر بگذارد و میتواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته میشود دانش‌محور، معنای آن این نیست که عناصر با تجربه‌ی صنعتگر یا کشاورز که در طول سالهای متمادی کارهای بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ نخیر، نقش بسیار مهمی هم به عهده‌ی اینها است. پنجم، این اقتصاد، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمیکند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخصهای جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده میکنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا میرود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی میمیرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخصهای علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخصها هم توجه میشود، اما بر محور «عدالت» هم کار میشود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است. ششم، در اینکه گفتیم اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است شکی نیست، اما معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است - که یک مقداری از آن مربوط به تحریم است، یک مقداری از آن مثلاً مربوط به غلط بودن فلان برنامه است - نه، این مال همیشه است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک میکند. این سؤال اول. سؤال دوم این بود که آیا این برنامه‌ی اقتصادی که شما میگویید اقتصاد مقاومتی، یک امر خیالی و توهمی است و آرزو دارید که انجام بگیرد؛ یا نه، عملاً ممکن است؟ پاسخ این است که نخیر، کاملاً، عملاً، حتماً ممکن است؛ چرا؟ به‌خاطر ظرفیتهای؛ چون این کشور، دارای ظرفیتهای فوق‌العاده است. من حالا چند قلم از ظرفیتهای کشور را عرض میکنم. اینها چیزهایی است که آمارهای عجیب‌وغریب لازم ندارد، جلوی چشم همه است، همه می‌بینند. یکی از ظرفیتهای مهم ما، ظرفیت نیروی انسانی ما است. نیروی انسانی در کشور ما، یکی از بزرگ‌ترین ظرفیتهای کشور ما است؛ این یک فرصت بزرگ است. عرض کردیم، جمعیت جوان کشور - از پانزده سال تا سی سال - یک حجم عظیم از ملت ما را تشکیل میدهند؛ این خودش یک ظرفیت است. تعداد ده میلیون دانش‌آموخته‌ی دانشگاه‌ها را داریم؛ ده میلیون از جوانهای ما در طول این سالها از دانشگاهها فارغ‌التحصیل شدند. همین حالا بیش از چهار میلیون دانشجو داریم که اینها در طول چند سال آینده

فارغ‌التحصیل میشوند؛ جوانان عزیز بدانند، این چهار میلیونی که می‌گوییم، ۲۵ برابر تعداد دانشجو در پایان رژیم طاغوت است؛ جمعیت کشور نسبت به آن موقع شده دو برابر، اما تعداد دانشجو نسبت به آن موقع شده ۲۵ برابر؛ امروز ما این تعداد دانشجو و فارغ‌التحصیل داریم. علاوه بر اینها، میلیونها نیروی مجرب و ماهر داریم. ببینید، همینهایی که در دوران جنگ به داد نیروهای مسلح ما رسیدند. در دوران جنگ تحمیلی، یکی از مشکلات ما، از کار افتادن دستگاه‌های ما، بمباران شدن مراکز گوناگون ما، تهیدست ماندن نیروهای ما از وسایل لازم - مثل وسایل حمل و نقل و این چیزها - بود. یک عده افراد صنعتگر، ماهر، مجرب، راه افتادند از تهران و شهرستانها - که بنده در اوایل جنگ خودم شاهد بودم، اینها را میدیدم؛ اخیراً هم بحمدالله توفیق پیدا کردیم، یک جماعتی از اینها آمدند؛ آن روز جوان بودند، حالا سنی از آنها گذشته، اما همان انگیزه و همان شور در آنها هست - رفتند داخل میدانهای جنگ، در صفوف مقدم، بعضی‌هایشان هم شهید شدند؛ تعمیرات کردند، ساخت‌وساز کردند، ساخت‌وسازهای صنعتی؛ این پلهای عجیب‌وغریبی که در جنگ به درد نیروهای مسلح ما خورد، امکانات فراوان، خودرو، جاده، امثال اینها، به‌وسیله‌ی همین نیروهای مجرب و ماهر به‌وجود آمد؛ امروز هم هستند، امروز هم در کشور ما الی‌ماشاءالله؛ تحصیل‌کرده نیستند، اما تجربه و مهارتی دارند که گاهی از تحصیل‌کرده‌ها هم بسیار بیشتر و بهتر و مفیدتر است؛ این هم یکی از امکانات نیروهای ما است؛ هم در کشاورزی این را داریم، هم در صنعت داریم. یکی از ظرفیتهای مهم کشور ما منابع طبیعی است. من سال گذشته در همین‌جا راجع به نفت و گاز گفتم که مجموع نفت و گاز ما در دنیا درجه‌ی یک است؛ یعنی هیچ کشوری در دنیا به‌قدر ایران، بر روی هم نفت و گاز ندارد. مجموع نفت و گاز ما از همه‌ی کشورهای دنیا - شرق و غرب عالم - بیشتر است. امسال که من دارم با شما حرف می‌زنم، کشفیاتی درمورد گاز شده است که نشان میدهد که از آن مقداری که سال گذشته در آمارهای ما بود، از آن مقدار هم منابع گازی ما و ذخیره‌های گازی ما افزایش پیدا کرده است؛ این وضع نفت و گاز ما است. بیشترین ذخیره‌ی منابع انرژی - که همه‌ی دنیا روشنی خود، گرمای خود، صنعت خود، رونق خود را از انرژی دارد، از نفت و گاز دارد - در کشور ما است. علاوه‌ی بر این، معادن طلا و معادن فلزات کمیاب در سرتاسر این کشور پراکنده است و وجود دارد. سنگ آهن، سنگهای قیمتی، انواع و اقسام فلزهای لازم و اساسی - که مادر صنایع محسوب میشوند - در کشور وجود دارد؛ این هم یک ظرفیت بزرگی است. ظرفیت دیگر موقعیت جغرافیایی ما است؛ ما با پانزده کشور همسایه هستیم که اینها رفت‌وآمد دارند. حمل و نقل ترانزیت یکی از فرصتهای بزرگ کشورها است؛ این برای کشور ما هست و در جنوب به دریای آزاد و در شمال به آبهای محدود منتهی میشود. در این همسایه‌های ما، در حدود ۳۷۰ میلیون جمعیت زندگی میکنند که این مقدار ارتباطات و همسایه‌ها، برای رونق اقتصادی یک کشور یک فرصت بسیار بزرگی است. این علاوه بر بازار داخلی خود ما است؛ یک بازار ۷۵ میلیونی که برای هر اقتصادی، یک چنین بازاری بازار مهمی است. یک ظرفیت دیگری که در کشور وجود دارد، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است؛ نرم‌افزاری مثل این سیاستهای اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و این کارهایی که در این چند سال انجام گرفته و همچنین زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سد و پل و کارخانه و امثال اینها؛ اینها زمینه‌های بسیار خوبی برای پیشرفت اقتصاد کشور است، اینها ظرفیتهای یک کشور است. خب، ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیتهای میتوانستید

خوب استفاده کنید، اما [چون] تحریم هست نمیتوانید از این ظرفیتهای استفاده کنید؛ این خطا است؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینها ما تحریم بودیم، الان هم تحریم هستیم. در مورد دانشهای پیشرفته و روز، الان هم درهای مراکز علمی مهم بروز دنیا به روی دانشمند ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است، اما در عین حال، ما در نانو پیشرفت کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلولهای بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهپاد و موشک، به کوری چشم دشمن، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟! ما که در این سر صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موفقیت به دست آوردیم، در اقتصاد هم اگر عزممان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، میتوانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشممان به دست دشمن نباشد که کی این تحریم را برمیدارد، کی فلان نقطه را موافقت میکند؛ به درک! نگاه کنیم ببینیم خودمان چه کار میتوانیم بکنیم. سؤال سوم را مطرح کنم و جواب بدهم. سؤال سوم این بود که برای اینکه این کار بزرگ، اقتصاد مقاومتی، تحقق پیدا کند، الزامات چیست و چه کارهایی باید انجام بگیرد؟ خلاصه عرض میکنیم: اولاً مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. تولید ملی، اساس و حلقه‌ی اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. چه جور؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملی باید رونق پیدا کند. دوّم، صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، آنها هم بایستی به تولید ملی اهمیت بدهند؛ به چه معنا؟ به این معنا که بهره‌وری را افزایش بدهند. بهره‌وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد حداکثر استفاده‌ی بهینه بشود؛ کارگر که کار میکند، کار را با دقت انجام بدهد؛ رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه، این معنای بهره‌وری است؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام میدهد، محکم انجام بدهد، متقن انجام بدهد. آن کسی که سرمایه‌گذاری میکند، سعی کند حداکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب میشود هزینه‌ی تولید برود بالا، بهره‌وری سرمایه و کار کم بشود. سوّم، صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیت‌های دیگر. ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند — کم یا زیاد — و میتوانستند این را در یک راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند؛ رفتند سراغ تولید؛ گفتند میخواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه است، این صدقه است، این جزو بهترین کارها است؛ کسانی که دارای سرمایه هستند — چه سرمایه‌های کم، چه سرمایه‌های افزون — آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند. بعدی، مردم در همه‌ی سطوح، تولید ملی را ترویج کنند. یعنی چه؟ یعنی همین مطلبی که من دو سه سال قبل از این، در همین جا با اصرار فراوان گفتم، یک عده‌ای هم از مردم خوشبختانه عمل کردند، اما همه باید عمل کنند و آن عبارت است از «مصرف تولیدات داخلی». عزیزان من! شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید میکنید به جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده‌اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده‌اید به اینکه ابتکار خودش را بیاورد میدان؛ جنس داخلی که مصرف شد، آن کننده‌ی کار، ابتکاراتی دارد، این ابتکارات

را روزبه‌روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف میکنید، ثروت ملی را افزایش داده‌اید. در گذشته، در دوران طاغوت، ترجیح مصرف خارجی به‌عنوان یک سنت بود؛ سراغ جنس که می‌رفتند، می‌پرسیدند داخلی است یا خارجی؟ اگر خارجی بود، بیشتر به آن رغبت داشتند؛ این باید برگردد و به‌عکس بشود. نمی‌گوییم خرید جنس خارجی حرام است، اما عرض میکنیم خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاوم‌سازی اقتصاد است و بر روی همه چیز این کشور تأثیر می‌گذارد. باید به این توجه کرد؛ این نقش همه‌ی مردم است. البته در اینجا هم مثل خیلی جاهای دیگر، مسئولیت مسئولان و مدیران کشور از دیگران بیشتر است؛ بسیاری از زیاده‌روی‌ها و ریخت‌وپاش‌ها در رفتار مردم، به‌خاطر نگاه کردن به رفتار آن کسانی است که آنها را "بزرگ‌ترها" میدانند؛ اگر اسراف در بین سطوح بالا نباشد، در بین مردم هم اسراف کم خواهد شد. بنابراین ترجیح تولید داخلی یکی از کارها است. من این بخش را جمع بندی کنم. من عرض میکنم: اقتصاد مقاومتی به معنای مقاوم ساختن پایه‌های اقتصاد، یکی از وظایف عمومی امروز ما است و همه میتوانند در آن نقش ایفا کنند، هم مسئولین و مسئولین قوای سه‌گانه، هم آحاد مردم، هم کسانی که دارای مهارت کارند، هم کسانی که دارای سرمایه‌اند، هم صاحب‌نظران. البته آنچه که ما عرض کردیم، خلاصه‌ای بود از آنچه باید گفت؛ به‌عهده‌ی صاحب‌نظران است که تفصیلات اینها را عرض بکنند.

بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی 1392/12/20

من یک فهرست اجمالی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های الگوی اقتصاد مقاومتی را مطرح میکنم. من در سه بخش، عرایضم را تقسیم کرده‌ام: یکی فهرست این مؤلفه‌ها است؛ بعد چند نکته برای اینکه ما چرا اقتصاد مقاومتی را امروز یک ضرورت میدانیم و دنبال میکنیم؛ و در بخش سوم هم الزاماتی که بایستی به آنها پابند باشیم. در این بخش [اول] من ده ویژگی را یادداشت کرده‌ام که به شما عرض میکنم که اینها ویژگی‌های این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که مطرح شده و در واقع مؤلفه‌های این مجموعه است. یکی مسئله‌ی ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخصهای کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، از قبیل تولید ملی، از قبیل اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی. در تأمین این سیاستها، تحرکی در اقتصاد کشور و بهبودی در این شاخصها در نظر گرفته شده؛ و از همه‌ی این شاخصها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به‌هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخصهایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی‌شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به‌هیچ‌وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمیدانیم. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخصهای ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند. این مؤلفه‌ی اول. نکته دوم از مؤلفه‌های سیاست‌های مقاومتی، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا است که در این سیاستها دیده شده و مورد ملاحظه قرار گرفته. همان‌طور که عرض کردم برخی از عوارض مؤثر بر اقتصاد کشورها تکانه‌های اقتصادی دنیا است که پیش می‌آید؛ مثل همان چیزی که در این سالها پیش آمد و در برهه‌های دیگری پیش آمده که این تأثیر می‌گذارد بر روی کشورها. من یک‌وقتی گفتم، رئیس یکی از کشورهای آسیای جنوب شرقی آمد و با من

ملاقات کرد؛ در آن دوره‌ای که در این منطقه آن شکست عجیب به وجود آمد؛ حرف او به من این بود، گفت شما فقط بدانید، ما در یک شب از یک کشور غنی تبدیل شدیم به یک کشور فقیر! یعنی اقتصاد غیر مقاوم این جووری است. پس یک عامل برای تأثیرگذاری بر روی اقتصادها همین تکانه‌های گوناگون اقتصادی دنیا است که سرریز میشود به کشورها، یک عامل بلاهای طبیعی است که پیش می‌آید، و یک عامل هم تکانه‌های تخصصی است؛ مثل تحریمها و امثال تحریمها. فرض بفرمایید که در مراکز تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری بشود روی قیمت نفت، یک وقت قیمت نفت را من باب مثال بیاورند به شش دلار، کما اینکه برای ما اتفاق افتاد؛ خیلی از اینها عادی نیست؛ اینها کارهای پیش‌بینی‌شده و مؤثر و به دنبال تصمیم‌گیری‌های مشخصی است که از مراکزی دنبال میشود. بنابراین مؤلفه‌ی دوم، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا است؛ به همین شرحی که عرض شد. نکته سوم [از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی]، تکیه بر ظرفیتهای داخلی است که در این سیاستها دیده شده؛ من بعد راجع به این ظرفیتهای، باز مختصری توضیح خواهم داد: چه ظرفیتهای علمی، چه انسانی، چه طبیعی، چه مالی، چه جغرافیایی و اقلیمی. ما ظرفیتهای مهمی داریم؛ یعنی در این سیاستهای اقتصاد مقاومتی تکیه‌ی اصلی بر روی ظرفیتهای داخلی است، که بسیار هم گسترده است. نه به این معنا که ما چشمان را به روی امکانات بیرون کشور میندیم؛ نه، حتماً استفاده میکنیم - استفاده‌ی حداکثری هم میکنیم - منتها نگاه ما، تکیه‌ی ما، اعتماد ما بیشتر بر روی مسائل داخلی است؛ تمرکز ما روی امکانات داخلی کشور و داشته‌های درونی کشور است. نکته‌ی چهارم [از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی]، رویکرد جهادی است که در این سیاستها مورد ملاحظه قرار گرفته؛ همت جهادی، مدیریت جهادی. با حرکت عادی نمیشود پیش رفت؛ با حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بی‌حساسیت نمیشود کارهای بزرگ را انجام داد؛ یک همت جهادی لازم است، تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که میشود، هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد، و هم مجاهدانه باشد. من در جلسه‌ای که با رؤسای محترم سه قوه برای همین مسئله در هفته‌های گذشته داشتیم، مطرح کردم. خوشبختانه آقای رئیس‌جمهور با قاطعیت به من گفتند که آن کسانی که در دولت مسئول پیگیری این کارها هستند، تصمیمشان بر همین حرکت جدی و مجاهدانه است؛ خب، این خیلی خوب است؛ یعنی این لازم است، بدون این نمیشود پیش رفت. نکته‌ی پنجم [از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی]، مردم‌محوری است که در این سیاستها ملاحظه شده. تجربه هم به ما نشان میدهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید میکند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. *يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ*؛ هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست؛ نشانه و نمونه‌ی آن، دفاع هشت‌ساله، نمونه‌ی آن خود انقلاب، و نمونه‌ی آن گذر از گردنه‌های دشوار این ۳۵ سال است چون مردم در میدان بودند، کارها پیش رفته؛ ما در زمینه‌ی اقتصادی به این کمتر بها دادیم. سیاستهای اصل ۴۴ را که ما تصویب کردیم و ابلاغ کردیم، برای همین بود؛ البته حق آن چنان که باید و شاید ادا نشد. من در همین جا همان سالها، در جلسه‌ی با مسئولین راجع به سیاستهای اصل ۴۴ صحبت کردم؛ مورد تصدیق همه بود؛ در عمل هم کارهایی انجام گرفت که بایستی شکرگزار بود، لکن آنچنان که حق آن سیاستها بود عمل نشد. ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکاناتشان باید بیایند در وسط میدان اقتصادی؛ فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای متراکم و بی‌پایانی که

در این کشور وجود دارد، که واقعاً این نیروها هم بی‌شمارند. بنده سالهای متمادی است که سروکار دارم با قشرهای مختلف مردم؛ درعین حال گاهی یک چیزهایی برای ما آشکار میشود که من میبینم از اینها هم غافل بودیم. این قدر عناصر آماده‌ی به کار، یا دارای مهارت، یا دارای ابتکار، یا دارای دانش، یا دارای سرمایه در کشور هستند که اینها تشنه‌ی کارند؛ دولت بایستی برای حضور اینها زمینه‌سازی کند، اینها را راهنمایی کند که کجاها میتوانند توان خودشان را به کار ببندند، از آنها حمایت بکند؛ مسئولیت عمده‌ی دولت این است. حالا فعالیت اقتصادی دولت در یک بخشهای ناگزیری، قهراً وجود خواهد داشت؛ لکن باید فعالیت اقتصادی به مردم داده بشود؛ که در این سیاستها مورد ملاحظه قرار گرفت. مسئله‌ی ششم [از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی] امنیت اقلام راهبردی و اساسی است؛ در درجه‌ی اول غذا و دارو. باید تولید داخلی کشور طوری شکل بگیرد که کشور در هیچ شرایطی، در زمینه‌ی تغذیه و در زمینه‌ی دارو دچار مشکل نشود؛ این یکی از مؤلفه‌های اساسی در این سیاستهایی است که ابلاغ شده. باید خودکفا باشیم، بایستی زمینه‌های کاملاً کفایت کننده مورد توجه قرار بگیرد. نکته‌ی هفتم [از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی]، کاهش وابستگی به نفت است؛ یکی از سخت‌ترین آسیبهای اقتصادی ما همین وابستگی به نفت است. این نعمت بزرگ خدادادی برای کشور ما در طول ده‌ها سال مایه‌ی فروریختگی‌های اقتصادی و فروریختگی‌های سیاسی و اجتماعی شد؛ باید ما یک فکر اساسی بکنیم. ما نمیگوییم از نفت استفاده نشود، [بلکه] تکیه‌ی ما بر استفاده‌ی حداقلی از فروش نفت خام است؛ نفت را میتوان به‌صورت فرآورده در اختیار گذاشت؛ که در این سیاستها دیده شده. یک کار اساسی و مهمی که باید انجام بگیرد این است؛ این همت بلندی لازم دارد که ما در بند سیزده این سیاستها به این پرداختیم و جداً باید این بند عملیاتی بشود. موضوع هشتم [از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی]، مسئله‌ی اصلاح الگوی مصرف است؛ مسئله‌ی صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌گردهای زائد. البته در این زمینه خطاب اول من متوجه به مسئولان است؛ مسئولان نه فقط در زندگی‌های شخصی خودشان - که حالا آن یک مسئله‌ی درجه‌ی دو است - [بلکه] در درجه‌ی اول و در حوزه‌ی مأموریت خودشان باید بجد از ریخت‌وپاش پرهیز کنند. اگر چنانچه این شد یعنی ما مسئولین کشور به این اصل پایبند بودیم، آن وقت این روحیه، این خصلت، این اخلاق، سرریز خواهد شد به مردم. ما امروز در بین مردم و کسانی که دستشان به دهانشان میرسد هم اسراف زیاد می‌بینیم، در خیلی از موارد اسراف وجود دارد؛ خطاب هم میکنیم به مردم، لکن این از جمله‌ی جاهایی است که «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ». مجموعه‌ی مسئولین کشور بایستی در شئون مجموعه‌ی تحت مدیریت خودشان به این توجه کنند: اسراف نباشد؛ الگوی مصرف، یک الگوی حقیقتاً عاقلانه، مدبرانه، اسلامی باشد. ما به مردم نمیگوییم که ریاضت بکشند؛ این جور گاهی بعضی القا میکنند. بعد از آنکه سیاستهای اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد، هنوز مرکب آن خشک نشده، یک عده‌ای شروع کردند که "اینها دارند مردم را به ریاضت دعوت میکنند!" نه، به‌هیچ‌وجه این جور نیست، بلکه بعکس است؛ ما معتقدیم که اگر این سیاستها اعمال بشود، وضع مردم بهتر خواهد شد، طبقات ضعیف گشایش پیدا خواهند کرد. در کشوری که تورم در حد مطلوب باشد، اشتغال در حد مطلوب باشد، آنجا عموم مردم در راحتی و آسایش و رفاه زندگی خواهند کرد. ما به‌هیچ‌وجه به مردم نمیگوییم ریاضت [بکشند] ما نمیگوییم ریخت‌وپاش نباشد؛ مصرف کردن یک حرف است، بد مصرف کردن یک حرف دیگر است. من

چند سال قبل از این در سخنرانی اول سال، به تفصیل درباره‌ی این صحبت کردم. ما مسئولین باید این را وجهه‌ی همت خودمان قرار بدهیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در مواد غذایی، اسراف در دارو، اسراف در وسایل زندگی، اسراف در وسایل تجمل و آرایش و مانند اینها، بخش مهمی از منابع زنده‌ی کشور را هدر می‌دهد؛ این هم یکی از چیزهایی است که بایستی مورد ملاحظه قرار بگیرد؛ مصرف خوب و درست، غیر از اسراف کردن و دور ریختن و ریخت‌وپاش کردن است. نکته‌ی نهم از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی، فسادستیزی است؛ ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه‌ی اقتصاد باشند، باید صحنه‌ی اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دورزننده‌ی قانون و شکننده‌ی قانون بسته بشود؛ مبارزه‌ی با فساد این است؛ این باید جدی گرفته بشود؛ امروز خوشبختانه مسئولین این را می‌گویند، لکن گفتن کافی نیست. همه‌ی مسئولین - چه مسئولین اجرایی، چه مسئولین قضائی و چه مسئولین قوه‌ی مقننه - در این جهت مسئولند. اگر چنانچه وضع اجتماع، وضع اقتصادی کشور مثل یک خانه‌ی بی در و دروازه‌ای بود که هر که خواست آمد، هر جور خواست عمل کرد، هر چه خواست برد، خورد، خب معلوم است، انسان نجیب‌شایسته‌ی متینی که می‌خواهد از راه حلال ارتزاق کند، طبعاً جلو نمی‌آید. شفاف‌سازی، شرط اصلی این فسادستیزی است؛ باید شفاف‌سازی بشود، باید فضای رقابتی به‌وجود بیاید، باید فضای با ثبات به‌وجود بیاید؛ فعال اقتصادی در این شرایط خواهد آمد و احساس امنیت خواهد کرد. آن وقت در یک چنین فضایی آن کسی که با ابتکار خود یا سرمایه‌ی خود یا کارآفرینی خود ثروتی به‌دست می‌آورد، نظام اسلامی از او حمایت میکند و تأیید میکند. اگر چنانچه فضا فضای سالمی شد، [آن وقت] کسب ثروت و کسب درآمد یک چیز مباح و مورد تأیید و مورد حمایت نظام است. نکته‌ی دهم از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی، مسئله‌ی دانش‌محوری است که این هم یک مشخصه‌ی بسیار مهمی است. خوشبختانه وضع علمی امروز کشور این اجازه را به ما می‌دهد که این بلندپروازی را داشته باشیم که بخواهیم اقتصادمان را اقتصاد دانش‌بنیان کنیم؛ که من بعداً باز یک اشاره‌ای به این خواهم کرد. ما دانشمند و متخصص و شرکتهای دانش‌بنیان و افراد مبتکر در کشور زیاد داریم؛ و این جزو مهم‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی است در هر کشور؛ یعنی مهم‌ترین زیرساخت اقتصادی برای یک کشور، وجود نیروهای انسانی است. اگر چنانچه ما به این نکته که نکته‌ی دهم بود توجه کنیم، طبعاً چرخه‌ی علم تا ثروت - مخصوصاً در بخشهایی که دارای مزیت هستند - به راه خواهد افتاد و امتداد پیدا خواهد کرد؛ و این در اقتصاد مقاومتی ان‌شاءالله روی می‌دهد. اینها مهم‌ترین مشخصه‌هایی است که در این سیاستها مورد توجه بوده؛ مطالب دیگری هم البته هست که در متن سیاستها وجود دارد؛ مهم‌ترین آنها این ده نکته بود که من عرض کردم

بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی 1392/12/20

در متنی که ما ابلاغ کردیم، در مقدمه این سیاستها چهار نکته‌ی اصلی را به‌عنوان انگیزه و عامل تهیه‌ی این سیاستها ذکر کردیم، این چهار نکته را من اینجا تکرار می‌کنم: یکی اشاره‌ی به ظرفیتهای فراوان مادی و معنوی کشور بود؛ در مقدمه‌ی ابلاغ شده‌ی در این سیاستها به این اشاره کردیم، این بسیار مسئله‌ی مهمی است، ظرفیتهای کشور خیلی وسیع است؛ خیلی از ماها آگاه نیستیم به گستره‌ی این ظرفیتهای عجیب، یا به اهمیت آن توجه نداریم؛ میدانیم، آمارها دستانمان هم هست [توجه نمی‌کنیم]. بعضی از

مسئولین این‌جورند، آمارها را دارند، اما اهمیت آمارها مورد توجه آنها قرار نمی‌گیرد؛ حالا از باب مثال نیروی انسانی که من قبلاً هم یک اشاره‌ای کردم. ما الان از لحاظ نیروی انسانی و از جهت دارا بودن نیروی جوان در بهترین وضعیتیم؛ یعنی الان بیش از ۳۱ درصد جمعیت ما بین پانزده سال تا بیست‌وننه سال سن دارند؛ این وضعیت عالی است، فوق‌العاده است. البته اگر آنچه من مکرر توصیه کردم در مورد نسل، مورد توجه قرار نگیرد، این امتیاز را در آینده‌ای نه‌چندان دور از دست خواهیم داد؛ سیاستهای نسل هم ان‌شاءالله ابلاغ خواهد شد، آنها هم در دست تهیه است. فعلاً این‌جوری است وضع ما: بیش از ۳۱ درصد جوان داریم؛ ۲۵ برابر اول انقلاب دانشجوی داریم - جمعیت کشور از اول انقلاب تا حالا دو برابر شده، جمعیت دانشجوی ۲۵ برابر شده؛ یعنی ما از صدوبیست‌هزار رسیده‌ایم به چهارمیلیون و صد هزار؛ این چیز مهمی است، خیلی حادثه‌ی عظیمی است؛ هم این رشد مهم است، هم این دارایی‌ای که فعلاً داریم مهم است - ده میلیون دانش‌آموخته‌ی دانشگاه‌ها داریم؛ شصت و پنج هزار عضو هیئت علمی داریم که بیش از ده برابر آن چیزی است که در اول انقلاب وجود داشت؛ پنج هزار شرکت دانش‌بنیان داریم که الان هفده هزار متخصص و فعال در این شرکتها مشغول کارند، ببینید این ظرفیتها چقدر مهم است؛ نتیجه این شده که طبق گزارش پایگاه‌هایی که رتبه‌ی علمی کشورها را مشخص میکنند، ما در رتبه‌ی پانزدهم دنیا هستیم - در یک پایگاه رتبه‌ی شانزدهم، در یک پایگاه رتبه‌ی پانزدهم، در این حدود - که اینها البته مال سال میلادی گذشته [یعنی سال] ۲۰۱۳ است. این چیز مهمی است. ما در بعضی از رشته‌های علمی، رتبه‌مان از این بالاتر است؛ در بعضی از رشته‌های علمی جزو هفت هشت کشور [اول] دنیا و در بعضی جاها جزو چهار پنج کشور اول دنیا قرار داریم. این آن زیرساخت اساسی است: نیروی انسانی. نکته‌ی دوم [از انگیزه‌ها و عوامل تهیه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی]، مشکلاتی است که داریم - مشکلات مزمن، مشکلات دیرپا - که اینها جز با یک حرکت اقتصادی جمعی مهم، امکان ندارد برطرف بشود؛ یکی از آنها وابستگی به نفت است که عرض کردیم، یکی از آنها عادت به واردات است - آن هم واردات بدون اولویت؛ عادت است که متأسفانه دچار آن هستیم و این عادت را هم نتوانستیم کنار بگذاریم؛ نگاهمان به تولید خارجی است - تورم مزمن، بیکاری، معیوب بودن برخی از ساختارهای اقتصادی ما، اشکال در نظامات مالی ما - نظامات پولی ما، نظامات بانکی ما، نظامات گمرکی ما - اشکال در الگوی مصرف، اشکال در مسئله‌ی تولید، اشکال در بهره‌وری؛ اینها مشکلات موجود کشور است، باید با اینها مقابله کرد. یکی از چیزهایی که هر انسان دلسوزی را و هر مسئول با همتی را برمی‌انگیزد که کاری و حرکتی از قبیل اقتصاد مقاومتی انجام بدهد، وجود همین مشکلات است. اینها جز با یک حرکت جهادی و جمعی و دلسوزانه و مستمر - با الزاماتی که دارد و عرض خواهم کرد - میسر نخواهد شد. نکته‌ی سوم [از انگیزه‌ها و عوامل تهیه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی]، تهدیدهای اقتصادی خارجی است. خب تحریمها از قبل بود، منتها این تحریمها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. علت آن هم، نه مسئله‌ی هسته‌ای است، نه مسئله‌ی حقوق بشر است، نه مسائل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم میدانند، ما هم میدانیم؛ علت، استقلال‌خواهی ملت ایران است؛ علت، داشتن یک حرف نو بر پایه‌ی مبانی اسلام است که برای کشورهای دیگر و ملت‌های مسلمان الگو خواهد شد؛ میدانند که اگر جمهوری اسلامی در این عرصه‌ها و

میدانها موفق شد، دیگر جلوی رشد این حرکت را در دنیا نمیشود گرفت و این یک حرکت مهمی است؛ مسئله این است. حالا بهانه یک روز انرژی هسته‌ای است، یک روز غنی‌سازی است، یک روز حقوق بشر است، یک روز حرفه‌ایی از این قبیل است. تحریمها علیه ما، قبل از اینکه اصلاً مسئله‌ی انرژی هسته‌ای مطرح هم بشود وجود داشت، بعد از این هم وجود خواهد داشت. این مسئله‌ی هسته‌ای و این مذاکرات اگر ان‌شاءالله به نقطه‌ی حلی برسد، باز خواهید دید همین فشارها وجود خواهد داشت، باید در مقابل این فشارها مصونیت‌سازی کرد، باید به بنای داخلی استحکام‌بخشی کرد. اقتصاد را باید قوی کنیم تا دشمن از تأثیرگذاری از این ناحیه مأیوس بشود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، خیال ملت و مسئولین کشور هم راحت خواهد شد. یک ظرفیت دیگر [از ظرفیتهای کشور که جزو انگیزه‌ها و عوامل تهیه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی است سرمایه‌های معدنی است. رتبه‌ی اول نفت و گاز [هستیم] که سال گذشته بنده اول سال گفتم، ما در مجموع دارایی نفت و گاز زیر زمین، در دنیا اولیم؛ در گاز دوم، در نفت هم دوم یا سوم؛ اخیراً آقای رئیس‌جمهور یک گزارشی به من دادند که در خصوص گاز اولیم، در نفت قطعاً دومیم، این خیلی چیز مهمی است؛ هیچ کشوری در دنیا به قدر ایران ما نفت و گاز ندارد. نفت و گاز رگ حیاتی امروز دنیا است، لااقل امروز این جور است، تا سالها هم این جور خواهد بود؛ حالا کی بشریت از نفت و گاز خلاص بشود، بی‌نیاز بشود، معلوم نیست. این ماده‌ی حیاتی و اصلی، در کشور شما از همه‌ی دنیا بیشتر است؛ این ظرفیت کمی است؟ این چیز کوچکی است؟ حالا این نفت و گاز بود، سرمایه‌های معدنی دیگر [هم همین جور] : معادن طلا، معادن سیمان، معادن فلزهای کمیاب و فلزهای ارزشمند. گزارشهایی که به ما میرسد خیلی گزارشهای تکان‌دهنده‌ای است در برخی از بخشها؛ این ظرفیتهای معدنی کشور است. ظرفیتهای صنعتی و معدنی، متنوع است و انبوه. رتبه‌ی هفده در اقتصادهای جهان - که این جزو آمارها و گزارشهای بین‌المللی است - با حدود هزار میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی. سرمایه‌های زیربنایی [مثل] راه و سد؛ امروز بیش از ششصد سد در کشور در اندازه‌های مختلف وجود دارد؛ انقلاب اسلامی این کشور را در وضعیتی تحویل گرفت که حدود ده پانزده سد در سرتاسر کشور بود؛ امروز ششصد و اندی سد در کشور هست؛ در اندازه‌های بزرگ و کوچک؛ بعضی از آنها بسیار مهم و بزرگ] است. مسئله‌ی راه هم همین جور، آمارهای راه هم آمارهای خوبی است. ظرفیت و مزیت جغرافیایی؛ دسترسی به آبهای آزاد، موقعیت چهارراهی شمال و جنوب و شرق و غرب که مسئله‌ی ترانزیت را - که مسئله‌ی بسیار مهمی است - برای ما توضیح میدهد. تنوع اقلیمی، ظرفیت انرژی‌های پاک [مثل] انرژی آب و خورشید، انرژی هسته‌ای. این ظرفیتها در کشور وجود دارد. بنابراین این نکته‌ی اول از نکاتی که ما را برمی‌انگیزد که به دنبال یک مدلی و یک الگویی از اقتصاد باشیم که اسم آن اقتصاد مقاومتی است. نکته‌ی چهارم [از انگیزه‌ها و عوامل تهیه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی]، بحرانهای اقتصادی جهانی است؛ که البته اشاره کردم قبلاً که ناشی است از اقتصاد غرب و اقتصاد آمریکا؛ در اروپا هم در حقیقت سرریز مشکلات آمریکا [بود که] مشکلات را دامن زد، اگرچه زمینه‌ی آن وجود داشت؛ در جاهای دیگر هم همین جور. ما هم که نمیخواهیم دور خودمان حصار بکشیم؛ ما نمیتوانیم و نمیخواهیم که از لحاظ اقتصادی، ارتباطات را با دنیا قطع کنیم، نه ممکن است، نه مطلوب است، بنابراین تحت تأثیر اینها قرار میگیریم، پس باید مقاومت‌سازی کنیم. بخش سوم [بحث درباره سیاستهای اقتصاد مقاومتی]، الزامات و انتظارات است. خب، حالا این طرح بزرگ، این نقشه‌ی راه همه‌جانبه

و وسیع، مطرح شد؛ صرف مطرح کردن سیاستها که مشکلی را حل نمیکند؛ این آغاز راه است. کارهایی باید انجام بگیرد: در درجه اول، عزم جدی مسئولان و مدیران اصلی و فعالان مردمی است؛ باید تصمیم بگیرند مسئولین کشور - در درجه اول، قوه مجریه، مسئولان دولت؛ و نیز قوه مقننه؛ و قوه قضائیه؛ و بخشهای گوناگونی که ارتباطی با مسائل اقتصادی دارند - و حتماً بایستی در این مسئله، عزم جدی و راسخ داشته باشد. بدون تصمیم جدی و راسخ، کار پیش نخواهد رفت. مسئله دوم آاز الزامات و انتظارات سیاستهای اقتصاد مقاومتی]، ورود در میدان عمل [است] عمل در اینجا یک عمل صالح است؛ هر کسی که در این زمینه اقدام و عمل بکند، قطعاً مصداق «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» خواهد بود. این طرح کلی، این نقشه راه بزرگ، باید تبدیل بشود به برنامه، برنامه‌های گوناگون؛ اگر این شد، آن وقت حماسه‌ی اقتصادی به معنای واقعی کلمه به وجود خواهد آمد. ما امسال را گفتیم سال حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی، بحمدالله حماسه‌ی سیاسی به وجود آمد؛ حماسه‌ی اقتصادی متأسفانه تأخیر افتاد؛ لکن حالا در پایان سال، این سرآغازی برای حماسه‌ی اقتصادی خواهد بود که قطعاً باید ان شاءالله در سال ۹۳ با جدیت کامل از سوی مسئولین دنبال بشود و در عمل باید شروع بشود. مسئله سوم آاز الزامات و انتظارات سیاستهای اقتصاد مقاومتی]، تبدیل به برنامه و سیاستهای اجرایی است که دستور این کار از سوی رؤسای سه قوه داده شده؛ هم رئیس جمهور محترم، هم رئیس قوه مقننه، هم رئیس محترم قوه قضائیه دستور داده‌اند به زیرمجموعه‌ی خودشان که برنامه‌های اجرایی را در هر بخشی تهیه کنند؛ منتها من می‌خواهم تأکید کنم بر روی زمان‌بندی؛ باید زمان‌بندی کنید. من بخشنامه‌هایی که آقای معاون اول برای دستگاه‌ها فرستاده بودند، دیدم؛ باید زمان‌بندی بشود، مشخص بشود که چقدر کار پیش رفت و تا کی انتظار تحقق این برنامه‌سازی و بعد اجرا را باید داشت؛ باید شتاب بگیرد؛ سهم هر قوه‌ای معین بشود. در قوای مختلف - بخصوص قوه مجریه - سهم هر دستگاهی مشخص بشود؛ شاخصها - بخصوص شاخصهای زمانی - معین بشود که بتوان نظارت کرد و بتوان پیشرفت کار را و صحت مسیر را فهمید. مسئله چهارم آاز الزامات و انتظارات سیاستهای اقتصاد مقاومتی]، هماهنگی میان بخشهای گوناگون است که البته سازوکار این هماهنگی را باید رؤسای قوا معین کنند. هماهنگی کمک خواهد کرد، هماهنگی بین مجلس و دولت، بین مجلس و دولت و قوه قضائیه. در بخشهایی بدون هماهنگی نمیشود حرکت کرد؛ در بخشهایی هم هماهنگی دارای تأثیر است ولو نه به آن اندازه؛ به هر حال هماهنگی لازم است. سازوکار هماهنگی را باید رؤسای سه قوه ان شاءالله تهیه کنند. مسئله پنجم آاز الزامات و انتظارات سیاستهای اقتصاد مقاومتی]، نظارت در همه‌ی سطوح است؛ باید نظارت بشود؛ هم رؤسای قوا باید دستگاه‌های خودشان را تحت نظارت قرار بدهند، هم مجمع تشخیص موظف است که به مسئولیت نظارتی که داده شده به‌طور کامل عمل کند و ببیند که چه دارد اتفاق می‌افتد، رهبری و دستگاه ما هم نظارت خواهد کرد ان شاءالله. بنابراین نظارت یکی از الزامات اصلی است. مطلب ششم آاز الزامات و انتظارات سیاستهای اقتصاد مقاومتی]، رفع موانع است. موانعی وجود دارد که اینها را میشود برداشت: موانع قانونی [وجود دارد] - که من به رؤسای محترم سه قوه در آن جلسه‌ای که داشتیم گفتم "قانون روی قانون آمدن" کار را مشکل میکند، قوانین مزاحم را باید برداشت؛ این کار را مجلس میتواند انجام بدهد؛ والا ما حالا قوانینی داریم]، اگر [باز یک قانونی روی آن قانون وضع بکنیم، قابل تفسیر و مشکل‌تراشی است؛ باید ملاحظه کرد، دقت کرد، قوانین مزاحم را پیدا

کرد - موانع حقوقی و قضائی هم وجود دارد؛ اینها را باید شناسایی کرد و برداشت. بایستی فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، سرمایه‌گذاران، دانشمندان، احساس کنند که با موانع غیر معقول مواجه نیستند، بتوانند حرکت کنند. الزام هفتم و کار لازم هفتم [از الزامات و انتظارات سیاستهای اقتصاد مقاومتی]، گفتمان سازی است؛ باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود؛ البته صداوسیما و رسانه‌های کشور موظفند اما مخصوص آنها نیست. دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف با کشور، مخالف با انقلاب، مخالف با پیشرفت ملی ما، خیلی چیزها در چننه دارند و شروع هم کرده‌اند - ما دیدیم - بعد از این هم بیشتر [خواهند کرد] درباره‌ی اقتصاد مقاومتی، اشکال تراشی، مانع تراشی، گاهی هو کردن، بی‌اهمیت جلوه دادن آنچه که در کمال اهمیت و نهایت اهمیت است؛ از این کارها میکنند. نقطه‌ی مقابل آنها بایستی کار بشود؛ مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان‌سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد. آخرین نکته‌ای هم که در زمینه [الزامات و انتظارات سیاستهای اقتصاد مقاومتی] عرض میکنم و عرایضم را تمام میکنم، پایش و اطلاع‌رسانی است. بایستی مرکز رصد قوی و بینایی وجود داشته باشد که به‌طور دقیق پیشرفت این کار را پایش کند؛ اطلاعات را گردآوری کنند، پردازش کنند، استنتاج کنند، احیاناً آن حرکتی را که باید در هر مقطعی و هر مرحله‌ای انجام بگیرد مشخص کنند، برای هر بخشی شاخص سنجش معین کنند، و در نهایت اطلاع‌رسانی به مردم انجام بگیرد؛ یعنی مردم دوست دارند بدانند

۲- اصول و مفاهیم اقتصاد مقاومتی

۲-۱- تعریف اقتصاد مقاومتی

صاحب‌نظران تعاریف مختلفی از مفهوم اقتصاد مقاومتی نموده‌اند که در ادامه به بررسی تفصیلی این تعاریف می‌پردازیم:

داود غفارپور و زهره پورحاتمی، در ارائه تعریفی از اقتصاد مقاومتی و مفهوم آن عنوان می‌دارند: این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بر اساس جهان بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می‌کند.

دکتر ناصر صدرا ابرقویی مسئول کانون بسیج اساتید دانشگاه جامع علمی کاربردی استان یزد معتقد است: اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار بیگانگان و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن فشارها و برنامه‌های دشمنان خارجی و داخلی و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های منطقی و حساب شده را می‌طلبد. به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی را می‌توان شناخت برنامه‌های دشمنان نظام در حوزه اقتصادی و برنامه ریزی برای کاهش وابستگی‌ها از طریق شناخت و بکارگیری مزیت‌های تولید داخلی دانست.

دکتر ابراهیم رزاقی استاد اقتصاد دانشگاه تهران پیرامون مفهوم و لزوم اقتصاد مقاومتی اظهار می دارند: اگر بخواهیم شاهدی تجربی برای اقتصاد مقاومتی بیاوریم می توانیم به اقتصاد کشورمان در زمان جنگ اشاره کنیم. در آن دوران زیرساختهای اقتصادی مانند پالایشگاههای ما مورد هجوم قرار گرفته و درآمدهای نفتی و ارزی به شدت کاهش یافته بودند. همچنین هزینه های بالایی را برای تهیه سلاح تقبل کرده بودیم. در این شرایط سیاست گذاران به دنبال توزیع بهینه تولید و واردات بودند تا به معیشت مردم لطمه ای وارد نشود و این همان مفهوم اقتصاد مقاومتی است.

دکتر جعفر قادری در مصاحبه با سایت الف در خصوص مولفه های اقتصاد مقاومتی اظهار می دارد: توجه به تولیدات داخلی، استفاده از نیروی کار و سرمایه داخلی، اتکا بر اقتصاد «دانایی محور»، توجه خاص به تولید کالاهای اساسی و محصولات زیربنایی، مهم ترین مؤلفه های اقتصاد مقاومتی اند. در اقتصاد مقاومتی، جهت گیری سیاست های تجاری به کشورهای همسایه معطوف است؛ به فعالیت های اقتصادی همچون جهاد می نگریم؛ اصلاح الگوی مصرف و حرکت به سوی مصرف بهینه مد نظر است و توجه زیادی به تحقیقات کاربردی می شود. از نظر ایشان در اقتصاد مقاومتی، کارها باید عمدتاً به مردم واگذار شود. نقش اساسی و محوری در انجام فعالیت های اقتصادی را باید به مردم داد. بایستی تلاش کرد که دولت در این میان، نقش مکمل و نه نقش جایگزین را بازی کند.

۲-۲- مفهوم اقتصاد مقاومتی

عنوان «اقتصاد مقاومتی» در ادبیات متعارف علم اقتصاد معادل دقیقی ندارد. از این رو می توان اذعان نمود این واژه برخاسته از فرهنگ اسلامی ایرانی کشور بوده است.

«اقتصاد مقاومتی» به معنای شناسایی حوزه های اعمال فشار و تلاش برای کنترل و خنثی سازی آن ها در شرایط ایده آل، تلاش برای تبدیل فشارها به فرصت هاست.

«اقتصاد مقاومتی» همسو با کاهش وابستگی و تأکید بر مزیت های تولید داخلی و تلاش برای اتکا به خود است. «اقتصاد مقاومتی» ابتکار اقتصادی کشوری تحت شرایط خاص است که قصد تولید و توزیع محصولات دارد و سرمایه گذاری های خاص را در کاهش وابستگی به سایر کشورها تحت شرایط بحرانی انجام می دهد. یعنی اگر کشوری نتواند محصولات اولیه را برای مردم تأمین نماید و آن ها را از سایر کشورها در تعاملات بازاری تهیه کند، می تواند آن ها را به صورت انبوه با اتکا به تولید داخلی تولید نماید. تأمین محصولات اولیه و نیازهای مردم برای مقاومت در برابر برخی از کشورهای می کنند تا بسیاری از کالاهایی مورد نیاز کشور را تحریم کنند ضروری است.

«اقتصاد مقاومتی» تاکتیکی موقت و زودگذر برای شرایط فعلی اقتصاد نیست، بلکه یک راهبرد بلندمدت و دائمی است که باعث می شود اقتصاد، در مقابل تکانه های اقتصادی و غیراقتصادی مقاوم شود. در این راستا رهبر معظم به برخی حقایق روشن کننده اشاره نموده اند که باید توسط مسئولین در برنامه ریزی ها، افق بلندمدت، تقویت بخش خصوصی، تشویق فعالیت نهادهای اقتصادی، تقویت سیستم بانکی کشور و سیستم های دولتی (قوه قضاییه و قوه مجریه) مد نظر قرار داد. همچنین از نظر ایشان، کاهش وابستگی به صنعت نفت، توجه به صنایع دانش محور و سایر ظرفیت ها در ایران، عناصر اصلی اقتصاد مقاومتی هستند.

لازم به اشاره است که توجه به کلیدواژه‌هایی همچون رویکرد جهادی، انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درون‌زا، برون‌گرا، کارآفرین، نوآوری و دانش بنیانی، رقابت پذیری و اصلاح الگوی مصرف می‌تواند مختصات و مشخصه‌های این نوع اقتصاد را بیش از پیش برای ما روشن سازد.

با نگاهی به متن ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی درمی‌یابیم که این سیاست‌های کلان در پی ترسیم تصویری از اقتصاد ایران اسلامی با رویکردی جهادی، انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا است که مهم‌ترین هدف آن تامین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله شاخص گذاری شده است.

عده‌ای، مفهوم اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی را یکی دانسته و برخی معتقدند ماهیت این دو متفاوت بوده و دارای کارکردهای متفاوتی نیز می‌باشند. در اینجا برای روشن شدن موضوع به شرح مفهوم ریاضت اقتصادی خواهیم پرداخت.

۲-۳- تعریف ریاضت اقتصادی

شهرزاد کیافر در مقاله‌ای به مقایسه دو مفهوم ریاضت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی پرداخته و عنوان می‌دارد: ریاضت اقتصادی Austerity به طرحی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد. اینکه بر اقتصاد و شرایط بحران زده‌اش ریاضت و سختی تحمیل شود، در ظاهر اصلاً کار خوشایندی به نظر نمی‌رسد، اما می‌تواند به بازیابی درازمدت اقتصاد کمک کند. بنابراین اگرچه اقتصاد ایران شاید ناچار شود در درازمدت به سیاست‌های ریاضتی روی بیاورد، اما اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی دو مفهوم جداگانه و مستقل است که به هیچ عنوان منجر به بروز یکدیگر نخواهند شد.

سیدمحمدحسین میرمحمدی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس معتقد است: در اقتصاد مقاومتی محدودیتی در منابع وجود ندارد اما استفاده بهینه از منابع موجود باید طی یک برنامه زمان‌بندی شده صورت گیرد و این در حالیست که در ریاضت اقتصادی ما با محدودیت در منابع و سرمایه‌ها روبه‌رو هستیم و به ناچار باید با سهمیه‌بندی و کم مصرف کردن با محدودیت‌های موجود مقابله کنیم. اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر و راهکارهایی است که برای پیشبرد امور اقتصادی در شرایط مقاومت در همه زمینه‌های اقتصادی به کار گرفته می‌شود.

دکتر محمود دهقانی عضو هیأت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) معتقد است: اقتصاد مقاومتی امری پویا، فعال، درازمدت و هجومی است اما ریاضت اقتصادی یا مقاومت اقتصادی امری کوتاه مدت، انفعالی، بخشی و مربوط به شرایط بحرانی جامعه است. به عنوان نمونه وقتی کشور در تولید و ساخت بنزین خودکفا شد، نوعی اقتصاد مقاومتی بود، در حالیکه مقاومت اقتصادی یعنی کاهش شدید مصرف و نوعی ریاضت اقتصادی. کشور در اقتصاد مقاومتی سعی در رسیدن به استقلال و خودکفایی دارد. در واقع مفهوم ریاضت اقتصادی در نتیجه بحرانهای مالی ناشی از سوء تدابیر اقتصادی دولت‌ها ایجاد گردیده است. این موضوع شبیه آن چیزی است که امروزه در برخی از کشورهای بحران زده غربی مانند یونان،

اسپانیا، ایتالیا و پرتغال شاهد آن هستیم. اما مفهوم اقتصاد مقاومتی که امروزه در کشور ما مطرح گردیده ناشی از تحریم های اقتصادی تحمیل شده توسط کشورهای غربی با هدف توقف فعالیتهای صلح آمیز هسته ای ایران صورت گرفته است. بنابراین در ادامه نگاهی گذرا به تاریخچه اینگونه تحریمها و آثار آن بر اقتصاد و بخصوص سیستم مالی و پولی کشورمان می افکنیم.

۴-۲- هرم چهار وجهی اقتصاد مقاومتی

دکتر عادل پیغامی، استاد اقتصاد و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام در تشریح اقتصاد مقاومتی آن را از چهار منظر به طور تفصیلی مورد بررسی قرار داده و راه حل هایی نیز به شرح ذیل ارائه نموده است:

اقتصاد موازی

تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به مثابه «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کارویژه ایجاد کند.

این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست. کما اینکه اکنون ما همزمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهره مندیم. البته این الگو در مدل های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام های چندلایه سیاستگزاری و اداره امور عمومی برخوردارند. به عنوان مثال می توانیم از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان های مردم نهاد، خیریه و بنگاه های خصوصی در عرصه بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه یافته غربی نام ببریم. البته مهم ترین مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه اجرا با سؤالات نوینی روبه رو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ تصویری از «بانک مرکزی موازی» در یک کشور و سامان بخشی به عرصه پولی- مالی کشور در دو لایه دولتی و عمومی وجود ندارد. اما باز هم منطقی نمی توان این الگو را در زمره مدل های اداره نشدنی و غیر معقول به حساب آورد.

اقتصاد ترمیمی

تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی «مقاوم سازی»، «آسیب زدایی»، «خلل گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی می گفتیم که فلان نهاد نمی تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می خواهیم که کانون های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را بر اساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم ها یا نیازهای انقلاب اسلامی

بازتعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند. در مقام تمثیل می‌توان گفت این کار شبیه همان کاری است که «پتروس فداکار» با فرو بردن انگشت خود در ترک دیواره سد انجام داد؛ یعنی باید ترک‌های ساختاری دیوار نهادهای اقتصادی را ترمیم کنیم. این مسأله یعنی ترمیم و مقاوم سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم سازی ساختارهای اقتصادی شدند. مثلاً غرب پس از دو شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ میلادی، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین کرد؛ به طوری که امروزه با قیمت‌های بالای یک‌صد دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود. با این توضیحات ما امروز فقط نیازمند عزمی ملی برای اجرای این پروژه‌ی ملی و ارزشی هستیم.

اقتصاد دفاعی

تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی» و «پدافندشناسی» ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلاص در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

اقتصاد الگو

چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این تعریف هم که به نظر می‌رسد دور از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده‌آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود.

۲-۵- محوره‌های اساسی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است.

برخی محوره‌های اساسی و مهم اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

۲-۵-۱- حمایت از تولید ملی

تأکید مقام معظم رهبری در ابتدای سال ۱۳۹۱ بر ضرورت تداوم تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مبین سه وظیفه برای دولت، دست اندرکاران تولید و مردم می باشد، سه حلقه ای که نحوه تعامل آنها بر روی هم، تاثیر مستقیم دارد و نتیجه نهایی آن، به این تعامل وابسته است. یعنی هرچه قدر که مردم را تشویق به خرید کالای داخلی کنیم ولی کیفیت تولید کالای داخلی پایین باشد، عملاً رغبتی از سمت مردم به خرید کالای داخلی نخواهد بود. اگر تولید کننده هم برای تولید کالای باکیفیت همت کند ولی دولت و سیستم بانکی کشور، خدمات پولی و مالی ارائه ندهند و یا قوانین اقتصادی، فضای کسب و کار را سخت کند و یا مردم نسبت به کالای داخلی بی رغبت باشند، باز هم نتیجه منفی خواهد بود. لذا باید تمامی ارتباطات این سه حلقه باهم اصلاح شده و در راستای افزایش تولید ملی بهبود پیدا کند.

۲-۵-۲- سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی

محدود سازی اقتصاد دولتی و آزاد سازی اقتصاد از پیامدهای مهم اصل ۴۴ قانون اساسی است. اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می باشد.

بخش خصوصی به عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با بکارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال مدیریت کار آمد، ضمن ایفاء نقش خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور، می تواند اهداف توسعه ای دولت را محقق نماید.

اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است و بخش خصوصی بدون شک برترین بستر، برای همراهی مردم به عنوان اصلی ترین ارکان مقاومت در جامعه، برای ضد ضربه کردن اقتصاد در برابر تحریم هاست.

۲-۵-۳- توجه به نخبگان و استفاده از فناوری نوین

نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. زمانی که فناوری های نوین مشمول تحریم قرار می گیرند و کشورهای دشمن اجازه نمی دهند این فناوری ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود، می توان این فناوری ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. میدان دادن به نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی، از ویژگی های اقتصاد مقاومتی است و نیز باید شرایط به گونه ای باشد که نخبگان بدون مانع کارهای خود را پیش برند. آنچه جای نگرانی است، تحریم خارجی نیست بلکه نگرانی در خصوص موانع تولید و تجارت در داخل کشور است که گاهی شدیدتر از تحریم ها عمل می کند.

۲-۵-۴- اقتصاد مقاومتی، تحقق جهاد اقتصادی

سال ۱۳۹۰ که برحسب منویات مقام معظم رهبری، بنام جهاد اقتصادی نام گذاری شد، آغاز حرکتی بود در راهی که به از بین بردن موانع و معضلات اقتصادی کشور می انجامد. به همین دلیل سال ۱۳۹۱ که به نام تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نام گذاری شده، یکی از اهداف مهم آن ایجاد اقتصاد مقاومتی است. جهاد اقتصادی به معنای شروع حرکتی موثر برای ساختن بنیان آینده ایست که امروز برای هر ایرانی یک آغاز است، شروع زندگی در شرایطی بهتر و ایده آل. اقتصاد مقاومتی نتیجه و ثمره اقتصادی است که با تکیه بر حرکت های جهادی و فداکارانه در برابر احتکار و انحصار قد علم می کند و با تورم و گرانی مقابله می کند تا مردم به آسایش نسبی در زندگی برسند.

۲-۶- اهداف تحقق اقتصاد مقاومتی

مهم ترین اهداف تحقق اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

۲-۶-۱- مهار سوداگری و فساد، گام اول تحقق اقتصاد پایدار

منظور از سوداگری، فعالیت های غیر مولدی است که از تلاطمات و نوسان های بازار سوء استفاده نموده و بهره مندی هایی را نصیب برخی افراد می گرداند. در اقتصاد مبتنی بر دلالتی و سوداگری، بخش مولد بیشترین آسیب را دیده و ساز و کار اقتصاد به سمت حباب های قیمتی و نوسان های شدید سوق می یابد. چنین اقتصادی در مواجهه با فشار خارجی کمترین پایداری و مقاومت را داشته و به سرعت متلاشی می شود.

برخی سیاست های اجرایی مناسب ذیل این اصل عبارتند از: سیاست های کنترل زمین و مسکن، مبارزه با قاچاق و واردات غیر قانونی، ساماندهی فضای اطلاعاتی به منظور دسترسی یکسان آحاد جامعه به اطلاعات اقتصادی و...

۲-۶-۲- مردمی سازی اقتصاد، ارتقاء مقاومت اقتصادی در برابر تحریم ها

برای اینکار، در گام اول می بایست توانمندسازی آحاد مردم در دستور کار قرارگیرد تا زمینه برای حضور موثر همه افراد در فعالیت های مولد اقتصادی فراهم شود. وحدت و همکاری میان فعالین می تواند به اشکال گوناگون شبکه سازی، خوشه سازی، زنجیره تامین و... در دستور کار قرار گیرد. لیکن با محوریت نظم های جمعی میان فعالیت ها، آرمان های مردم سازی اقتصادی محقق شده و سطح پایداری و مقاومت اقتصادی در برابر تحریم ها و فشارها ارتقاء می یابد.

۲-۶-۳- خلاصی از وابستگی به درآمد نفت، مصداق خود اتکایی

ساز و کارهای حوزه اقتصادی بایستی به گونه ای مورد بازبینی قرارگیرند که تمامی مواردی که وابستگی کشور را به دنبال دارد، شناسایی نموده و درخصوص آن تصمیم گیری نمایند. در موارد کم اهمیت تر می توان این حوزه ها را متنوع و متکثر نمود تا میزان وابستگی کشور کاهش یابد. در موارد خاصی نیز ممکن است جایگزین سازی کامل مد نظر قرار گیرد.

برخی از سیاست هایی که در این خصوص قابل طرح هستند عبارتند از: جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند؛ مالیات و درآمدهای ترانزیتی و... و نیز گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچکتر.....

۲-۶-۴- اولویت بندی شرکای تجاری ایران

کشورهای منطقه و نیز کشورهایی با همسویی ایدئولوژیک باید بر دیگران ترجیح داده شوند. از سوی کشورهای با همبستگی بیشتر، تمایل کمتری به ورود در توافقات طرفینی بر علیه یکدیگر دارند و از سوی دیگر، منطقه به سبب مواجهه با تهدیدات و فرصت های مشترک، امنیتشان به هم گره خورده است. در واقع بلوکی از کشورهای همسایه و مجاور به لحاظ جغرافیایی، با حجم اقتصاد و جمعیت بزرگتر، پایداری بیشتر خواهد داشت. اگر کشور در زمینه های صنایع و رشته فعالیت های اولویت دار مثل غذا و دارو، پیشرفت کند به صادر کننده عمده مبدل شده و به پیشرفت های فنی و صنعتی بسیاری در این زمینه ها می تواند نایل شود، لذا بقای کشور تضمین شده و امکان تحریم و فشار به کشور کاهش می یابد. حوزه انرژی و صنایع نظامی نیز دو زمینه مهم دیگری هستند که بایستی مورد توجه ویژه قرار بگیرند. اولویت بعدی هم صنایع فرهنگی است. در این حوزه نیز به سبب رویکرد فرهنگی و گفتمان ساز انقلاب اسلامی می توان با تحرک و پویایی مناسب مبانی فرهنگی و تربیتی والای اسلامی را به جهان صادر نمود و مبنای فکری نظام سلطه را مورد چالش جدی قرارداد.

۲-۶-۵- فرهنگ سازی اولویت تولید بر واردات و خرید کالای داخلی

علاوه بر ترویج و تبلیغ مفاهیم عام حوزه فرهنگ مقاومت همچون جهاد و مبارزه، در حوزه اقتصادی نیز بایستی مفاهیم فرهنگی مناسبی بسط و توسعه یابد. ترجیح تولید بر واردات و خرید کالای داخلی مساله مهمی است که در بسیاری موارد با موانع فرهنگی روبروست. نفی تکاثر درعین تبلیغ کار و تولید ثروت، نفی اسراف درعین ترویج مصرف میانه و... نیز بایستی محور توجه قرار گیرند. بایستی به لحاظ فرهنگی چنان مساله مطرح شود که جهاد اقتصادی همانند جهاد نظامی مد نظر قرار گرفته و فعالیت مفید اقتصادی امر مجاهدت در راه خدا را داشته باشد.

اینها گوشه ای از اهداف اقتصاد مقاومتی است که تنها با امتداد راه جهاد اقتصادی میسر خواهد شد. ایجاد شرایطی نسبتاً پایدار، اقتصادی ایمن و مقاوم و خود کفایی که آرزوی هر ملتی است.

۲-۷-۲- اقتصاد مقاومتی و مولفه های آن

۲-۷-۱- اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی

در آموزه های اسلامی می توان مواردی را یافت که هم به عنوان شاخص های یک اقتصاد اسلامی و هم به عنوان شاخص های یک اقتصاد مقاومتی قابل شناخت است. از اینرو می توان اظهار داشت که مبانی اقتصاد اسلامی مبتنی بر تشکیک یک اقتصاد مقاومتی است. برخی از این شاخصها در ادامه بحث ارائه می شوند.

۲-۷-۲- نفی سبیل

نفی سبیل مهمترین قاعده فقهی است که ضرورت وجود اقتصاد مقاومتی را نشان می دهد. قاعده اسلامی فوق هرگونه تسلط کفار بر مسلمین را در هر زمینه ای از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، جایز نمی شمارد. از مهمترین آیات قرآنی که بر این اصل دلالت دارند آیه ۱۴۱ سوره نساء است: «همان منافقان که در انتظار فرصتند تا اگر فتوحی از ناحیه خدا نصیب شما شود خود را از شما دانسته، می گویند: مگر ما با شما نبودیم و اگر نصیب کافران شود به آنان می گویند: مگر نبود که ما رهنمودهای خود را به شما قبولانندیم و نمی گذاشتیم به دین مؤمنین بگروید، ولی خدا در قیامت بین شما حکم خواهد کرد و خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند».

۲-۷-۳- عدم اسراف

اسراف در فعالیت های اقتصادی به معنای افراط کردن و تجاوز نمودن از حد میانه و اعتدال است، چه در رفتارهای مصرفی و چه در فعالیت های تولیدی. در طی بیش از ۲۵ آیه در قرآن کریم از عمل اسراف و تبذیر نهی شده است. عدم اسراف موجب می شود که تولیدکنندگان و مصرف کنندگان در تصمیم گیری های خویش منافع و هزینه های اجتماعی و نه شخصی خویش را ملاک قرار دهند. بدین ترتیب مصلحت جامعه مد نظر قرار می گیرد و ملاک تصمیم گیری واقع می شود نه منافع شخصی (صدر ۱۳۷۴). اسراف از جنبه های مختلف به جامعه صدمه می زند. با فرض محدود بودن عرضه کالاها، مصرف زیاد توسط ثروتمندان باعث افزایش قیمت کالاها و دسترسی سخت تر فقرا به کالاهای مورد نیاز خواهد شد که می تواند موجب بروز خشم و نفرت در بین این طبقه و خودداری از مشارکت آنها در دفاع از کشور گردد. موج فزاینده مصرف می تواند منجر به افزایش شدید واردات، خروج سرمایه ها و ذخایر ارزی و آسیب پذیر شدن کشور در برابر بیگانگان شود (سیدشکری، ۱۳۸۸).

دولت می تواند با آموزش مردم، قیمت گذاری کالاها و اجتناب از پرداخت یارانه های غیر هدفمند، جامعه را در مسیر اجرای بهتر این قانون الهی قرار دهد. باید توجه داشت این منع اسراف در بدنه حکومت و نظام نیز باید وجود داشته باشد. وقتی دولت به عنوان بزرگترین مصرف کننده اقتصاد کشور است، طبیعتاً نقش مهم تری نسبت به بخش خصوصی در کاهش هزینه ها می تواند داشته باشد و عدم رعایت این اصل توسط دولت مانع از رعایت آن توسط عموم افراد جامعه خواهد شد. همچنین تجربیات نشان داده است خصوصی سازی یکی از روشهای است که می تواند به کاهش مصرف و جلوگیری از اسراف منجر شود زیرا در بنگاه های دولتی اتلاف منابع تا حدود زیادی مشاهده شده است. در این راستا دولت می تواند با فعال تر کردن بخش خصوصی و خودداری از بزرگ شدن بی برنامه دولت، به مبارزه با اسراف بپردازد.

۲-۷-۴- نهی از اخلاص در نظام

هر سیاست یا فعالیتی که ارتکاب یا ترک آن موجب مختل گردیدن نظم و نسق جامعه گردد، حرام است . این تحریم ضامن حفظ استقلال جامعه و عدم استضعاف مسلمانان می شود . یکی از موارد اختلال نظام وقتی است که اجرای یک فعالیت مجاز یا پرهیز از یک فعالیت غیرمجاز موجب هرج و مرج یا عسر و حرج برای مردم گردد(صدر، ۱۳۷۴). شاید بتوان این گونه گفت که سیاست ها در یک اقتصاد اسلامی باید به صورتی باشد که اخلال در نظام و شرایط عسر و حرج را به بار نیاورد.

۲-۷-۵- نهی از اتراف

اتراف رفتار و عمل اقتصادی است که از سوی برخی از سرمایه‌داران و ثروتمندان انجام می‌شود. به این معنا که مال و ثروت زیاد، آنان را به رفتار ضداخلاقی و ناهنجار می‌کشد. البته اتراف ارتباط مستقیمی با مصرف ندارد، بلکه ویژگی اخلاقی و رفتار اجتماعی است، زیرا شخص مترف به سبب رفاه و آسایش زیاد، با مردم رفتاری متکبرانه دارد و در حوزه عمل اجتماعی تعادل رفتاری و شخصیتی خویش را از دست می‌دهد.

اتراف از جمله فرهنگ ها و هنجارهایی است که قرآن آن را باعث هلاکت حتمی جوامع معرفی می‌کند و اتراف کنندگان که قرآن آنها را مترفین می‌نامد، همیشه باعث نابودی جوامع بوده اند(سیدشکری، . 1388) شاید بتوان مصرف کالاهای تجملی و غیرضروری که مصرف عموم افراد جامعه نباشد و فقط در دهک بالای درآمدی و تنها از طریق واردات تأمین گردد را در زمره این گونه موارد به حساب آورد. علاوه بر تحریم اسراف، تذبذیر و اتراف، مصرف به انگیزه تفاخر و ابراز امتیاز و خودنمایی مورد نکوهش اسلام قرار گرفته است(پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1383) .

علاوه بر قواعد ذکر شده در بالا که باعث حفظ و افزایش سرمایه های فیزیکی اقتصاد می شوند، اسلام به حفظ و افزایش سرمایه های انسانی و اجتماعی جامعه توجه داشته است. توصیه به آموزش و یادگیری علوم به همراه نکوهش کم کاری و تنبلی، سرمایه انسانی جامعه را افزایش می دهد. برابر دانستن کلیه مسلمانان با هم به همراه توصیه به وفای به عهد و داشتن اخلاق خوش سرمایه اجتماعی جامعه را افزایش می دهد.

دولت می تواند با اجرای صحیح سیاست های اقتصادی به اجرایی شدن احکام فوق در جامعه کمک کند . احکام اسلامی که در بالا به آن اشاره شد همگی از مشخصات اصلی یک اقتصاد توسعه یافته و سالم است . رعایت دو اصل قیمت گذاری کالاهای عمومی براساس ارزش واقعی آنها و استفاده از امکانات بخش خصوصی از ترویج اسراف جلوگیری می کند . همچنین عدم اجرای سیاست هایی که منجر به اختلال در نظام اقتصادی کشور می شود مانند نرخ های دوگانه که زمینه فساد و رانت خواری را ایجاد می کند می تواند منجر به اجرای دو اصل «نهی از اخلال در نظام» و «اتراف» شود . زیرا به طور معمول پول های بادآورده زمینه رفتارهای ضداخلاقی را فراهم می سازد . درخصوص سه اصل «عدم اتلاف» ، «لاضرر» و «قاعده سلطنت» نیز در صورتی که فضای کسب و کار مناسب بوده و حقوق مالکیت رعایت شود، این سه اصل تا حدود زیادی رعایت می شوند . در کنار این سیاست های اقتصادی، آموزش صحیح و کارآمد نیز می تواند زمینه مساعدتری را برای رعایت احکام فوق ایجاد کند.

۲-۸- شاخص های نشان دهنده برقراری اقتصاد مقاوم

در صورتی که اقتصادی دارای شاخص های زیر باشد، می توان آن را اقتصادی مقاوم دانست که کمترین تأثیر را از شوک های وارده به اقتصاد پذیرفته و توانایی بازسازی سریع پس از ورود شوک را دارد. اقتصاد مقاوم ماهیتی چندگانه دارد که باعث می شود نتوان آن را با یک شاخص نشان داد. به هر حال می توان شاخص های زیر را به عنوان نشانه ای از مقاوم تر شدن اقتصاد در نظر گرفت.

۲-۸-۱- نرخ پایین بیکاری

بیکاری دارای هزینه های بسیاری است. افزایش اعتیاد، بیمار یهای روانی، خشونت و تبهکاری، برهم خوردن تعادل روحی افراد، افزایش نرخ طلاق، از دست دادن حیثیت و ... را می توان نام برد. هیچ راه گریزی از آسیب های روانی بیکاری به طور کامل در دسترس نیست. وضع بیمه بیکاری اگرچه هزینه های فردی بیکاری را تا حدی کاهش می دهد، اما هزینه های اجتماعی از دست رفتن بخشی از نیروی کار باقی می ماند. به بیان دیگر این امر موجب کاهش تولید بالفعل نسبت به تولید بالقوه می شود. حتی افراد شاغل از بیکاری دیگران اثر می پذیرند. آنها مجبورند از افراد بیکار خانواده نگهداری کنند و این امر بار تکفل را بالا می برد که به نوبه خود باعث کاهش پس انداز و آهسته شدن نرخ تشکیل سرمایه می شود. وجود افراد بیکار باعث می شود تا شاغلان امنیت شغلی نداشته باشند و قدرت چانه زنی آنها از بین می رود. در سطح بین الملل کشوری که بیکاران بسیار دارد به لحاظ تولید نمی تواند با سایر کشورها رقابت کند و بیگانگان با زحمت کمتری می توانند بیکاران را به سمت اهدافشان هدایت کنند.

با این حال ترس از بیکاری نباید جامعه را به سوی سوق دهد که ایجاد شغل با هر کیفیت و با هر قیمت را به مثابه یک راهبرد انتخاب و براساس آن عمل کند. ایجاد اشتغال باید با توجه به واقعیت های اقتصاد جهانی و شناسایی تحولات آتی آن، شناخت از آینده و با فرض ایجاد مزیت های تازه در اقتصاد ایران صورت گیرد. سرمایه گذاری در فعالیت هایی که تنها با استفاده از یارانه های دولتی و انحصارهای موجود و تنگ شدن دایره واردات صورت پذیرد، می تواند یک داروی آرام بخش با تأثیرات کوتاه مدت باشد (سید شکر، 1380).

۲-۸-۲- بالا بودن بهره وری نیروی کار

بهره وری متوسط نیروی کار از تقسیم تولید کشور به جمعیت شاغل به دست می آید. پایین بودن چنین شاخصی برای یک کشور به نسبت سایر کشورها، نشانگر اتلاف منابع می باشد. طبیعی است که در چنین حالتی کشور نمی تواند به نحو شایسته ای از منافع خود در برابر دیگران دفاع کند.

۲-۸-۳- دوقطبی نبودن جامعه

اختلاف درآمدی تا آنجا که نشانگر تفاوت های نسبی افراد است منطقی بوده و می تواند عامل مثبتی برای کار و کوشش بیشتر باشد. هنگامی که نابرابری درآمد به حدی می رسد که جامعه به دو گروه ثروتمند و فقیر تقسیم می شود، باعث به وجود آمدن خطرات جدی برای جامعه خواهد شد. گسترش فقر مانع از مشارکت گسترده همگان در برنامه های عمومی خواهد شد و توده های ناامید و فقیر هیچ مقاومتی در برابر انواع تهاجمات بیگانه از خود نشان نخواهند داد.

۲-۸-۴- سرمایه اجتماعی بالا

سرمایه اجتماعی متغیری کلیدی است که باعث ایجاد همکاری و اتحاد بین مردم می شود. وجود چنین سرمایه ای فواید متعددی برای جامعه دارد که یکی از آنها فراهم ساختن مقاومت بهتر کشور در برابر تهدیدات بیگانه است. هرچند که مشاهده سرمایه اجتماعی در جامعه بسیار آسان است، اما اندازه‌گیری دقیق آن دشوار می باشد. چنانچه تعداد سازما نه‌های غیرانتفاعی یا افراد شرکت کننده در این سازما نها را به عنوان معیاری از سرمایه اجتماعی در نظر بگیریم، راهکارهای دولت برای افزایش سرمایه اجتماعی تا اندازه‌ای مشخص می شود.

یکی از ابزارهای مهم دولت ها در این زمینه نظام آموزشی کشور است. علاوه بر آن دولت ها با تولید کالاهای عمومی می توانند بر سرمایه اجتماعی اثرگذار باشند. دفاع از حقوق مالکیت و امنیت اجتماعی از مهمترین وظایف دولت هاست. هنگامی که مردم نگران امنیت شخصی خود هستند، نمی توانند همانند دیگران در فعالیت های خیریه شرکت کنند. دولت ها با کاهش حجم فعالیت هایشان می توانند انگیزه مشارکت مردم را افزایش دهند. در غیر این صورت با وجود دولت بزرگ، مردم به این نهاد وابسته شده و شرایط برای مشارکت مردم کاهش می یابد.

۲-۸-۵- تنوع درآمدهای صادراتی کشور

ویژگی مشترک اغلب کشورهای درحال توسعه وابستگی شدید آنها به تولید و صادرات یک یا چند محصول اولیه یا کشاورزی است که منجر به آسیب پذیری شدید آنها در برابر تغییرات قیمتی آن کالاها خواهد شد. راه نجات این کشورها گسترش پایه تولید صادراتی به تعداد زیادی از کشورهای جهان می باشد. در کشور ما این امر به معنای گسترش صادرات غیرنفتی است.

۲-۸-۶- نرخ رشد اقتصادی بالا

اقتصادهایی که ویژگی های ذکر شده را کسب کنند معمولاً با یک نرخ رشد بالا همراه هستند که نشانگر مقاوم بودن آنها نیز هست. این نرخ رشد سبب بالا رفتن سطح درآمدها و رفاه آحاد افراد جامعه می گردد و البته در نهایت می تواند شکاف درآمدی بین افراد جامعه را کاهش دهد. شاید این سؤال مطرح شود که با توجه به موارد فوق چه تفاوتی بین یک اقتصاد مقاومتی با یک اقتصاد توسعه یافته وجود دارد. زیرا موارد گفته شده را به نحوی می توان در اقتصاد توسعه یافته نیز مشاهده کرد. در ادامه این موضوع بررسی می شود:

۲-۹- تفاوت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد توسعه یافته

ویژگی های ذکر شده در بالا مشخصات یک اقتصاد سالم یا توسعه یافته را مجسم می سازند، در اینجا این سؤال مطرح می شود که اقتصاد مقاومتی از چه ویژگی خاصی برخوردار است؟ پاسخ این سؤال در ارتباط با مفهوم و تعریف توسعه است. به عنوان مثال، کشور کره جنوبی از شاخص های اقتصادی مناسبی برخوردار بوده، اما ارتش آمریکا با ادعای دفاع، در این کشور حضور پررنگی دارد. شاید عده‌ای کشور کره جنوبی را یک اقتصاد مقاوم بدانند، اما چنین تعریفی مطابق با اهداف جمهوری اسلامی نیست. در طرف دیگر کشور کره شمالی قرار دارد که هیچ نرمشی در برابر آمریکا از خود نشان نداده است، اما از وضعیت اقتصادی وخیمی رنج می برد. بنابراین می توان اقتصاد مقاومتی را اقتصادی دانست که ضمن

حفظ ویژگی های یک اقتصاد کارآمد، از استقلال خود پاسداری می کند و بهای آن را هم با رضایت و افتخار می پردازد.

یک اقتصاد با ویژگی اقتصاد مقاومتی باید تلاش کند تا نقش تأثیرگذاری در اقتصاد جهانی ایفا کند به طوری که اعمال هرگونه تحریمی علیه کشور مذکور، امنیت اقتصاد جهانی را با مخاطره مواجه سازد. در الگوهای کلاسیکی و نئوکلاسیکی، اقتصاد توسعه یافته می تواند دارای تعامل پویا با اقتصاد جهانی باشد و مبادلات تجاری را براساس مزیت رقابتی با جامعه جهانی شکل دهد. اما وقتی شرایط تعامل با اقتصاد جهانی محدود شده باشد چه باید کرد؟ در اقتصاد مقاومتی نگاهی واقع گرا (و نه خوش بینی افراطی الگوهای نئوکلاسیکی) به جهان خارج وجود دارد و فرض نمی کند که کشور می تواند کلیه نیازهای خود مانند فناوری های پیشرفته را از سایر کشورها تهیه کند. ازسوی دیگر کشور با بیان صحیح مواضع حق طلبانه اش در سطح بین المللی خود را از امکان ارتباطات سالم با جهان خارج محروم نمی سازد و احتیاجی به در پیش گرفتن سیاست پرهزینه خوداتکایی در همه زمینه ها ندارد. بنابراین شاخص های ارتباط با جهان خارج (مانند میزان سرمایه گذاری خارجی به کل سرمایه های کشور) نسبت به سایر کشورهای در حال پیشرفت، اندازه کمتری دارد. در این راستا کشور به شکل کارآمد به متنوع سازی کلیه سرمایه های خود (اعم از انسانی، فیزیکی و اجتماعی) دست می زند تا آثار منفی حرکات خصمانه دشمنان را به حداقل برساند. اقتصاد مقاوم در بلندمدت اقتصادی است که در آن کشور وابستگی کمتری به یک کالای صادراتی خاص مانند نفت خام دارد. هرچند که متنوع سازی یا رهایی از اقتصاد تک محصولی ویژگی مشترک هر کشور توسعه یافته ای است، اما در اقتصاد مقاومتی این عمل با دقت بیشتر و در حوزه های بزرگ تر (با نگاه به صنایع راهبردی) رخ می دهد. به همین ترتیب اجرای سیاست های ارتقادهنده کارآیی، مانند خصوصی سازی با دقت بیشتری در اقتصاد مقاومتی اجرا خواهد شد تا دشمنان نتوانند از بیکاری حاصله به نفع خود بهره برداری کنند.

اهمیت فوق العاده پس انداز در اقتصاد مقاومتی ایجاب می کند تا دولت سیاست های فعال تری را در این زمینه ایفا کند. در حوزه بازارهای مالی، توجه به ابزارهای کارآمد مالی از اهمیت ویژه ای برخوردار است با این حال با توجه به آنکه بازار سهام تا حد بیشتری از تحولات بی نالمللی آسیب می پذیرد، نقش بانک پررنگ تر خواهد بود، هرچند که بازار سهام نیز به فعالیت خود ادامه می دهد.

۲-۱۰- راهبردهای بلندمدت و کوتاه مدت در کنار سیاست های کلان و خرد

سیاست های اقتصاد مقاومتی به دو بخش بلندمدت و کوتاه مدت قابل تقسیم است.

اقتصاد مقاومتی بلندمدت اقتصادی را ترسیم می کند که هم تعامل پویا با دنیای خارج دارد و هم توانایی مقاومت در برابر تهدیدهای خارجی را نیز داراست. چنین اقتصادی باید قابلیت انعطاف پذیری بالایی نسبت به شوک های وارده داشته باشد. برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی در بلندمدت باید برنامه ریزی های بلندمدت صورت گرفته و سیاست های اقتصادی به گونه ای اتخاذ شود تا اهداف تعیین شده، محقق شوند. در این حالت به نظر می رسد سیاست های کلان برای آنها ضروری است. اما اقتصاد مقاومتی در کوتاه مدت، در حقیقت برای گذر از شرایط بحران طراحی می شود. در چنین شرایطی، ضمن توجه به چارچوب های اولیه علم اقتصاد و عدم تخطی از آنها، ممکن است تصمیماتی اتخاذ شود که تنها برای

گذر از شرایط بحران بوده و در بلندمدت تطابق چندانی با مؤلفه های علم اقتصاد ندارند. در این میان می توان به دخالت دولت در برخی از بخش های اقتصاد نام برد. هرچند که این سیاست ها می توانند در طول سیاست های کلان و بلندمدت قرار گیرند، اما به نظر می رسد برای شرایط بحران، سیاست های کوتاه مدت ضروری است و با عبور از بحران، این سیاست ها می تواند در مسیر بلندمدت اقتصاد مقاومتی قرار گیرد.

۲-۱۰-۱- اقتصاد مقاومتی بلندمدت و راهبردهای کلان اقتصاد مقاومتی

برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی بلندمدت طبیعتاً راهبردهایی باید در پیش گرفته شود که اثرگذاری آنها وسیع و همه جانبه باشند که در این صورت راهبردهای کلان را می طلبد. هدف گذاری اقتصاد در این راستا می تواند در قالب تبیین آنها در برنامه های پنج ساله و سیاست گذاری بودجه ای از طریق بودجه های سالیانه و جهت گیری قوانین و مقررات باشد. برخی از این راهبردها که جنبه کلان دارند به شرح زیر معرفی می گردد:

۲-۱۰-۱-۱- خودکفایی و متنوع سازی اقتصاد

یکی از ویژگی های مشترک کشورهای درحال توسعه وابستگی به صدور یک یا چند کالای خاص (محصولات کشاورزی یا مواد معدنی) می باشد. هرچند که آدم اسمیت و سایر اقتصاددانان معتقد به بازار آزاد، تقسیم کار و تخصص گرایی را راهکار اصلی پیشرفت می دانند، اما تجربه نشان داده است کشورها با وابستگی شدید به صادرات یک یا چند محصول معدنی یا کشاورزی در چرخه باطل عقب ماندگی گرفتار آمده اند. پدیده ای که می توان آن را تخصص گرایی افراطی دانست. این مطلب در مورد کشورهای صادرکننده منابع معدنی و به خصوص نفت خام از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا نوسانات شدید قیمتی محصولات معدنی به خصوص نفت، درآمدهای ارزی این کشورها را به شدت دچار نوسان می کند. در چنین شرایطی در مواقع کاهش درآمدهای ارزی جامعه برای حفظ سطح مصرف ناگزیر به دریافت وام و کمک های خارجی است که باعث وابستگی شدید شده و در اقتصاد ایجاد اختلال می کند. در صورت ناکامی کشور در اخذ کمک های خارجی نیز برنامه های عمرانی کشور مختل شده و سرمایه گذاران از ادامه فعالیت منصرف می شوند. ازسوی دیگر نوسانات اقتصادی مانع رشد باثبات خواهد شد، زیرا تجربه نشان داده که افزایش درآمدهای صادراتی در زمان رونق، کاهش درآمدها در زمان رکود را جبران نمی کند (شدياک و ديگران) 2008.

به نظر شدياک و ديگران (2008) حتی هنگامی که قیمت کالای صادراتی غالب (مانند نفت در ایران) بالا می باشد باز هم علائم موقتی بودن رونق نمایان می شود. بخش صادراتی کالای غالب، نیروی انسانی کمی را جذب می کند، بنابراین قسمت عمده نیروی کار در سایر بخش ها با بازدهی پایین مشغول هستند. رشد این بخش ها تنها نشانگر سرریزی درآمدها در بخش صادراتی یا وابستگی شدید بخش های اقتصادی به بخش صادراتی کالای غالب می باشد و هنگامی که رونق موقتی این بخش به پایان رسید، کلیه بخش های اقتصادی دچار رکود می شوند. با تقویت بیش از حد پول ملی صادرات سایر کالاها کاهش می یابد و قیمت زمین و مسکن به شدت افزایش می یابد. به نظر بعضی از اقتصاددانان در بلندمدت قیمت مواد اولیه نسبت به کالاهای صنعتی کاهش می یابد و به معنای آن است که کشورهای

در حال توسعه با چین الگوی صادراتی، همیشه در موضع ضعف نسبت به کشورهای توسعه یافته قرار خواهند داشت. متنوع سازی اقتصاد، شیوه ای کارآ برای نجات کشور از اقتصاد تک محصولی می باشد. با این حال علیرغم توافق همگانی درباره این پدیده، نگاه یکسانی در مورد به کار بستن عملی آن وجود ندارد

۲-۱-۱۰-۲- راهبرد جایگزینی واردات

یکی از سیاست هایی که به منظور متنوع سازی اقتصاد در گذشته مورد توجه کشورهای در حال توسعه قرار گرفت، راهبرد جایگزینی واردات است. این سیاست هرچند در ابتدا رشد اقتصادی بالایی را به همراه دارد، اما تجربه کشورها نشان داده که در شرایطی می تواند آسیب جدی به بخش های مختلف اقتصادی وارد سازد. این راهکار برای دولت مردان کشورهای در حال توسعه هم جذاب است، زیرا ظاهراً باعث افزایش محبوبیت دولت و کنترل و اقتدار آن بر اقتصاد و بازرگانی کشور می شود. از سوی دیگر چون محدودسازی واردات از طریق وضع حقوق گمرکی صورت می پذیرد دولت ها به یک منبع درآمدی جدید دست می یافتند و به سادگی می توانستند اشتغال به وجود آمده در یک بخش حمایت شده را به رخ مردم بکشند.

به هر حال نتایج به دست آمده برای مدافعین این راهکار خوشحال کننده نبوده است. زیرا مطابق اصول اولیه اقتصاد بین الملل، تحریم تجارت، رفاه کشور را پایین می آورد. از سوی دیگر چنانچه مواد اولیه و واسطه ای صنایع تازه تأسیس از کشورهای غربی وارد شوند قطع وابستگی به این کشورها در عمل رخ نداده است، به عبارت دیگر تنها نوع واردات از کالاهای نهایی به واسطه ای تغییر کرده است.

برای مثال صنایع داخلی که بدون رقیب هستند، چنان سود زیادی به دست می آورند که هیچ نیازی برای کاهش هزینه تولید و کسب رضایت مصرف کننده ندارند. بنگاه های فوق که از سمت رقابت بازار جهانی، تحت فشار قرار ندارند، به جای بهبود در فرآیند تولید و فروش سعی می کنند با استفاده از نفوذ خود در دولت و حکومت در مواقع لازم از حمایت بالاتری برخوردار شوند که راه را برای گسترش فساد هموار می کند.

در مقابل بحث فوق باید توجه داشت که تحریم از درون اقتصاد درخواست نشده، بلکه از بیرون اقتصاد تحمیل می شود، راهبرد جایگزینی واردات گریزناپذیر است. هرچند که این راهبرد مشکلاتی را نیز در پی دارد. این راهبرد را می توان در مدتی مشخص و محدود پیاده کرد. بنابراین می توان عنوان کرد که راهبرد جایگزینی واردات هرچند یک راهبرد بلندمدت به منظور دستیابی به رشد اقتصادی بوده است، اما این راهبرد با توجه به تجربه جهانی آن، می تواند هم برای کوتاه مدت و گذر از شرایط بحران مورد استفاده قرار گیرد و هم برای تقویت بخش های اقتصادی مستعد تر به کار گرفته شود.

۲-۱-۱۰-۳- خودکفایی در بخش کشاورزی

یکی دیگر از سیاست هایی که ممکن است در ارتباط با متنوع سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی مطرح شود، خودکفایی در بخش کشاورزی است. باید توجه داشت که کارآیی در این بخش به مراتب با اهمیت تر از خودکفایی است. وجود یک دسته از کالاهای صادراتی غالب در کشورها، معمولاً باعث تضعیف سایر بخش های اقتصادی می شود که در این خصوص نیز آسیب پذیرترین بخش، بخش کشاورزی است. در

ایران نیز افزایش قیمت نفت در اوایل دهه 1350 باعث آسیب جدی به بخش کشاورزی شد و از آن تاریخ تاکنون خودکفایی در بخش کشاورزی را مشکل کرده است. هر چند که خودکفایی در این بخش در صدر برنامه های وزرای کشاورزی از آن زمان تاکنون قرار گرفته است.

جامعه ایرانی همواره نیاز به واردات گندم، برنج، گوشت و روغن از خارج را یک ضعف عمده تصور می کرد تا آنجا که لزوم خودکفایی در محصولات کشاورزی و به خصوص کالاهای استراتژیک نه تنها عمده ترین برنامه کاری اعلام شده توسط تمامی وزرای کشاورزی دولت های پس از انقلاب بود، بلکه تدوین کنندگان قانون اساسی نیز از همان ابتدا آن را جزء مهمترین اهداف تشکیل حکومت اسلامی عنوان کردند. در واقع نگرانی از احتمال ورود فشارهای سیاسی و خدشه دار شدن استقلال کشور از طریق نیازمندی به واردات کالاهای اساسی دولت مردان را واداشته که از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب توجه ویژه ای به خودکفایی نه تنها در کالاهای استراتژیک که در تمامی کالاهای مورد نیاز داخل داشته باشند. با این حال هزینه های سنگین اجرای این استراتژی، خود را در عمل نشان دادند. در این راستا وزارت کشاورزی طرحی را آماده کرد که در آن جداول خاصی برای تعیین زمان قطعی خودکفایی محصولات کشاورزی وجود داشت. البته این طرح هرگز عملی نشد، احتمالاً به علت اعلام رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه که اظهار داشته بود اجرای چنین طرحی به سرمایه ای حدود 6 برابر تمامی بودجه کشور از ابتدای انقلاب تا آن زمان نیاز داشته و به هیچ وجه قابل اجرا نیست.

با این حال خودکفایی در محصولات استراتژیک کشاورزی همچنان مورد توجه بود، به نحوی که این امر در اولین برنامه توسعه کشور به تصویب مجلس رسید. در واقع از همان ابتدای پیروزی انقلاب یکی از نکاتی که مسئولین مخصوصاً در وزارت کشاورزی مطرح می کردند، لزوم محوریت بخش کشاورزی در توسعه بود. با این حال این هدف نه تنها در برنامه اول که در برنامه دوم نیز که رسماً اعلام شده بود محوریت آن با کشاورزی است، تحقق نیافت (زرگر، 1380).

در سال 1384 اعلام شد که ایران در تولید گندم خودکفا شده است، خودکفایی کشور در تولید گندم با انتقادات فراوانی همراه بوده است (صرف نظر از آنکه گفته می شود واردات گندم با اسامی دیگری مانند تأمین خوراک دام و طیور همچنان ادامه داشت). بعضی از این انتقادات عبارت است از:

- عدم توجه به مسائل اقتصادی: به عبارت دیگر خرید گندم از خارج ارزانتر از تولید آن در کشور است. به عنوان مثال در چهار ماهه اول سال 1390 با قیمت های محاسباتی آن زمان قیمت وارداتی گندم 300 تومان بود و دولت قیمت تضمینی خرید را ۳۶۰ تومان اعلام کرد، درحالی که به نظر کارشناسان حداقل قیمت گندم براساس نرخ تورم باید 381 تومان باشد.
- قربانی شدن تولیدات دیگر کشاورزی (جو، دانه های روغنی، علوفه، قند) به خاطر افزایش تولید گندم که در این حالت کشور مجبور به واردات این کالاها خواهد شد.
- نکته جالب در مسئله تولید بالاتر گندم، نبود محل کافی برای نگهداری گندم های تولیدی است که منجر به ضایعات بالای تولید (30 درصد) می شود.

برخی اعتقاد دارند خودکفایی در محصولات کشاورزی با توجه به محدودیت های کشور ایده درستی نیست، بلکه شاخص مهم برای یک کشور تعادل تراز تجاری بخش بازرگانی است. مفاهیم خودکفایی و

استقلال نسبت به گذشته دارای تغییراتی شده است. به این ترتیب که استقلال به معنای عدم واردات کالا یا نیازمند نبودن به واردات یک کالا نیست، بلکه اگر یک کشور بازارهای خرید متنوع بین المللی داشته باشد، قدرت چانه زنی بیشتری در مقابل تولیدکنندگان داشته و ریسک آسیب وارد شدن به استقلال کشور کاهش می یابد.

همچنین با مجهز شدن کشور به زیرساخت های ذخیره سازی و مصرف کارآمد کالاهای مهم می توان بر بسیاری از مشکلات با هزینه کمتری غلبه کرد. در این راستا نظام برنامه ریزی کشور باید از ظرفیت سازی به افزایش کارآیی حرکت کند. جمع بندی از موضوعات مطرح شده درخصوص دو سیاست جایگزینی واردات و خودکفایی در تولید کالاهای استراتژیک و به خصوص کشاورزی نشان می دهد که هر چند لزوم توجه به مزایای تجارت و همچنین کارآیی در بخش های مختلف اقتصادی نقش مؤثرتری در متنوع سازی اقتصاد کشورها و همچنین ایران نشان داده است، اما این موضوع در شرایط خاصی می تواند به یک تهدید در اقتصاد نیز تبدیل شود. زمانی که ذخیره سازی ها به درستی انجام نگیرد بازار دچار بحران می شود و اگر این بحران در مورد محصولات باشد که خود نهاده بخش های دیگر محسوب شوند چالش شدیدتر خواهد شد. همچنین اگر شرایط اقتصاد بین الملل به گونه ای تغییر یابد که تأمین این نیازها به آسانی میسر نگردد وضعیت جایگزینی واردات توجیه پذیر می گردد. همچنین نباید از وظیفه دستگاه های ذیربط در بالاتر بردن بهره وری و بازده غافل شد. اگر این سیاست، با اصلاح بذر و اصلاح شیوه های زراعی همراه باشد دلیلی بر ظهور برخی پیامدهای منفی نخواهیم داشت و سیاست جایگزینی واردات، به خصوص در بخش کشاورزی می تواند زمینه صادرات این محصولات و متنوع سازی صادرات را نیز فراهم کند.

متنوع سازی صادرات می تواند یکی از مشکلات مهم کشور یعنی استفاده نادرست و ناکافی از تجهیزات سرمایه ای، را حل کند. استفاده ناقص از ظرفیت های موجود در اقتصاد به نوسان در تقاضا و عرضه ناکافی مواد اولیه نیز مربوط می شود و این مشکلات خود را به طور جدی در صنایع صادراتی نشان می دهند.

امروزه کشوری قدرت مانور بیشتری دارد که بتواند از طریق انجام معاملات تجاری، ارز بیشتری کسب کند، خطوط تولیدی انعطاف پذیر داشته و در شرایط محدودیت های تجاری، نیاز ارزی کمتری داشته باشد. پس همه توان اقتصاد و پیکره آن می باید در این راستا هماهنگ گردد و حلقه های مختلف تولید با یکدیگر پیوند داشته باشند.

۲-۱۰-۲- مؤلفه های بلندمدت برقراری اقتصاد مقاومتی

همانطور که اشاره شد اقتصاد مقاومتی در بلندمدت نیاز به برنامه ریزی بلندمدت و تلاش در جهت دستیابی به شاخص های تعیین شده دارد. از این رو ابتدا باید مؤلفه های بلندمدت برقراری اقتصاد مقاومتی عنوان شده و سپس مؤلفه های کوتاه مدت و خرد برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی تبیین شود. برای بلند مدت می توان موارد زیر را ذکر کرد:

• استفاده از کلیه ظرفیت های اقتصادی بخش خصوصی و دولت برای مبارزه با شوک های وارده که به معنای بالا بردن توان انعطاف پذیری اقتصاد در بهره گیری از منابع می باشد،

• اجتناب از مصرف بی رویه و تمرکز بر پس انداز بیشتر (کاهش هزینه ها) به خصوص در بخش های دولتی و شبه دولتی،

• متنوع سازی منابع درآمدی اقتصاد (افزایش درآمد از راه های دیگر)،

• پیشگیری از وارد شدن شوک به اقتصاد به دو صورت:

• استفاده از سرمایه اجتماعی کشور برای جلوگیری از پیوستن سایر کشورها به جمع تحریم کنندگان با استفاده از نقاط ضعف کشورهای تحریم کننده. با توجه به آنکه تحریم ایران و به خصوص تحریم نفت ایران، بسیاری از کشورهای واردکننده نفت را متضرر می سازد. شناخت دقیق دشمنان بالقوه و بالفعل کشور اهمیت بسیار زیادی در اقتصاد مقاومتی دارد.

• جایگزینی سرمایه انسانی با فیزیکی تحریم ها در بدترین حالت ورود سرمایه خارجی و تکنولوژی را مختل می سازند. در چنین شرایطی کشور می تواند با برنامه ریزی صحیح، سرمایه های فیزیکی، انسانی و اجتماعی داخلی را جانشین سرمایه از دست رفته سازد.

• گسترش نظام ارتباطی کشور (اعم از زیرساخت های حمل و نقل، خطوط تلفن و اینترنت و ...) به منظور کاهش هزینه تجارت برای بخش خصوصی.

• پرهیز از وابستگی تجارت به چند کشور معدود در حوزه تجارت و متنوع سازی در شرکای تجاری کشور.

راهکارهای ذکر شده می تواند به عنوان راهکارهای کلی برای اقتصاد مقاومتی در بلند مدت مد نظر قرار گیرد. با این حال لازم است تا در خصوص شرایط اقتصاد مقاومتی در کوتاه مدت مطالعه همه جانبه ای صورت گیرد که محورهای این مطالعه از اهمیت بسیاری برخوردار هستند.

۲-۱۰-۳- مؤلفه های کوتاه مدت برقراری اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی در کوتاه مدت به تبیین اقتصاد در زمان تحریم و فشارهای بین المللی می پردازد تا در یک دوره کوتاه مدت سه تا پنج ساله بتواند بحران ها را با موفقیت پشت سر گذارد. در این خصوص برخی مؤلفه های اولیه برای مقابله با شوک های وارده به اقتصاد در اثر تحریم و سایر موارد را می توان به صورت زیر دسته بندی کرد:

۲-۱۰-۳-۱- استفاده از پتانسیل همبستگی مردم به منظور تحقق شعارهای «همت مضاعف و

کار مضاعف» و «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل»

• ایجاد رابطه بین امنیت شغلی، همت مضاعف و اقتصاد مقاومتی

• همگانی شدن بیمه تأمین اجتماعی و ایجاد همبستگی بین کارگر و کارفرما.

۲-۱۰-۳-۲- کنترل مصرف و تلاش در راستای تغییر الگوی مصرف

• لزوم کاهش مصرف در بخش دولتی به عنوان اولویت اول،

• رابطه بین هدفمند کردن یارانه ها و الگوی مصرف،

• رابطه بین انضباط پولی دولت و هدفمندی یارانه ها،

• تقویت بازارهای مالی، ایجاد مشوق های مالی در بورس، اوراق مشارکت و بانک ها به منظور سوق دادن سرمایه ها به سمت بازارهای مالی به جای مصرف بیشتر و تقویت بیمه بورس.

۲-۱۰-۳-۳- استفاده از تولید داخلی

- رصد رفع مشکلات تولیدکنندگان در بخش های صنعت، کشاورزی و خدمات،
- سوق دادن سرمایه ها به سمت تولید به جای طرح های هزینه زا،
- تأمین مالی طرح ها با منابع موجود و عدم گسترش بی رویه طرح های در دست اجرا،
- ارزیابی تعداد طرح های مصوب، هزینه آنها و اولویت بندی اجرای طرح ها برحسب ضرورت اجرا و هزینه مورد نیاز،
- انتخاب طرح های مصوب با توجه به بازه زمانی کوتاه مدت و لزوم زودبازده بودن آنها،
- بررسی نسبت ارزش طرح ها به تولید و مقایسه با بودجه سالیانه،
- لزوم توجه به مشکلات بخش تولید در هدفمندی یارانه ها (در انتخاب طرح ها)،
- لزوم توجه به کارآفرینی و طرح های اشتغال زا،
- اولویت توجه به فناوری های نوین و شرکت های دانش بنیان

۲-۱۰-۳-۴- مردمی کردن اقتصاد در راستای سیاست های اصل چهل و چهارم قانون اساسی

- توجه به بخش خصوصی به ویژه در انجام مبادلات به منظور دور زدن تحریم ها،
- نقش بخش خصوصی در نقل و انتقالات سرمایه بسیار با اهمیت است،
- توجه به رابطه بین اشتغال، امنیت شغلی و مردمی کردن اقتصاد
- برنامه ریزی برای استفاده از ظرفیت های تولیدی داخل با تأکید بر میزان توانایی بالقوه هر بخش و اولویت دادن به بخش های مستعدتر.

۲-۱۰-۳-۵- تأمین نیازهای اساسی ازسوی دولت

- استفاده از سیاست های کنترل بازار در شرایط بحران،
- رصد موجودی بازار و ذخیره سازی نیازهای اساسی،
- بررسی چگونگی اجرای سیاست های توزیعی کالا برای کوتاه مدت،
- تمهیدات اجرایی برای تولید، واردات و توزیع آنها در جهت تأمین نیازهای تولیدی سایر بخش ها و نیازهای مصرفی نهایی.

همانطور که اشاره شد یک جنبه از اقتصاد مقاومتی به منظور مقابله با بحران های کوتاه مدت و گذر از شرایط بحران است. در حقیقت اقتصاد مقاومتی در کوتاه مدت و بلندمدت مسیری در طول یکدیگر هستند که هر چند باید به راهبردهای اقتصاد مقاومتی در بلندمدت توجه داشت، اما لازم است تا با توجه به شرایط خاص کشور در موقعیت فعلی که افزایش تحریم ها را در پی دارد، توجه خاصی به راهبردهای آن در کوتاه مدت به منظور عبور از بحران مبذول شود.

۲-۱۱- ضرورت پرداختن به اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی، بیان جدیدی است از یک اقتصاد پویا، شکوفا و مقاوم در برابر التهابات ناسالم بازار که زمان زیادی از طرح آن در محافل سیاسی اقتصادی کشور توسط مقام معظم رهبری نمی گذرد. مفهومی که در بطن خود جهت گیری کلی در حرکت اقتصادی کشور را مشخص می سازد و لیکن ظاهر آن حکایت از وجود اثرات نامطلوب داخلی و خارجی بر پیکره اقتصادی کشور دارد که ضرورت مقاوم سازی

اقتصاد را برای مصون ماندن از این خطرات نمایان می سازد. نکته حائز اهمیت آن است که ناظر دانستن این مقوله به بخش خاصی از اقتصاد، خطایی راهبردی و جبران ناپذیر بوده و تمام ارکان اقتصادی، از دستگاه های اجرایی و قانون گذاری و قضایی گرفته تا فعالان اقتصادی نظیر بخش خصوصی و اصناف و مصرف کنندگان، همه و همه در این امر دخیل اند.

ذکر ضروریات و ابعاد چندگانه تحقق یک اقتصاد مقاوم- با عنایت به ظرفیت های بالقوه و بالفعل کشور- در آن جهت است تا گامی در راستای شفاف سازی مفهوم اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی کشور برداشته شود و با ترسیمی کوتاه از تکالیف بخش های مختلف اقتصاد، رسالت سنگین آنان برای پیاده سازی و عملیاتی نمودن این مفهوم متذکر گردد. از این رو می توان ضرورت پرداختن به این موضوع را به شکل زیر بیان نمود:

- ۱- نقش بی بدیل اقتصاد مقاوم و پایدار در بهبود جایگاه منطقه ای و نیز پروسه چانه زنی بین المللی.
- ۲- ارتباط نزدیک اقتصاد مقاومتی با ضریب اقتدار و امنیت ملی.
- ۳- تحریم های سنگین و ظالمانه آمریکا و متحدانش علیه سیستم پولی و مالی کشور.
- ۴- ظرفیت بالای اقتصاد مقاومتی در جهت خنثی سازی و یا کاهش آثار تحریمی.
- ۵- اتکای بیشتر به توانمندی های بالقوه و بالفعل داخلی و حرکت در مسیر استقلال اقتصادی.
- ۶- رهایی از اقتصاد تک محصولی و حرکت به سمت تنوع محصولات تولیدی در بخش های گوناگون (مثل صنعت، کشاورزی، فنی مهندسی، خدمات و ...). (جلیلی کامجو، سید پرویز، ۱۳۹۱)

۳- اقتصاد مقاومتی از منظر آموزه های دینی

آموزه های دینی به عنوان جزئی از عناصر فرهنگی، نقش مهمی در رشد و پیشرفت اقتصادی یک جامعه ایفا می کند. با نگاهی به تاریخ اسلام و آموزه های دینی می توان دریافت که اسلام برای مباحث اقتصادی برنامه های عملی و نظری دقیقی دارد. در بعد عملی می توان به صبر و مقاومت پیامبر اکرم (ص) و یارانش در دره شعب ابی طالب اشاره نمود که به مدت سه سال در برابر فشارهای اقتصادی و تحریم کفار و مشرکان استقامت نمودند و از اعتقادات و ایمان آنان کاسته نشد. در بعد نظری نیز دین اسلام دستورات و برنامه های دقیقی برای پشت سر نهادن مشکلات اقتصادی عنوان نموده است که قناعت، جلوگیری از اسراف و انفاق و گذشت از جمله آنهاست. در اقتصاد مقاومتی که بر پایه مبانی و اصول اسلامی بنا می شود، حفظ حاکمیت اسلام در روابط اقتصادی با دیگر کشورها و ملت ها بسیار مهم و حائز اهمیت است. پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرماید: الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه یعنی اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد. در کنار حفظ حاکمیت اسلام، تحکیم ارزش های اخلاقی و معنوی در اقتصاد اسلامی نکته اساسی است که بایستی به آن توجه ویژه ای صورت گیرد. قرآن کریم در آیه ۱۴۱ سوره نساء در این خصوص می فرماید: یا ایها الذین امنوا لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم یعنی «ای کسانی که ایمان آورده اید اموالتان را در میان خودتان به باطل نخورید مگر این که داد و ستدی از روی رضایت شما باشد». توجه به عدالت اجتماعی، خودکفایی اقتصادی، عدم وابستگی اقتصادی با تکیه بر تولیدات داخلی و تقویت و ارتقای سطح تولید داخلی از دیگر مواردی است که بایستی در جهت پویایی

اقتصاد مقاومتی به آن توجه نمود. به طور کلی باید گفت که اگر اقتصاد یک جامعه اسلامی بر اساس مبانی و اصول دینی مورد تایید آحاد جامعه بنا شود و در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای اقتصاد مقاومتی به ارزش‌های اسلامی توجه ویژه صورت گیرد قطعاً مشکلات اقتصادی به حداقل می‌رسد و دشمن فرصت استفاده از ابزارهای خود را در برابر مقاومت و ایستادگی مردم پیدا نخواهد کرد. حمایت از تولید داخلی و عدم وابستگی به بیگانگان ریشه در آموزه‌های دینی ما دارد. اگر شخصی بتواند مسیر زندگی و دین را در راستای فرمایشات ائمه اطهار(ع) و دستورات قرآن کریم قرار دهد به طور حتم میتواند فردی متکی به خود باشد و جامعه را نیز در مسیر حرکت صحیح قرار دهد. موارد جمع‌آوری شده از بیانات معصومین (ع) و آیات قرآن تنها گوشه‌ای از این دستورات نجات‌بخش است. خداوند در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ» این آیه تأکید دارد که هر چه می‌توانید قوت و توان خود را افزایش دهید و زمینه‌های استعداد و مقاومت را در جامعه اسلامی فراهم کنید، این آیه باید سرلوحه اقتصاد مقاومتی باشد، در قرآن و حدیث عبارات زیادی را در مورد جهاد اقتصادی وجود دارد که در آن‌ها مسئله عزت اسلام و مسلمانان موضوع محوری است، عزت از منظر قرآن کریم به معنای شکست‌ناپذیری است و ملت عزیز، ملتی است که مقاومت و پایداری کرده و فشارها را تحمل می‌کند تا به سربلندی دست یابد. اما در احادیث زیادی نیز به مسائل اقتصادی اشاره شده است که یکی از اصلی‌ترین این مسائل قناعت و دوری از زیاده‌خواهی است. امام علی علیه السلام: «الْمَنِيَّةُ وَالْذَنبِيَّةُ، التَّقَلُّبُ وَالْاِتِّسَالُ» مرگ آری، زبونی هرگز، فقر آری، وابستگی هرگز! نهج البلاغه حکمت ۳۹۶ امام علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى كَدِّهِ صَبَرَ عَلَى الْاِفْلَاسِ؛ هرکس بر رنج کسب و کار صبر نکند، باید رنج نداری را تحمل کند.

غزالحکم، ح ۸۹۸۷،

امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند توانمندان را مکلف کرده است تا اداره امور بیماران زمین گیر و گرفتاران، قیام کنند. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۲۶

۳-۱- آسیب شناسی اقتصاد مقاومتی

هر نظام منسجم اقتصادی در طول زمان بر اثر ایجاد برخی مسائل و مشکلات دچار آسیب‌هایی می‌گردد که باعث پایین آمدن پویایی و رشد اقتصادی جامعه می‌شود. آسیب‌های متعددی می‌تواند نظام اقتصادی اسلامی را از حرکت رو به شتاب خود بازدارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱/ انحصار ثروت و ایجاد اشرافی‌گری یکی از آفت‌های اقتصاد اسلامی، شکل‌گیری طبقه ثروتمندانی است که با انحصار ثروت و افزایش قدرت خود بر فرایند تصمیم‌گیری مسئولین جامعه تاثیر می‌گذارند و باعث می‌شوند که ثروت جامعه به جای آنکه در دست آحاد جامعه باشد، در دستان عده‌ای خاص باشد. در فرهنگ دینی و اسلامی برای مقابله با چنین پدیده‌ای، توجه به فضایل دینی و انسانی و نه صرفاً ثروت و دارایی یک راهکار عملی و تاثیرگذار است که اسلام مطرح می‌کند. امام رضا (ع) می‌فرمایند: هر کس مسلمان فقیری را دیدار کند و بر خلاف سلامی که به ثروتمندان می‌کند، به او سلام کند، روز قیامت در حالی به دیدار خدا می‌رود که بر او خشمگین است.

۲/ کسب‌های حرام: روی آوردن به کسب حرام در جامعه یکی از آفت‌های اساسی است که باعث از بین رفتن اقتصاد اسلامی و رایج شدن غش و نادرستی در معاملات و داد و ستد می‌شود.

۳/ رشوه: رشوه که برای سوء استفاده از قانون بروز می‌کند، یکی از پدیده‌های مخربی است که در دین اسلام و در سفارش ائمه و بزرگان دین بسیار مذموم شمرده شده است. رشوه باعث تضعیف قانونمندی در سامان دهی اقتصاد می‌شود و به اقتصاد مقاومتی که برخاسته از ارزش‌های اسلامی و مبانی دینی جامعه است لطمه وارد می‌کند.

۴/ اسراف: وجود اسراف در جامعه یکی از آسیب‌های جدی است که به اقتصاد وارد می‌شود و باعث هدررفت منابع جامعه و وابستگی اقتصادی می‌گردد. در حدیثی از ائمه معصومین (ع) آمده است: ان مع الاسراف قله البرکه یعنی «همانا با اسراف، برکت کم است»

۵/ احتکار: احتکار باعث تضعیف چرخش طبیعی اقتصاد می‌شود و موجبات سلب امنیت روانی جامعه را فراهم می‌نماید.

۶/ سوء تدبیر: سوء تدبیر منجر به هدر رفتن منابع و ظاهر شدن غده‌های سرطانی ثروت در جامعه می‌شود و عدالت اقتصادی تامین نمی‌گردد. سوء تدبیر به معنای مدیریت ناسالم در عرصه اقتصادی است که باعث ایجاد رکود می‌شود و نمی‌تواند اقتصاد مقاوم و پویایی را سامان بخشد. این سوء تدبیر باعث ایجاد فقر در جامعه می‌شود و ضربات جبران ناپذیری را بر پیکره اقتصاد مقاومتی وارد می‌کند. حضرت علی (ع) مدیریت غلط را باعث هلاکت می‌دانند و می‌فرمایند: سوء التدبیر سبب التدمیر یعنی «مدیریت غلط سبب هلاکت است».

۴- اقتصاد مقاومتی و تحریم‌ها

تحریم ابزار تنبیهی است که در سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از تحریم، فشار بر کشور هدف برای تغییر رفتار است. این تغییر رفتار می‌تواند تغییر رفتار سیاسی یا تغییر سیاست‌های اقتصادی باشد. تحریم اقتصادی همواره یکی از ابزارهای فشار و اجبار در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشورها در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته که البته کارنامه ایالات متحده آمریکا در این خصوص تاریک تر از قدرت‌های دیگر بوده است.^۱

^۱ - به گزارش سایت الف و به نقل از یک مقام رسمی ارشد آمریکا، در روزنامه آمریکایی واشنگتن، تلاش آمریکا برای اعمال تحریم‌های یکجانبه علیه ایران برای ایجاد نارضایتی عمومی و دست کشیدن از نظام ایران صورت می‌گیرد. یک مقام دیگر آمریکا به واشنگتن پست گفت که هدف تحریم‌ها تغییر نظام در ایران نیست بلکه اعمال فشار به دولت ایران برای کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای است. اما این سوال مطرح است که با توجه به اینکه برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز بوده و هیچ مدرکی دال بر اینکه ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای است، وجود نداشته چرا غرب به دنبال تحریم‌های شدیدتر علیه ایران است؟ این مقام

اهداف واهی این تحریم ها عبارت بودند از:

• جلوگیری از نقض حقوق بشر

• مبارزه با تروریسم بین المللی

• منع گسترش سلاح های هسته ای

• حمایت از حقوق کارگران

• حفظ محیط زیست

• جلوگیری از گسترش مناقشات و جنگ های داخلی

در حالی که مهم ترین هدف آمریکا از این تحریم ها رسیدن به سیاست ها و حفظ استیلای خود آن هم پس از فروپاشی بلوک شرق بوده است. میزان تاثیرگذاری تحریم بطور شدیدی به پارامترهای تعیین کننده ویژگی های اقتصادی کشور تحریم شده بستگی دارد. پارامترهایی همچون:

• روابط تجاری و اقتصادی

• ساختار اقتصادی

• تولید ناخالص ملی

• درآمد سرانه

• نرخ رشد

• درصد صادرات به تولید ناخالص داخلی

• درصد واردات به تولید ناخالص داخلی

• جریان ورود و خروج سرمایه

• عضویت در سازمان ها و موافقت نامه های منطقه ای

اطلاعاتی آمریکا به واشنگتن پست گفت: ایرانی ها در حال ساخت سلاح هسته ای نیستند اما ما فکر می کنیم که آنها در حال بررسی ساخت سلاح هسته ای هستند. سوال اینجاست که آیا حدس آمریکا برای اعمال فشار بر ضد ایران کافی است؟!

• شدت نیاز به کالاهای استراتژیک مانند نفت و نظایران

اکثر تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران تا سال ۲۰۰۶ به طور یک جانبه از طرف آمریکا انجام شده است. می توان گفت با توجه به پایبندی مسئولان و ملت ایران به اصول و ارزش های انقلاب اسلامی، سیاست های خصمانه آمریکا با کشورمان پایانی نخواهد داشت، اما آنچه اهمیت دارد این است که باید در این برهه حساس نیز با تمام توان و ظرفیت در مقابل این سیاست های خصمانه ایستادگی و مقاومت کرد. در کنار استفاده از کلیه ظرفیت های دیپلماتیک جهت زدودن آثار منفی و کاستن از سختی تحریم ها، باید در داخل کشور نیز اقدامات مقابله ای انجام شود، که با اطمینان می توان گفت نامگذاری سال ۱۳۹۱ به عنوان سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی از سوی مقام معظم رهبری که نشان از درایت و هوشیاری معظم له داشته و همچنین طرح موضوع اقتصاد مقاومتی از سوی ایشان از مهم ترین اقدام در این زمینه محسوب می شود که مسئولین نظام باید به دور از هرگونه درگیری جناحی و حزبی، از همه توان خود برای جامه عمل پوشاندن به آنها استفاده نموده و مردم نیز باید مسئولین را در این امر، بیش از پیش همراهی نمایند، چرا که سربلندی و موفقیت در این مسیر دشوار، نیازمند همدلی و همکاری صمیمانه مسئولین و مردم خواهد بود.

۴-۱- تاریخچه تحریم اقتصادی ایران

سابقه نخستین تحریم های آمریکا علیه ایران به سال ۱۹۸۷ میلادی باز می گردد. پس از اعمال اولین تحریم ها علیه ایران، در دولت های بعدی که در ایالات متحده آمریکا بر سر کار آمدند این تحریم ها علیه ایران ادامه یافت. از سال ۲۰۰۶ میلادی، شورای امنیت سازمان ملل متحد در ارتباط با برنامه هسته ای ایران پنج قطعنامه علیه کشور ایران صادر نمود. از جمله تحریم های سازمان ملل متحد علیه ایران، مسدود کردن دارایی های شرکتها و افرادی است که ادعا شده است در برنامه حساس هسته ای یا تولید موشک های بالستیک فعالیت داشته یا از این برنامه حمایت می کنند.

در ادامه سناریوی تحریم ها اکنون نوبت به بانک ها رسیده که با شرایط جدید مواجه شوند. نخستین بار در دی ماه سال ۱۳۸۵ آمریکا بانک ایرانی سپه را با ذکر اتهام هایی نظیر ارتباط با یک موسسه مرتبط با فناوری موشکی در کره شمالی مورد تحریم های یک جانبه قرار داد. در ادامه تکمیل پروسه تحریم بانک های ایران، مهرماه ۸۷ وزارت خزانه داری آمریکا سه بانک ملی، ملت و صادرات را مشمول چنین تحریم هایی قرار داد. این وزارتخانه بانک صادرات ایران را به خاطر انتقال پول به حزب الله لبنان، جنبش حماس و سازمان جهاد اسلامی فلسطین و بانک ملی را به دلیل ارائه خدمات مالی به شرکت های مرتبط با برنامه موشکی و هسته ای ایران، تحریم کرد و در ادامه تحریم های اخیر نوبت به بانک ملت رسید. بر اساس ادعاهایی نظیر تخصیص میلیون ها دلار به برنامه هسته ای ایران و تسهیل در انتقال پول برای این منظور، ابتدا بانک پرشیا لندن و سپس شعبه مالزی بانک ملت مشمول این تحریم ها شدند. (www.tebyan.com)

(zn.ir)

۴-۲- تجربه جهانی

در مقاوم‌سازی اقتصاد مشابه مقاوم‌سازی ساختمان، باید طوری بنای اقتصاد را چید که اگر یک شوک یا زلزله به ساختمان وارد شد ساختمان بتواند در مقابل آن مقاومت نماید. حال این شوک اعم از شوک اقتصادی، سیاسی، و غیره است.

با مروری بر سیاست‌های اقتصادی کشورهای جهان درمی‌یابیم که ایران تنها کشوری نیست که قصد نموده تا اقتصاد خود را در برابر شوک‌های داخلی و خارجی مقاوم‌سازی نماید. تجربیات نشان می‌دهد که قبل از ایران نیز برخی کشورها (هرچند به طور بخشی) به این سمت و سو حرکت داشته‌اند که به علت تفاوت‌های فرهنگی مذهبی و سیاسی کشورها با یکدیگر، الگوبرداری صددرصد دو کشور از یکدیگر امکان پذیر نبوده است. گرچه به نظر می‌رسد مفهوم اقتصاد مقاومتی که مورد نظر مقام معظم رهبری است، مفهومی به مراتب عام‌تر، عمیق‌تر و معنوی‌تر از آنچه در برخی کشورهای جهان رخ داده است بوده و با فرهنگ اسلامی- ایرانی پیوندی مستحکم داشته باشد، اما به هر حال بررسی تجارب جهانی در رابطه با مقاوم‌سازی بانکی مفید خواهد بود.

بهترین شاهد بر تجربه جهانی مقاوم‌سازی اقتصاد در نظام بانکی، ابلاغ توافقنامه‌های بال ۱ از سوی کمیته نظارت بانکی و بال ۲ در بانک تسویه بین‌المللی (BIS) است. مقررات کمیته بال که به منظور تقویت نظارت بانکی، ترویج همکاری بین‌المللی در این حوزه، و طراحی استانداردها و معیارهای مرتبط تدوین شده است، از جمله مهم‌ترین اقدامات در زمینه مقاوم‌سازی بانک‌ها در مقابل ریسک‌ها و بحران‌های احتمالی به شمار می‌آید.

اولین مورد از توافقنامه‌های کمیته بال، توافقنامه بال ۱ بود که در سال ۱۹۸۸ ارائه شد (کمیته بال، ۱۹۸۸). پس از آن توافقنامه بال ۲، در سال ۲۰۰۴ منتشر شد (کمیته بال، ۲۰۰۴). آخرین مورد این توافقنامه‌ها نیز مربوط به توافقنامه بال ۳ است که پس از وقوع بحران مالی سال ۲۰۰۸ به منظور تقویت بیشتر نظام بانکی از نظر مدیریت نقدینگی، حاکمیت شرکتی، کفایت سرمایه و ... در سال ۲۰۱۰ منتشر شد (کمیته بال ۲۰۱۰).

توافقنامه‌های بال، شاخص‌ها و مدل‌هایی را برای مقابله با ریسک‌های عمده در نظام بانکی (همانند ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک بازار و ریسک عملیاتی) معرفی کرده‌اند. برای مثال در توافقنامه بال ۲، سه رکن حداقل الزامات سرمایه‌ای برای تشکیل و فعالیت یک بانک، فرآیند بررسی نظارتی از بانک‌ها و مقررات انضباطی بازار به منظور استحکام بخشی به چارچوب مدیریت ریسک در بانک‌ها تبیین شده‌اند. رکن دوم به مبانی نظارتی، رهنمودهای مرتبط با مدیریت ریسک، شفافیت در عملیات بانکی و نظارتی و مسئولیت پذیری و پاسخ‌گویی مربوط می‌شود. در عین حال تلاش بر آن است که فرآیندی را برای ارزیابی داخلی سرمایه مورد نیاز برای واحدهای بانکی طراحی کند، طوری که برای هر بانک متناسب با شرایط آن از نظر ریسک‌های گوناگون مقدار معینی از سرمایه تعریف شود. فرض آن است که بانک‌ها با تحقق این الزامات می‌توانند به اهداف مورد نظر یعنی پایداری و ثبات، سلامت مالی و تامین منافع مشتریان برسند. البته نحوه تنظیم مقررات و نظارت بانکی از یک کشور به کشور دیگر فرق می‌کند، زیرا که اندازه و تعداد بانک‌ها، میزان پیچیدگی فعالیت‌های بانکی، میزان آزادسازی مالی شیوه‌های افشای اطلاعات، میزان دسترسی به فناوری اطلاعات و میزان تبحر مسئولان نظارتی در کشورها متفاوت است.

با وقوع بحران مالی سال ۲۰۰۸ برخی کاستی‌ها و نقایص توافقنامه بال ۲ آشکار شد و قانون‌گذاران بانکی به فکر اصلاح و رفع مشکلات این توافقنامه افتادند. بدین ترتیب بود که توافقنامه بال ۳ تدوین شد. بر اساس این توافقنامه بانک‌ها باید سرمایه بیشتری برای مقابله با شرایط بحرانی در نظر بگیرند و دارایی‌های با کیفیت و نقدشوندگی بیشتری نگهداری کنند. به طور کلی در توافقنامه های بال به نقش سرمایه به عنوان سپری در مقابل زیان‌های شدید و اطمینان‌بخشی به سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان بانک‌ها توجه شده است و تقویت چارچوب مدیریت ریسک بانک‌ها برای اجرای بهتر عملیات بانکی و آمادگی برای مقابله شرایط بحرانی مدنظر قرار گرفته است.

۵- اصول کلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی و سیاست های لازم برای اجرایی کردن این اصول

در تدوین پیش نویس سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی، چارچوب نظری اقتصاد مقاومتی محور قرار گرفته است ولی ساماندهی این پیش نویس با عنایت به ایده ی اولیه ی سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی ارسالی از دفتر مقام معظم رهبری، تهیه شده است. بنا به تعریف ارسالی "اقتصاد مقاومتی، گفتمان و الگویی اقتصادی-مدیریتی است که ضمن مقاوم سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات و توان تحریم شکنی، با رویکرد عقب راندن نظام سلطه، پیش رو، فرصت ساز، مولد، درونزا و برون گرا است." با عنایت به این تعریف لازم است چارچوب نگرش به اقتصاد مقاومتی مشخص شود تا بندهای مختلف سیاست هایی که برای آن تعریف می شود، معنادار و سازمان یافته باشد. با این رویکرد، در ادامه محورهای حاکم بر اقتصاد مقاومتی که ضوابط حاکم بر این اقتصاد را نشان می دهد، بیان می شود.

الف: حفظ ماهیت و هویت اقتصاد

اقتصاد مقاومتی، در هر صورت باید یک اقتصاد منطقی، عقلایی و متکی به ضوابط مندرج در قانون اساسی و اسناد بالادستی نظام باشد. با این اوصاف، عملکرد اقتصاد از منظر نوع حکومت نمی تواند چارچوبی مشابه اقتصادهای سوسیالیستی داشته باشد. موضوع ایجاد توان مقاومت بدون از دست رفتن امکان توسعه، نباید عاملی در جهت مخدوش کردن ماهیت و هویت اقتصاد کشور باشد. شکل گیری و تداوم این اقتصاد در هر صورت، در تمام موارد، ماهیتی درازمدت دارد و آثار ناشی از برقراری اقتصاد مقاومتی در زندگی اقتصادی جامعه برای مدتی طولانی باقی می ماند. عمده ترین پیام های این محور عبارتند از:

۱. ساماندهی یک الگوی مفهومی شفاف و اجرایی برای مدیریت اقتصاد کشور بر اساس ضوابط قانون اساسی و اسناد بالادستی.
۲. متکی کردن قوانین برنامه ای کشور بر اساس این برنامه،
۳. تشکیل پایگاه مرکزی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی در دولت با هدف هماهنگ سازی و بسیج همه ی امکانات کشور برای اجرای سریع سیاست های کلی و برنامه های اقتصادی، از جمله سیاست های مذکور، تصمیم سازی و تصمیم گیری و جلب اعتماد، همراهی و همدلی عموم جامعه برای مقابله با تهدیدات و طراحی برنامه های اضطراری برای مقابله با حوادث ناشی از گسترش تحریم در قالب طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی.

تبصره ۱: لازم است نمایندگانی از قوای مقننه، قضاییه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و بخش خصوصی در این پایگاه حضور داشته باشند.

تبصره ۲: فعالیت پایگاه مورد بحث در چارچوب قوانین موجود است و در صورت نیاز به تصویب قوانین جدید یا اصلاح قوانین موجود، این کار در قوای مقننه و مجریه در اولویت مطلق کاری قرار خواهد گرفت.

تبصره ۳: برای تسریع در اجرایی کردن کارآمد این سیاست ها، دولت مکلف است حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ، راهکارهای لازم برای عملیاتی کردن این سیاست ها را تنظیم و پیگیری قانونی را انجام دهد و گزارش آن را برای انجام وظایف نظارتی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال نماید.

ب : توانمندسازی و افزایش کارآیی مدیریت و نظام اداری

در ارتباط با این موضوع، یکی از مشکلات مختل کننده، نابسامانی مدیریتی در تمام سطوح بوده و لازم است توانمندی و کارآیی مدیریت کشور افزایش یابد. اگر کارآیی و کفایت مدیران مد نظر قرار نگیرد، اصلاح اقتصاد کشور با هیچ ترفندی امکان نخواهد داشت. مدیریت توانمند قادر است بسیاری از نقاط ضعف اقتصاد کشور را پوشش بدهد و در ایجاد وضعیتی برآزنده برای اقتصاد کشور اثری مثبت داشته باشد. مدیریت لازم برای اقتصاد مقاومتی، مدیریتی توانمند، کارآمد، هوشمند و متکی به ارزش زمان است که اقدامات خود را برنامه ریزی می کند و در عین حال با هوشیاری جدی به تحلیل سریع وقایع می پردازد تا بر اساس انتظارات و احتمالات، رفتارهای آینده را مشخص نماید. پیام های عمده ی این محور به شرح زیر است:

1. شفاف سازی ماهوی روش های گزینش مدیران کشور در دستگاه های اجرایی،
2. ارزیابی شفاف کارآیی و توانمندی مدیران بخش عمومی کشور و مقایسه ی آن با مدیران مشابه بخش خصوصی و مدیران مشابه دوره های پیش از خود،
3. تغییر در نگرش به برنامه ریزی با اجرایی کردن نظام برنامه ریزی غلطان،
4. اصلاح نظام اداری کشور به ترتیبی که عوامل برانگیزنده ی افزایش کارآیی و توانمندی در آن شفاف شود و فعالان در دستگاه های اداری بتوانند در جریان کاری خود ترفیع برآزنده ی عملکرد و توانایی های خود را دریافت کنند. مدیران مسئول باید به ضرورت اجرای اقتصاد مقاومتی باور داشته باشند.

پ : اصلاح زمینه ی فعالیت فعالان اقتصادی

نظر به این که جلب مشارکت تمام مردم برای مشارکت در اصلاح ساخت اقتصادی و تلاش برای تولید ضرورت دارد، لازم است دولت چنان برنامه ریزی کند که زیرساخت های لازم برای این نوع فعالیت فراهم شود. در این راستا به ویژه اصلاح ساخت وضعیت پولی کشور و ایجاد سلامت و حفظ ارزش پول ملی، ضرورت تام دارد تا ثروت کشور بر پول ملی تکیه کند و احترام به کار و سرمایه ی ایرانی در بهترین شکل خود، متبلور شود. در همین راستا، کاهش وابستگی بودجه ی دولت و اقتصاد کشور به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت از یک سو و کوچک و کارآمد شدن دولت از سوی دیگر، باید با دقت و جدیت دنبال شود. پیام های عمده ی این محور عبارتند از:

1. تدوین سیاست پولی متکی بر کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی، و تعهد مقام پولی به اجرایی کردن این سیاست،

2. کوچک کردن حجم و بودجه ی دولت در اقتصاد ملی،
3. پرهیز از افزایش قیمت کالاها و خدماتی که دولت یا بخش عمومی قادر است در قیمت آنها مداخله کند،
4. فعال سازی بازار سرمایه ی داخلی کشور برای تأمین مالی بنگاه های اقتصادی کارآمد و سرمایه گذاری های خطرپذیر،
5. آینده نگری روند تحولات جهانی و ملحوظ نمودن آن در سیاست های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی و افزایش آمادگی و سرعت بخشیدن به واکنش هوشمند در مقابل روندهای جهانی،
6. بهبود مداوم فضای کسب و کار، توسعه ی فضای رقابتی و حفظ امنیت مالکیت و سرمایه با هدف جلوگیری از فرار سرمایه های کشور (سرمایه ی انسانی و مادی).
7. شفاف سازی ارزش افزوده ی هر یک از فعالان در فرآیندهای اقتصادی با هدف حصول اطمینان از سهم بری عادلانه ی متکی به ارزش افزوده در زنجیره ی تولید تا مصرف،
8. کاهش حداکثری ارتباط اقتصاد کشور با ارز و درآمدهای نفتی،
9. پرهیز از ایجاد درآمدهای بودجه ای متکی به محدود کردن امکانات و فعالیت های بخش خصوصی،
10. بهینه سازی و کارآمدسازی دولت با هدف سرعت بخشیدن به فعالیت های اقتصادی مؤثر بر افزایش مقاومت ملی با هدف کاهش بار مالی فعالیت های دولت به طور جهادی در چارچوب کوچک کردن دولت با استفاده از مکانیزم کاهش بار مالیاتی همراه با افزایش واگذاری فعالیت های اقتصادی به بخش های غیردولتی،
11. جلوگیری از اجحاف دولت و بخش عمومی به آحاد جامعه با توسل به دلایلی مانند تأمین مالی بودجه ای، آزادسازی قیمت ها، منطقی کردن قیمت ها و امثال آن،
12. هماهنگ سازی تمام سیاست های اقتصادی با هدف ایجاد ثبات در سطح کلان اقتصاد ملی.

ت: احترام به محصولات ساخت داخل

تقاضای ملی باید با بیشترین تأکید از محل محصولات ساخت داخل تأمین شود. این بدان معنی است که تولیدکنندگان و مصرف کنندگان ایرانی به این نتیجه برسند که محصولات ایرانی باید در جایگاهی والا قرار بگیرد و جریان تولید تا مصرف این محصولات با عنایت به این احترام شکل بگیرد. در این راه لازم است دولت و حکومت به عنوان سرمشق، تلاش نمایند تا ساخته های داخل را مصرف کنند. محصولات ساخت داخل، با کارآیی رقابتی، باید در اولویت مصرف کنندگان قرار بگیرد. رعایت اصل رقابتی بودن محصولات ساخت داخل الزامات است زیرا استفاده از محصولات داخلی نباید با افت توسعه ی ملی همراه شود.

عمده ترین پیام های این محور به شرح زیر است:

1. ایجاد شبکه ی اطلاع رسانی عمومی برای معرفی محصولات ایرانی،
2. ملزم کردن بخش عمومی به استفاده ی بهینه از محصولات ایرانی و جایگزین کردن حداکثری محصولات ایرانی به جای محصولات خارجی،
3. فرهنگ سازی برای ارزش گذاری بر محصولات ایرانی،

4. ایجاد مکانیزم های جایگزینی برای اقلام مصرفی و واسط های خارجی با شرط پا بین نیامدن کارآیی.

ث: تأکید بر فعالیت های دانش بنیان

نظر به الزام مقابله با عوامل مختل کننده ی توسعه ی کشور در جریان تحریم، لازم است فعالیت های دانش بنیان در گسترده ترین شکل خود توسعه یابد. برای این کار باید تمام امکانات کشور تجهیز شود. گسترش فعالیت های دانش بنیان عامل بهبود کیفیت و کارآیی تولید داخل و بالارفتن سطح نوآوری در کشور می شود. این موارد در نفس خود سبب افزایش توان مقاومت اقتصاد ملی و سرعت بخشیدن به رشد خواهد شد. این بدان معنی است که الزامات گسترش اقتصاد دانش بنیان باید رعایت شود و در اولویت قرار بگیرد. عمده ترین پیام های این محور به شرح زیر است:

1. اصلاح ساختار اقتصاد به سمت اقتصاد دانش بنیان با ویژگی های این اقتصاد،
2. پیگیری فعالیت های تحقیقاتی و تلاش برای اجرایی کردن دستاوردهای حاصل از این تحقیقات. در این راستا لازم است بودجه های تحقیقاتی ارزیابی شود و تحقیقات متکی به نوآوری از روش های مختلف تأمین مالی داشته باشد.

ج: سلامت اقتصادی

برای آن که اقتصاد مقاومتی بتواند به خوبی عمل کند، لازم است سلامت در تمام سطوح به اقتصاد باز گردد و از اسراف های بی رویه در تمام سطوح فعالیت های اقتصادی جلوگیری شود. حیف و میل منابع نمی تواند در چارچوب اقتصاد مقاومتی کارکرد داشته باشد.

اصلی ترین پیام های تحقق این محور عبارتند از:

1. اطلاع رسانی در مورد استانداردهای مصرف محصولات ایرانی در چارچوبی واقع بینانه،
2. شفاف سازی عملیات دولتی به وضعی که نشان داده شود درجه ی اتلاف منابع در بخش دولتی چقدر است و تلاش برای کاهش این وضعیت نابهینه. در این راستا مبارزه با انحصار و تبعیض ضرورت دارد،
3. سالم سازی اجرایی فعالیت های بخش دولتی و نمایش شفاف روند افزایش سلامت، صرفه جویی، تقویت وجدان کاری، انضباط اجتماعی و درست کاری در این بخش،
4. استفاده از مکانیزم های نظارتی شفاف و سالم برای ردیابی زود هنگام موارد فساد و سوءاستفاده ی مالی در فعالیت های اقتصادی.

چ: جلب مشارکت عموم مردم

برای این کار لازم است با الگوی بسیج، مشارکت عمومی جلب شود تا بزرگترین گروه جامعه در تلاش برای اصلاح ساختار اقتصاد کشور و بالابردن قدرت مقاومت ملی تلاش کنند. شرط اصلی برای توفیق در تجهیز مردم این است که عموم مردم باور داشته باشند که دولت صادقانه در کنار جامعه قرار دارد. پیام های اصلی این محور عبارتند از:

1. برنامه ریزی برای گسترش حضور گروه های مختلف مردم در فعالیت های اقتصادی،

2. واگذاری مدیریت سهام عدالت (عرضه شده تا زمان حاضر) به متخصصان با قید محدودیت افزایش بازده و سود این سهام از یک سو و پرداخت به هنگام سود سهام از سوی دیگر،
3. ایجاد شبکه های تأمین مالی با مدیریت خصوصی برای تأمین نیازهای گروه هایی از مردم که مایلند فعالیت های کوچک خصوصی داشته باشند،
4. اعطای بخشودگی مالیاتی به اشخاص حقیقی و حقوقی که بتوانند عامل افزایش بازدهی فعالیت های اقتصادی شوند. این کار باید بر اساس یک برنامه ی شفاف انجام شود،
5. تقویت امکان حضور گسترده ی فعالان اقتصادی داخلی در مبادلات و تأمین نیازهای فعالیت های اقتصادی به صورتی که کمبود قطعات مورد نیاز ماشین آلات صنعتی از خارج به کمترین حد برسد و چرخه ی فعالیت متوقف نشود،
6. تقویت سرمایه ی اجتماعی با هدف جلب همدلی عمومی برای بالا بردن قدرت مقاومت ملی در چارچوب ایجاد روحیه و انگیزه های جهادی و تعادل اجتماعی برای بسیج تمام نیروها و امکانات کشور در مسیر شکوفایی اقتصادی و مقابله با تهدیدهای احتمالی گروه های متخاصم،
7. شفاف سازی فعالیت ها و به هنگام سازی اطلاعات برای جلب اعتماد عمومی،
8. تلاش در جهت ارتقای عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت های برابر، توانمندسازی آحاد جامعه، بهبود فضای اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی با هدف جلب بیشترین گروه مردم جامعه برای مشارکت در زندگی اقتصادی،
9. اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تبعیض بین بخش خصوصی و بخش های دولتی و شبه دولتی در وضعیت مشابه.

ح: تقویت توانمندی و بازدهی نیروی کار

یک الزام برای اقتصاد مقاومتی این است که نیروی کار در تمام سطوح به صورت جدی و با دستیابی به بالاترین سطح بازدهی، فعال شود. برای این کار باید از تمام توانایی های سرمایه ی انسانی استفاده شود تا در نهایت بیشترین افزوده از این سرمایه به دست آید. هر قدر نیروی کار، فعالیت بیشتر و مفیدتری داشته باشد، اقتصاد از قدرت مقاومت بیشتری برخوردار می شود. وجود حمایت های فعال برای تقویت توانمندی نیروی کاری الزامی است.

عمده ترین پیام های این محور عبارتند از:

1. ایجاد یک شبکه ی اطلاع رسانی شفاف در مورد بازدهی نیروی کار در ایران در مقایسه با جهان و استفاده از این شبکه برای ثبت بازدهی نیروی کار ایرانی در تمام سطوح،
2. ایجاد امکان حضور نیروی کار در شبکه های ارائه ی خدمات فنی به مجموعه ای از بنگاه های تولیدی،

3. برنامه ریزی برای بازآموزی نیروی کار و برگشت دادن این نیرو به بخش های تولیدی کشور.

خ: استفاده از حداکثر ظرفیت های تولید

بی مصرف ماندن ظرفیت های تولیدی، عاملی برای اسراف و ضایع کردن تولید ملی است. با عنایت به محور مقاومت در مقابل تحریم، در اقتصاد مقاومتی باید حداکثر بهره برداری از ظرفیت های تولیدی

انجام شود. برای این کار باید برنامه ریزی دقیقی وجود داشته باشد تا نیازهای بازار در بخش تولید ملی مشخص شود و محصولات هر بنگاه تولیدی در بیشترین حد در این بازار مورد استفاده قرار گیرد. اصلی‌ترین پیام‌های این محور به شرح زیر آورده شده است:

1. برنامه ریزی برای شناخت نیازهای بخش تولید و تلاش در مورد تأمین قطعات و لوازم مورد نیاز بنگاه‌ها،

2. اجرای سیاست واگذاری درصدی از سهام بنگاه‌های تولیدی به کارکنان با هدف ایجاد انگیزه برای جلب مشارکت آنها در بالابردن ظرفیت‌های تولید،

تبصره: در مورد بنگاه‌های خصوصی، این واگذاری می‌تواند در مقابل بخشی از دریافتی کارکنان که به هر دلیل مدیریت بنگاه قادر به پرداخت نیست، انجام شود ولی این کار نباید در حدی باشد که کارکنان نتوانند با دریافتی جاری خود زندگی و معیشت خویش را تأمین نمایند.

د: جلوگیری از تعطیل شدن واحدهای تولیدی و کارخانه‌های کشور

تداوم فعالیت بنگاه‌های تولیدی در چارچوب اقتصاد مقاومتی و اصلاح فعالیت این کارخانه‌ها موضوع مهمی است که باید به آن پرداخته شود. تداوم فعالیت بنگاه‌های تولیدی از یک سو به بقای اشتغال می‌انجامد و از سوی دیگر ارزش افزوده‌ای ایجاد می‌نماید که می‌تواند عامل بالارفتن سطح توسعه‌ی ملی باشد. بروز موج تعطیلی کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی می‌تواند انسجام اجتماعی جامعه را مخدوش کند و به اعتبار حکومت آسیب وارد آورد. عمده‌ترین پیام‌های این محور عبارتند از:

1. ایجاد امکان واگذاری مدیریت بنگاه‌های تولیدی عمومی، شبه دولتی و دولتی با قید شرط ادامه‌ی فعالیت بنگاه و پرداخت مزد و حقوق کارکنان در زمان‌های مقرر و بر اساس الگوی مشارکت مدیر در سود بنگاه. دولت باید تضمین بدهد که در صورت تحقق شروط ذکرشده در قرارداد، واگذاری قطعی بنگاه تولیدی را به مدیر یا مدیران برگزیده بر اساس یک الگوی شفاف و مشخص انجام دهد،

2. حمایت دولت برای به وجود آوردن امکان تشکیل شبکه‌های تولیدی و توافق بین بنگاه‌های مشابه از لحاظ تولید، با هدف جلوگیری از تعطیل شدن کارخانه‌ها و بی‌کارشدن نیروی کار. در این الگوی مشارکتی، لازم است نحوه‌ی مشارکت بسیار شفاف شود و دولت آمادگی داشته باشد که به بنگاه‌هایی که با استفاده از این نوع مشارکت توانسته‌اند از تعطیل شدن بنگاه خود جلوگیری کنند، بخشودگی مالیاتی

ارائه نماید.

ذ: توجه به زندگی مردم جامعه

نباید این انتظار به وجود آید که هیچ چیز در زندگی مردم تغییر نمی‌کند. امر واقع این است که در کوتاه مدت و در جریان بالابردن مقاومت اقتصاد کشور در مقابل تحریم‌ها، زندگی مردم می‌تواند با نابسامانی‌هایی مواجه شود. با وجود این، در میان مدت، تعادلی نسبی در زندگی برقرار خواهد شد. لازم است دولت به نوعی، حداقل کالاهای اساسی و ضروری مردم جامعه را تأمین کند. اصلی‌ترین پیام‌های این محور به شرح زیر است:

۱. تأمین کالاهای اساسی و ضروری و برقراری امنیت غذایی و دارویی جامعه با هدف مقابله با کمبودهای نگران کننده در اقتصاد کشور از طریق مدیریت و برنامه ریزی برای تأمین به موقع کالاهای اساسی و ضروری و داشتن ذخایر راهبردی برای پوشش دادن به ضربه های احتمالی بیرونی،
۲. مدیریت مصرف با هدف تأمین حداقل مصرف مورد نیاز تمام آحاد مردم،
۳. گسترش پوشش تأمین اجتماعی برای حمایت از گروه های محروم جامعه و مبارزه با فقر و ناعدالتی.

ر: تقویت روحیه ی خودباوری و خوداتکایی

فرهنگ سازی برای هدایت نیروهای مختلف، در جهت بالابردن قدرت مقاومت، باید در چارچوب تقویت روحیه ی خودباوری و خوداتکایی انجام شود. تمام فعالان اقتصادی و مصرف کنندگان باید به محصولات ایرانی و توانایی ایرانی در تأمین نیازهای کشور معتقد باشند. پیام اصلی این محور عبارت است از: "جهت دهی به رسانه ها، به ویژه به صدا و سیما، در راستای سالم سازی فضای عمومی، گسترش فرهنگ استقامت و خودباوری و اطلاع رسانی صحیح و به موقع به مردم."

ز: حداکثر کردن استفاده از امکانات و تجهیزات موجود در کشور

بنگاه های تولیدی متروکه ی متعددی وجود دارند که کالاهای سرمایه ای آنها می تواند برای تداوم فعالیت بنگاه های فعال کنونی به کار گرفته شود. برای این کار اطلاع رسانی، برنامه ریزی و ارائه ی خدمات نصب دوباره، از الزامات است. در همین راستا باید الگوهای مشارکتی ویژه به مالکان کالاهای سرمایه ای ارائه شود تا آنها نیز بتوانند آزادانه و با رغبت، سرمایه ی خود را در چرخه ی تولید به کار بیندازند. این جریان نباید به هیچ عنوان عاملی برای تصاحب اموال مردم یا کاهش اعتبار حقوق مالکیت باشد. عمده ترین پیام های این محور عبارتند از:

1. شناسایی بنگاه هایی که به هر دلیل نتوانسته اند سرمایه خود را در طول سال ها فعال نمایند. در این راستا لازم است طی یک برنامه ی سریع و دقیق، فهرست ماشین آلات و وضعیت آنها مشخص گردد،
2. ایجاد شبکه های استفاده ی حداکثری از ماشین آلات موجود و انجام خدمت رسانی برون بنگاهی برای آن دسته از فعالان اقتصادی که به محصولات تولیدشده توسط آن ماشین آلات نیاز دارند.

ژ: پایین آوردن درجه ی آسیب پذیری کشور در جریان مبادلات با خارج

طی سال های اخیر، شرکای تجاری بدون درنظر گرفتن ارتباطات درازمدت بین ایران و آن کشورها، برگزیده شده اند. در نهایت، وابستگی ایران به دنیای خارج به شدت افزایش یافته است ولی این وابستگی با رابطه ی درازمدت با شرکای تجاری همراه نشده است. این الگوی ارتباط با خارج در موارد متعدد عاملی در جهت کاهش مقاومت اقتصاد کشور در مقابل انواع ضربه ها محسوب می شود و در هر صورت تحریم یکی از موارد بارزی است که الگوی تجاری مورد بحث در مقابل آن بسیار ضربه پذیر می شود. با عنایت به این وضعیت، بازنگری جدی در فهرست شرکای تجاری کشور از یک سو و نحوه ی مبادله با خارج از سوی دیگر، ضرورت دارد تا درجه ی آسیب پذیری کشور در برابر ضربه های خارجی به پایین ترین حد کاهش داده شود. این بازنگری تحت هر شرایط ضرورت دارد ولی در وضعیت تحریم اولویت بیشتری می یابد. اصلی ترین پیام های برخاسته از این محور به شرح زیر است:

1. بازنگری در فهرست شرکای تجاری کشور به ترتیبی که رابطه ی تجاری با پیوندهای غیرتجاری همراه شود،

2. جلوگیری از بالارفتن درجه ی وابستگی کشور به یک شریک تجاری خاص به طوری که به آن شریک امکان تهدید داده شود،

3. ساماندهی به مبادلات مالی همراه با مبادلات تجاری بین ایران و شرکای تجاری به شرحی که ایران بتواند با استفاده از ابزارهای کارآمد مالی، امکان ضربه پذیری اقتصاد کشور را در جریان ضربه های مختلف، به کمترین حد محدود کند.

۶- نقش بانکها در اقتصاد مقاومتی

۶-۱- سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغی مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۳۰)

متن ابلاغیه رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگوئی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد.

اکنون با مذاقه لازم و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است، ابلاغ می‌گردد.

لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز

همچون حماسه سیاسی در برابر چشم جهانیان رخ نماید. از خداوند متعال توفیق همگان را در این امر مهم خواستارم.

سیدعلی خامنه‌ای

۲۹ / بهمن ماه / ۱۳۹۲

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

بسم الله الرحمن الرحيم

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد:

۱ - تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

۲ - پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.

۳- محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

۴- استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.

۵- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

۶- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (بویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.

۷- تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید(مواد اولیه و کالا).

۸- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.

۹- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.

۱۰- حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:

- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم.

- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.

- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.

- برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه.

- استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.

- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.

۱۱- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.

۱۲- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:

- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان.

- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی.

- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

۱۳- مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:

- انتخاب مشتریان راهبردی.

- ایجاد تنوع در روش‌های فروش.

- مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش.

- افزایش صادرات گاز.

- افزایش صادرات برق.

- افزایش صادرات پتروشیمی.

- افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی.

۱۴- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، بویژه در میادین مشترک.

۱۵- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

۱۶- صرفه جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید.

۱۷- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

۱۹- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و

۲۰- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۲۱- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

۲۲- دولت مکلف است برای تحقق سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگی سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:

- شناسایی و بکارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.

- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.

- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.

۲۳- شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.

۲۴- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.»

۲-۶- اهداف، سیاستهای اقتصاد مقاومتی بانک مرکزی

هدف اول: ثبات قیمتی و مهار تورم

سیاست‌ها:

رعایت هماهنگی در سیاست‌گذاری پولی، ارزی، اعتباری و بودجه‌ای جهت حفظ ثبات اقتصاد کلان
هدف دوم: ایجاد ثبات پایدار در نظام مالی اقتصاد به منظور بهبود خدمت‌رسانی به تولید و کاهش آسیب‌پذیری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در برابر انواع ریسک

سیاست‌ها:

- ✓ حذف زمینه‌های سرکوب مالی و تقویت فرآیند واسطه‌گری مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری
- ✓ ارتقای سلامت مالی و بهبود کیفیت ترازنامه بانک‌ها متناسب با استانداردها
- ✓ ارتقای نظام نظارت بر بخش پولی و بانکی
- ✓ اصلاح و روزآمد نمودن چارچوب بازار بین‌بانکی
- ✓ ارتقای تعاملات و بهبود توازن بازارهای پول و سرمایه در حوزه تامین مالی
- ✓ بهبود وضعیت دسترسی عموم به تامین مالی خرد
- ✓ شفاف‌سازی عملیات بانکی و کاهش زمینه‌های فساد

هدف سوم: کاهش دامنه نوسان نرخ ارز و ارتقای شفافیت و کارایی بازار ارز در تأمین نیازهای تولیدی و تجاری

سیاست ها:

- ✓ ایجاد ثبات پایدار در بازار ارز، مهار تلاطم‌های ارزی و گذر به نظام نرخ ارز یکسان (شناور مدیریت شده) پس از تأمین بسترها و پیش‌نیازهای ضروری
- ✓ تسهیل نقل و انتقالات ارزی و روان‌سازی جریان صادرات و واردات کالا و خدمت با هدف کاهش تمرکز الگوی تجاری
- ✓ افزایش تنوع روش‌های تأمین منابع ارزی اقتصاد به منظور کاهش آسیب‌های این حوزه

اهداف و سیاستهای فوق در بردارنده ۳۹ برنامه در حوزه‌های مختلف کاری بانک مرکزی شامل سیاستگذاری پولی، ارزی، اعتباری، نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری و بانکداری الکترونیک بود که در نهایت بیش از ۱۵۰ اقدام اجرایی به منظور تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در حوزه کاری این بانک شناسایی گردید.

جهت‌گیری کلی اقدامات بانک مرکزی در راستای اجرایی نمودن سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی در حوزه سیاست پولی بر مهار تورم و ثبات قیمت‌ها با دو رویکرد عدم سرکوب مالی و کاهش سلطه مالی دولت استوار گردید. بزرگ شدن تدریجی حجم دولت، عدم تکافوی منابع درآمدی بودجه دولت برای پاسخگویی به هزینه‌های فزاینده، توسعه ناکافی بازار سرمایه و ... از دلایل عمده بروز "سلطه مالی" در طول دهه‌های گذشته بوده که به اشکال مختلف تبلور یافته است. مواردی نظیر الزام خرید اوراق بهادار دولتی توسط شبکه بانکی در سالهای پیش از انقلاب اسلامی، برداشت مستقیم از منابع پر قدرت بانک مرکزی به منظور جبران کسری بودجه دولت، تسهیلات تکلیفی و تأمین مالی شرکتهای دولتی، فروش ارز به بانک مرکزی بیش از حدود تعیین شده در قوانین بودجه و در نهایت اعمال روشهای شبه بودجه‌ای نظیر اجرای طرح مسکن مهر، جملگی از موارد سلطه مالی دولت بر نظام بانکی بوده است. نتیجه نهایی "سلطه مالی" دولت، انفعال سیاست پولی و خروج رشد متغیرهای پولی از مسیر بهینه خود بوده که در نهایت به صورت نرخ‌های تورم مزمن و ساختاری در اقتصاد زمینه بروز یافته است. علاوه بر "سلطه مالی"، "سرکوب مالی" نیز یکی دیگر از وجوه مشخصه سیاست پولی در طول چند دهه گذشته بوده است. در مبانی نظری علم اقتصاد، از مداخله بیش از حد بهینه و اختلال‌زای دولت در امور بانکی به عنوان "سرکوب مالی" یاد می‌شود که در آن دولت با اهدافی نظیر افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد فرصتهای شغلی و حمایت از برخی فعالیتهای، در عملکرد معمول بانکها مداخله می‌نماید. مواردی نظیر تعیین نرخ سود در سطحی پایین‌تر از نرخ تورم، سهمیه‌بندی تسهیلات بانکی و اعمال تسهیلات تکلیفی، از مصادیق بارز سرکوب مالی به شمار می‌آیند. تعیین دستوری نرخ سود بانکها عمدتاً با هدف کاهش هزینه تأمین مالی تولید و انگیزش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی از این محل دنبال می‌شود. لیکن رویکرد متخذه در این خصوص نه تنها عملکرد واسطه‌گری

شبکه بانکی را تضعیف می‌نماید، بلکه واجد آثار منفی دیگری برای کل اقتصاد کشور نیز می‌باشد. تعیین غیرتعادلی نرخ سود بانکی با کاهش انگیزه‌های سپرده‌گذاری در بانکها، منابع قابل قرض بانکها را کاهش می‌دهد. در مرحله بعد، کاهش منابع قابل قرض بانکها، توان تسهیلات دهی بانکها را تضعیف می‌نماید و در نتیجه هدف اولیه سیاستگذار مبنی بر تقویت سرمایه‌گذاری تحقق نمی‌یابد. بنابراین اصلی‌ترین اثر تعیین دستوری نرخ سود در حوزه عملکرد شبکه بانکی، کاهش توان واسطه‌گری مالی بانکها می‌باشد که در ادامه به کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی منجر می‌شود. علاوه بر این، کاهش نرخ سود تسهیلات در سطحی پایین‌تر از نرخ تورم، حاشیه رانتی را برای دریافت کنندگان تسهیلات ایجاد می‌نماید که می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد فساد در شبکه بانکی باشد. بنابراین با توجه به موارد فوق‌الشاره تمرکز اصلی بر اتخاذ سیاست‌های پولی متناسب و هم‌چنین کاهش زمینه‌های سلطه مالی و تنظیم بردار نرخ‌های سود بانکی بر اساس اقتضات اقتصاد کلان و با در نظر داشتن مکانیزم بازار و اصل رقابت قرار گرفت. در حوزه سیاست‌های اعتباری نیز رفع زمینه‌های سلطه مالی دولت، کاهش بدهی بخش دولتی به نظام بانکی، کمک به تامین مالی واحدهای تولیدی و همچنین بهبود تامین مالی خرد به عنوان مهمترین معیارها انتخاب شد. بر این اساس کاهش تکالیف دولت بر نظام بانکی در قالب قوانین برنامه توسعه و بودجه سالانه، ارتقای سلامت نظام بانکی از طریق انضباط در عملیات مالی دولت، ارتقای سلامت مالی و افزایش توان تسهیلات‌دهی بانکها، افزایش کارآمدی نظام بانکی در جذب و تجهیز منابع و اعطای تسهیلات به عنوان رویکردهای اصلی در این زمینه انتخاب گردید. در حوزه سیاست‌های ارزی ضمن تاکید بر لزوم حفظ ثبات در بازار ارز، کاهش شکاف نرخ ارز در بازارهای رسمی و غیررسمی، مدیریت تحولات بازار ارز و عدم انباشت ناترازی در نرخ ارز و بازبینی در مقررات ارزی به منظور تسهیل مبادلات بین‌المللی متناسب با اقتضات و محدودیت‌ها محور قرار گرفت. در این راستا اقداماتی نظیر ایجاد شفافیت در نقل و انتقالات ارزی و پایش مستمر آن از طریق تکمیل پرتال ارزی، پویایی در به‌هنگام‌سازی مقررات ارزی حسب شرایط از طریق صدور بخشنامه‌های متناسب در جهت شفاف‌سازی روابط مالی و ارزی بانکها با بانک مرکزی و مشتریان و مواردی از این قبیل مورد اشاره واقع شده است. در حوزه نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری نیز مواردی نظیر اهمیت نظارت در بستر سازی مناسب برای افزایش تاثیرگذاری سیاست‌های پولی، کنترل و رفع پدیده سرکوب مالی به منظور کاهش آثار زیان‌بار افزایش شدید شکاف میان منابع و مصارف بانکها و همچنین کنترل مطالبات غیرجاری با هدف ممانعت از کاهش توان واسطه‌گری بانکها مورد تاکید قرار گرفت. برای این منظور، مواردی نظیر افزایش پوشش نظارت و ساماندهی موسسات اعتباری غیرمجاز، کاهش مطالبات غیرجاری بانکها، ارتقای سلامت مالی و بهبود کمی و کیفی سرمایه بانکها و صیانت از حقوق ذی‌نفعان بانکها و مؤسسات اعتباری مورد توجه قرار گرفت. در نهایت در حوزه نظام‌های پرداخت، بر توسعه کمی و کیفی بانکداری الکترونیک، ایجاد بانکداری متمرکز در نظام بانکی کشور و ارتقای شفافیت اطلاعات بانکها به منظور تقویت نظارت بر کارکرد شبکه بانکی تاکید گردید. در این میان اقداماتی نظیر پروژه تدوین نقشه راه ده‌ساله بانک مرکزی و راه‌اندازی سامانه‌های متنوع در حوزه‌های مختلف، زمینه مناسبی را برای ایجاد بانکداری متمرکز و بسترسازی برای تبدیل کلیه مکاتبات و مراودات میان بانکها و بانک مرکزی در فضای الکترونیکی ایمن فراهم ساخته است. سازگاری مناسب میان رویکردهای و اقدامات

صورت گرفته برای دستیابی به اهداف تبیین شده از الزامات اساسی در سیاستگذاری‌های پولی، اعتباری، نظارتی و ارزی در راستای نیل به اهداف ثبات اقتصاد کلان و تحقق سیاست‌هایی کلی اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود. بررسی گزارش یاد شده نشان می‌دهد رویکردهای اتخاذ شده در حوزه‌های مختلف از سازگاری بالایی برخوردارند. اتخاذ رویکردهای رفع سلطه مالی و سرکوب مالی دولت در سیاست‌های پولی را می‌توان در اعطای آزادی عمل به بانک‌ها در جهت ایجاد رقابت در نرخ سود سپرده مشاهده نمود. تبلور این رویکرد در حوزه سیاست‌های اعتباری را نیز می‌توان در ایجاد زمینه‌های لازم برای کاهش اتکای دولت به بانک مرکزی و بانکها، برداشتن سقف نرخ سود عقود مشارکتی و حذف الزام سهمیه‌بندی تسهیلات پرداختی، مشاهده نمود. افزون بر این، پیگیری این سیاست در حوزه نظارت بر بانکها نیز با اتخاذ رویکردهای کنترل مناسب و رفع پیامدهای سرکوب مالی و کنترل نرخ سود از طریق اصلاح قوانین و مقررات محل واسطه‌گری موثر بانک‌ها و ساماندهی موسسات اعتباری غیرمجاز و انتظام‌بخشی به بازار پول، قابل ردیابی است.

۶-۳- اهمیت و جایگاه فعلی نظام بانکی در اقتصاد

از آنجا که نظام بانکی کشور یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین اهرم‌های توسعه اقتصادی کشور است، مقاوم‌سازی این بخش از حساسیت بالاتری نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی برخوردار است. نقش نظام بانکی در بحران اقتصادی که در اروپا رخ داد شاهدهی بر این مدعاست. با رشد فراز و نشیب‌های این بحران شاهد چهار موج هستیم. بحث پرداخت وام‌های بانکی به افراد با درجه پایین اعتباری به عنوان کمبود اول؛ کمبود نقدینگی در نظام بانکی به عنوان موج دوم و به تبع این دو، افزایش بدهی‌های حکومتی برای این که یک بانک ورشکست نشود به عنوان موج سوم و بالاگرفتن مشکلات اقتصادی در سطح کشورهایی چون یونان، اسپانیا و پرتغال موج آخر را تشکیل داده است. از این روست که می‌توان بیان داشت که یکی از دلایل شکننده بودن اقتصاد اروپا در بحران سال ۲۰۰۸ رشد بانکداری در سایه بوده که در آن موسسات مالی غیربانکی آزاد و رها از قوانین و محدودیت‌های بانکی، فعالیت‌های شبه بانکی انجام داده و با افراط و حرص و ولع در استفاده غیر اصولی از اوراق مشتقه، نظام مالی را با خطر مواجه ساختند.

حال باید علل ناکارایی سیستم پولی- بانکی کشور در پشتیبانی صحیح از بخش واقعی اقتصاد کشور در سال‌های اخیر را مورد توجه قرار داد تا بتوان با رفع آنها عملکرد سیستم بانکی کشور را ارتقا بخشید. در زیر اهرم‌های فشاری که دولت از طریق آنها بر سیستم پولی- بانکی اعمال قدرت نموده و در نتیجه آن کارایی نظام پولی - بانکی کشور مخدوش شده ذکر می‌گردد:

۱- تسلط سیاست‌های مالی دولت بر سیاست‌های پولی، به نحوی که عرضه پول تحت فشارهای

دولت از کنترل بانک مرکزی به عنوان مرجع اصلی تنظیم حجم پول خارج شده است:

قدرتی که حق ضرب (انتشار) پول در اختیار بانک مرکزی نهاده است، عملاً در اختیار دولت قرار گرفته است و در نتیجه منابع مالی آسان برای خرج کردن به حد کافی در دسترس دولت خواهد بود و از آنجا که وظایف دشواری مثل ساختن نظام و اقتدار اداری و ایجاد نظام مالیاتی مناسب، زمان‌بر و دشوار می‌باشد، خرج کردن به سازوکار ساده و ابتدایی دولت‌مندی در ایران تبدیل شده است. متأسفانه تحت ساختارهای فعلی روابط میان دولت و بانک مرکزی، این بانک از استقلال کافی جهت مدیریت سیستم پولی کشور و

کنترل خلق پول و بنابراین ایفای وظایف بنیادی خود در حفظ ارزش پول ملی و کنترل تورم برخوردار نیست و متاسفانه رفتار دولت تحت چنین ساختاری به نحوی بوده است که عملاً بانک مرکزی توان مدیریت پایه پولی (پول پر قدرت) و در نتیجه عرضه پول را در اقتصاد کشور از دست داده است.

۲- تعیین دستوری نرخ سود بانکی توسط دولت و در حاشیه قرار گرفتن بانک مرکزی و شبکه بانکی در تعیین نرخ سود:

مساله مهم در نظام بانکی، نحوه تجهیز منابع مالی و سپس تخصیص و توزیع آن در بخش‌های مختلف اقتصاد و بین فعالان اقتصادی و نیز کانال‌ها و مسیرهایی است که حجم پول موجود وارد سیستم اقتصادی شده و در آن گردش می‌کند. منابع مالی نظام بانکی به طور طبیعی از محل سپرده‌های مردم تامین می‌شود و یکی از مهم‌ترین متغیرها در تصمیمات سپرده‌گذاری مردم در نظام بانکی، نرخ سود سپرده‌ها می‌باشد؛ به طوری که هرچه نرخ سود سپرده‌های بانکی افزایش یابد، انگیزه مردم جهت سپرده‌گذاری در نظام بانکی افزایش می‌یابد و هرچه نرخ سود سپرده‌های بانکی کاهش یابد، انگیزه سپرده‌گذاری کاهش خواهد یافت. بنابراین بهترین و کارآترین روش جهت توزیع منابع نظام بانکی، روشی است که تحت نرخ‌های رقابتی و تعادلی سود بانکی، منابع مالی را به پربازده‌ترین و پرسودترین بخش‌های یک اقتصاد رقابتی هدایت می‌کند و در نتیجه آن از منابع موجود حداکثر منفعت برای جامعه حاصل شده و از اتلاف منابع جلوگیری خواهد گردید.

۳- تعیین تسهیلات تکلیفی مانند اعطای تسهیلات به طرح‌های زودبازده و مداخلات گسترده در تخصیص منابع شبکه بانکی کشور:

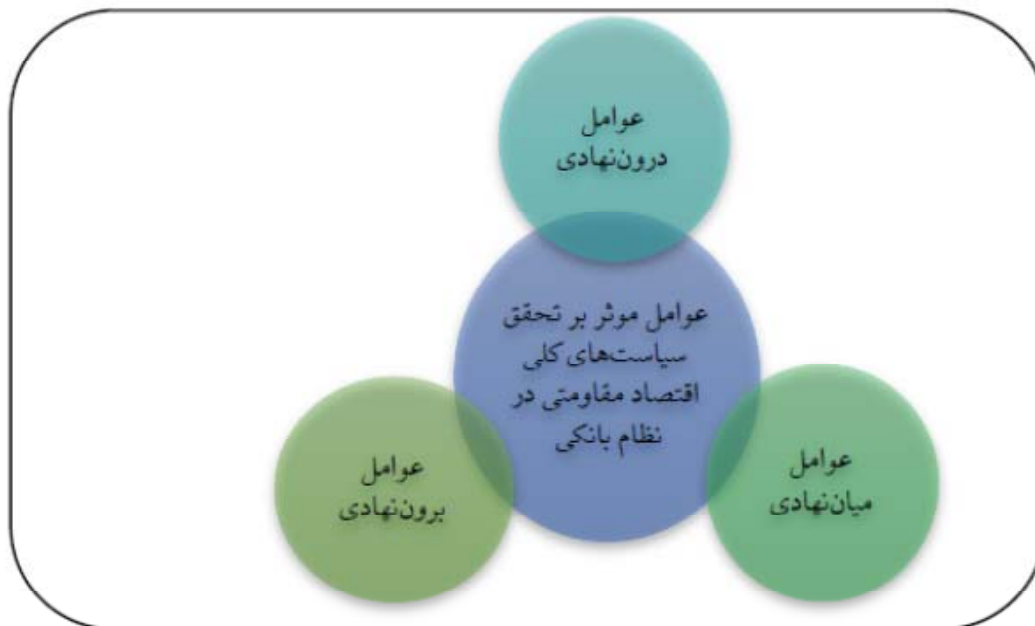
بانک‌ها جهت حفظ کارایی سیستم بانکی نیازمند استقلال کافی در مدیریت پرتفوی منابع مالی هستند. بانکی که نتواند منابع مالی خود را بر اساس منطق و ارزیابی اقتصادی هدایت کند و با اعمال فشار از سوی مراجع دیگر مانند دولت مجبور به اعطای تسهیلات مالی شود، مهم‌ترین ابزار جهت مدیریت اقتصادی خود از دست داده است. اعمال فشار دولت جهت اعطای تسهیلات تکلیفی که در سال‌های اخیر در قالب اعطای تسهیلات به طرح‌های زودبازده اوج گرفت، عملاً اصل مدیریت منابع مالی توسط بانک‌ها را مخدوش نموده و بانک‌ها را به شبکه توزیع پول تحت دستورات و اوامر دولت و عمدتاً بدون توجه به منطق و ارزیابی اقتصادی تبدیل نموده است.

سوال مهمی که در اینجا طرح می‌شود آن است که نظام بانکی ایران در یک اقتصاد مقاومتی با مولفه‌های ایرانی- اسلامی چه ویژگی‌هایی را باید داشته باشد؟ چه اقداماتی را باید در اولویت خویش قرار دهد و از چه اقداماتی بایستی پرهیز نمایند؟

برای پاسخ به این پرسش لازم است تا در ابتدا شاخصه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی را مورد شناسایی قرار دهیم. آن گونه که از بیانات گرانبار رهبر معظم انقلاب برمی‌آید اقتصاد مقاومتی تاکتیکی موقتی و زودگذر برای شرایط فعلی اقتصاد نیست بلکه یک استراتژی بلندمدت و دائمی است.

در این نوشتار بیست و هشت عامل در رابطه با تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی شناسایی شده است. این عوامل در سه گروه درون نهادی (مربوط به خود بانک‌ها) میان نهادی (مربوط به روابط شبکه بانکی) و فرانهادی (مربوط به خارج از شبکه بانکی) دسته بندی شده‌اند.

شکل ۱- انواع عوامل موثر بر تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی



۷- انواع عوامل موثر بر تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی

۷-۱- عوامل درون نهادی

۷-۱-۱- احیای مدیریت و روحیه جهادی در نظام بانکی

یکی از الزامات و شروط حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی، داشتن روحیه و مدیریت جهادی است. مدیریت جهادی هرچند اصطلاحی جدید در ادبیات انقلابی ما نیست اما به واقع نوعی از مدیریت است که عمدتاً در دوران دفاع مقدس بارها با آن مواجه بوده‌ایم. شاید به کارگیری واژه جهاد نشان و اشاره از یک واقعیت مهم باشد که امروز هم نوع دیگری جنگ بر این انقلاب و کشور تحمیل شده است که بایستی همچون دفاع مقدس با یک مدیریت جهادی به مقابله و برخورد با آن پرداخته شود. در جامعه‌ای که به دنبال تحقق حیات طیبه اسلامی است و هدف نهایی خود را عینیت بخشیدن به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی قرار داده است مطمئناً فرهنگ و راهنمای حرکت نمی‌تواند چیزی جز روحیه و فرهنگ جهادی باشد.

«کار و تلاش»، «نیت الهی» و «علم و درایت» را باید سه ضلع اصلی مدیریت جهادی به عنوان الگوی مطلوب مدیریتی برای نظام اسلامی از منظر مقام معظم رهبری عنوان کرد. این الگوی مدیریتی در تعامل و هماهنگی کامل با الگوها و اسناد بالادستی نظیر سند چشم‌انداز توسعه و الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت مطرح شده و در همین راستا نیز قابل بررسی و تبیین است.

تلاش در جهت تبیین صحیح و اصولی الگوی «مدیریت جهادی» در نظام بانکی کشور که لازمه عملیاتی شدن آن است را می‌توان از جمله وظایف کنونی نخبگان و کارشناسان و اصحاب رسانه دانست. مدیریت جهادی باید در همه عرصه‌های بانکی ظهور و بروز داشته باشد، به گونه‌ای که نتایج آن کاملاً برای ذی‌نفعان نظام بانکی ملموس باشد. برای مثال مشتریان شبکه بانکی باید بتوانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن تسهیلات مد نظر خود را با رعایت ضوابط بانکی دریافت کنند. همچنین باید عزم جدی برای برخورد با تخلفات به عنوان یکی از ارکان مدیریت جهادی در تمام سطوح مدیریتی شبکه بانکی نهادینه شود. شایان ذکر است

مدیریت جهادی نه تنها در شرایط بحرانی و بروز تنش ضروری است بلکه حتی در شرایط عادی هم باید با فعالیت جهادی بهره‌وری شبکه بانکی ارتقا یابد.

۷-۱-۲. یکپارچگی اتحاد و انسجام درون نظام بانکی

از آنجا که رویکرد جهادی در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش مهمی را عهده‌دار می‌باشد مهم است که اتحاد و انسجام درون بخش‌های مختلف نظام بانکی در سطح مطلوبی قرار داشته باشند. به عبارت دیگر بانک‌ها با توجه به این که در بین خود رقابت سالم و مفید دارند، بایستی همگی هم‌قسم و هم‌پیمان باشند تا ضمن فعالیت‌های متداول بانکی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را نیز در نظام بانکی تعقیب نمایند و این موضوع هماهنگی بین بانک‌ها و کل شبکه بانکی را می‌طلبد. برای مثال وقتی سیاستی از سوی بانک مرکزی به بانک‌ها ابلاغ می‌شود بانک‌ها باید در اجرای آن سیاست به صورت هماهنگ و یکپارچه مقام ناظر شبکه بانکی را در اجرای سیاست‌ها همراهی کنند.

رویه فعالیت بانک‌ها نباید مانعی در راه تحقق هدف واحد کلیت نظام بانکی که همان به سرانجام‌رساندن اقتصاد مقاومتی است باشد. نمونه بروز عدم اتحاد بین بانک‌ها در بحث دریافت نکردن کارمزد از پایانه‌های فروش است که در یک مقطع زمانی از سوی برخی بانک‌ها اجرا شد. همچنین بانک مرکزی وظیفه دارد برای اتحاد و انسجام نظام بانکی و هم‌سو کردن فعالیت‌های بانک‌ها با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برنامه‌ریزی و نظارت کافی را انجام دهد.

۷-۱-۳. کنترل سطح مطالبات معوق در نظام بانکی

مطالبات معوق یکی از بزرگترین مشکلات نظام بانکی در حال حاضر است و نظام بانکی از این جهت ضربات بسیاری خورده و آسیب‌پذیر شده است. برای تحقق اقتصاد مقاومتی و تامین مالی تولیدکنندگان داخلی در راستای حمایت از تولید ملی لازم است که منابع بانکی در دسترس باشد تا که بنگاه‌های داخلی به نحو شایسته‌ای مورد حمایت قرار گیرند. برای این که تخصیص مناسب منابع به وجود آید لازم است که در ابتدا مشکل مطالبات معوق برطرف شود. چرا که بالابودن میزان معوقات، منابع بانکی را از چرخه اعطای تسهیلات خارج می‌کند و علاوه بر تحمیل خسارت به نظام بانکی، متقاضیان واقعی را از دریافت تسهیلات محروم می‌سازد.

ضمن این که با تخصیص نامناسب منابع بانکی و بالا رفتن معوقات، اعتماد سپرده‌گذاران نیز برای گذاشتن وجوه خود در بانک‌ها کاهش می‌یابد. لازمه حمایت مستمر از بنگاه‌های تولیدی و کارآفرین داخلی پایین بودن سطح مطالبات غیرجاری و بازگشت سرمایه‌هایی است که با نام تسهیلات از نظام بانکی خارج شده‌اند.

۷-۱-۴. استقرار نظام اعتبارسنجی مشتریان

از آنجا که همواره پیشگیری بهتر از درمان است، به منظور جلوگیری از افزایش مطالبات معوق لازم است که مشتریان و متقاضیان تسهیلات بانکی به ویژه متقاضیان تسهیلات کلان براساس یک نظام اعتبارسنجی دقیق مورد بررسی قرار گیرند. همچنین در تسهیلات کلان باید براساس آیین‌نامه تسهیلات کلان ارزیابی انجام شود. این امر موجب می‌شود تا منابع بانکی به سمت مجاری مطمئن‌تر هدایت شود. افزون بر این می‌توان اوراق بهادار و ابزارهای مالی را با توجه به میزان ریسک و بازده آنها و بر اساس سلیقه‌های گوناگون مشتریان عرضه کرد. در بند نوزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی

آن و جلوگیری از اقدامات فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا اشاره شده است (مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۹۲).

اعتبارسنجی مشتریان بانکی یکی از اقداماتی است که نقش بسیار مهمی در شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد ایفا می‌کند. زیرا در سامانه‌های اعتبارسنجی سوابق اعتباری افراد ثبت می‌شود و نه تنها در نظام بانکی از آن استفاده می‌شود بلکه حتی در زمینه‌های دیگر مانند معاملات تجاری اشتغال به کار و ... نیز می‌توان از شناسنامه اعتباری افراد استفاده کرد و این امر زمینه کاهش بسیاری از فسادها و تخلفات را فراهم می‌سازد.

۷-۱-۵- عدم ترویج فرهنگ اسراف و تجمل‌گرایی در تبلیغات بانک

با نگاهی به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی درمی‌یابیم که فرهنگ اسراف در تضاد شدید با مفاهیم اولیه اقتصاد مقاومتی است. گرچه عمده بار اصلاح و جهت‌دهی فرهنگ مصرفی مردم به عهده نهادها و متولیان امور فرهنگی است ولی بانک مرکزی بایستی با نظارت بر تبلیغات بانک‌ها مانع ترویج فرهنگ تجمل‌گرایی و اسراف در بین آحاد جامعه شود.

۷-۱-۶- مقاوم‌سازی و بومی‌سازی بانکداری الکترونیک و فناوری اطلاعات در نظام بانکی

چنانچه زیرساخت‌های نظام بانکی در حوزه بانکداری الکترونیک و فناوری اطلاعات اتکای بیش از حدی بر محصولات و خدمات خارجی داشته باشد، آسیب‌پذیری بیشتری در مقابل اعمال تحریم‌های مالی و نیز حملات سایبری خواهد داشت. از آنجا که یکی از شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی مقاوم‌سازی بخش‌های دورنی در مقابل اثرات مخرب نیروهای بیگانه و مهاجم است، بومی‌سازی دانش فناوری اطلاعات و بانکداری الکترونیک باعث می‌شود که اقتصاد ما در بخش بانکی بیشتر مقاوم باشد. نمونه اقدامات صورت گرفته در این زمینه طراحی سامانه سپام به جای سوئیفت می‌باشد. عدم طراحی این گونه سامانه‌های بومی موجب می‌شود تا در مواقع تحریم به دلیل وابستگی فنی ارائه خدمات بانکی با اختلال روبه‌رو شود.

۷-۱-۷- بالا بردن سطح کیفی و توانمندی نیروی انسانی در نظام بانکی

تقویت اقتصاد دانش‌بنیان نیازمند وجود نیروی انسانی زبده و ماهر است که با امر آموزش و پرورش خلاقیت‌ها در نظام بانکی به وجود می‌آید. روشن است که بالا بردن سطح کیفی و توانمندی نیروی انسانی در نظام بانکی منجر به افزایش کارایی و بهره‌وری این نظام و کاهش هزینه‌های غیرضروری و ریسک‌های عملیاتی شده و امکان اشتباه و خطای انسانی، پولشویی و تخلفات پولی و مالی در این بخش را کاهش می‌بخشد. وجود آموزش‌های تخصصی موجب می‌شود تا هر یک از ارکان نظام بانکی در انجام وظایف خود بهتر عمل کنند. برای مثال کارکنان بانک‌ها با کسب توانمندی‌های لازم می‌توانند محصولات جدیدتر و متنوع‌تری متناسب با نیازهای مشتریان پیشنهاد دهند و نیز مدیران بانکی با چالش کمتری برای اجرای سیاست‌ها و راهبردهای کلان روبه‌رو خواهند بود.

۷-۱-۸- تناسب سطح کمی نیروی انسانی در نظام بانکی به منظور مدیریت هزینه‌ها

اقتصادی به عنوان اقتصاد مقاوم تعریف می‌شود که سطح هزینه‌های غیرضروری و زائد آن پایین بوده و مدیریت بهینه‌ای بر مخارج تک‌تک سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی آن انجام پذیرد. از این رو مدیریت سطح

کمی سرمایه انسانی به ویژه در بانک‌های دولتی به منظور منطقی‌سازی اندازه نیروی انسانی و حذف فعالیت‌های موازی و بیهوده و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور از دیگر الزامات اقتصاد مقاومتی در نظام بانکداری کشور به حساب می‌آید.

۷-۱-۹- فعالیت‌های پژوهش و توسعه (R&D) در راستای مقاوم‌سازی نظام بانکی

امروزه در اقتصاد جهانی پژوهش و توسعه به منظور کشف و دریافت روش‌های نوین ایجاد ارزش افزوده و مدیریت بهتر ریسک‌های گوناگون به یکی از الزامات انکارناپذیر توسعه و رشد اقتصادی تبدیل شده است. از این رو انجام پژوهش و توسعه با هدف شناخت مسیرهای جدید ارتقاء و بالندگی، افزایش انعطاف‌پذیری و در نهایت مقاوم‌سازی ساختارها و بنیان‌های نظام مالی در برابر جدیدترین خطرات و شکست‌های مالی از مهم‌ترین الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آید. برای مثال برخی نیازها مانند کارت اعتباری در نظام بانکی وجود داشت که استفاده از آن مستلزم بررسی و پژوهش کافی درباره نحوه طراحی محصول مناسب و تبعات و پیامدهای استفاده از کارت اعتباری در نظام بانکی بود که این امر انجام و دستورالعمل آن به شبکه بانکی ابلاغ شد. لذا در صورت عدم پژوهش کافی در رابطه با این گونه محصولات و خدمات، ممکن است طرح‌هایی به اجرا درآیند که پیامد نهایی آن‌ها تطویل فرآیندها، افزایش مطالبات غیرجاری و در نتیجه شکست طرح باشد.

۷-۱-۱۰- وجود سازوکارهای اطمینان‌بخشی به سپرده‌گذاران در جهت صیانت از سپرده‌ها

افزایش فناوری و توسعه امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، امری است که حرکت سرمایه‌ها را به محض انتشار شایعات و یا خبرهای نگران‌کننده بیش از پیش راحت‌تر نموده است. این حقیقت موجب آن شده است که نظام‌های مالی در جهان حساب ویژه‌ای برای اطمینان‌بخشی به سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران باز نموده و برنامه مفیدی را جهت صیانت‌بخشی به سرمایه‌ها در برابر شوک‌ها و خطرات احتمالی ترتیب دهند. از این رو به نظر می‌رسد اقتصاد مقاوم، نیازمند سازوکارهای اطمینان‌بخش به سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران در جهت صیانت از سپرده‌ها و وجوه آنان است. البته تاکنون اقدامات و فعالیت‌های نظیر بیمه سپرده و صندوق ضمانت سپرده‌ها در شبکه بانکی در حال پیگیری است ولی لازم است این گونه فعالیت‌ها با شتاب بیشتری به سرانجام برسد.

۷-۱-۱۱- سهولت رویه‌های بانکی جهت تشویق صادرات غیرنفتی

اتکای بیش از حد به صادرات نفتی، ضمن کاهش سرمایه‌های ملی و از میان رفتن ثروت میان نسلی، موجب وابستگی شدید به واردات و شکنندگی اقتصاد خواهد شد. حمایت بانک‌ها از بخش صادرات غیرنفتی با اعطای تسهیلات هدفمند، می‌تواند طی یک برنامه عملیاتی سهم این نوع صادرات را در تولید ناخالص داخلی کشور افزایش دهد. در این راستا بانک مرکزی و بانک‌ها می‌توانند با حمایت از صنایع و بنگاه‌های فعال متناسب با هر حوزه جغرافیایی، به تقویت تولید و رشد صادرات متناسب با سیاست کلی آمایش سرزمین (مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۹۰) کمک کنند. همچنین استفاده از ابزارهای نوین مانند صکوک بویژه در حوزه بین‌المللی از ظرفیت بالقوه خوبی برخوردار است و باید فعال گردد.

۷-۱-۱۲- هدایت تسهیلات خرد بانکی به منظور تشویق مشتریان به خرید کالاهای ایرانی

آن چه از ذات اقتصاد مقاومتی بر می آید، توجه به اقتصاد ملی و کالاهای ایرانی است. یکی از مهم ترین نقش هایی که نظام بانکی می تواند در این زمینه ایفا کند، این است که در بخش تخصیص منابع برای خرید کالاهای خرد به گونه ای سیاست گذاری نماید که مشتریان و متقاضیان تسهیلات بانکی در خرید کالاهای مصرفی به سمت محصولات تولید داخل هدایت شوند تا از این طریق تولید ملی کشور تقویت شود. اجرای طرح های مناسب کارت اعتباری برای مشتریان خرد از یک سو و نیز کارت های تجاری برای تامین مالی سرمایه در گردش بنگاه های تولید کننده کالای باکیفیت نقش مهمی در این زمینه دارد.

۷-۱-۱۳- هدایت تسهیلات کلان بانکی به منظور تشویق تولیدکنندگان کالاهای ایرانی

کمبود نقدینگی از مهم ترین موانعی است که همواره به عنوان دغدغه تولید کنندگان داخلی مطرح بوده است. این نیاز مستلزم آن است که سیاست گذاری های نظام بانکی بیشتر به سمت حمایت از فعالیتهای تولیدی متمایل باشد. بدیهی است اعتبارسنجی، اخذ وثایق مورد نیاز و نظارت بر حسن استفاده از منابع تسهیلات بر کارآمدی این سیاست می افزاید. شبکه بانکی می تواند با اعطای تسهیلات به بنگاه های کوچک و متوسط، تسهیلات خرد، تسهیلات سبز (جهت حمایت از محیط زیست) و انواع تسهیلات دیگر تولید کنندگان داخلی را به ویژه در شرایط تحریم یاری دهند. ناگفته پیداست که در کنار اعطای تسهیلات باید ساز و کار مناسب برای نظارت بر مصرف تسهیلات نیز در نظر گرفته شود تا تسهیلات در محل درستی مصرف شود.

۷-۱-۱۴- شفافیت و سلامت نظام بانکی و پایین بودن فساد مالی

هر کشوری در بستر عدم شفافیت و نظارت کافی قوای نظارتی، دچار فساد، رشوه، رانت خواری، ویژه خواری، اختلاس و مفاسدی از این دست می شود. نتیجه گسترش این گونه مفاسد پولی و بانکی چیزی جز کاهش بسترهای سرمایه گذاری و تولید فعال در کشور نخواهد بود. از این رو ارتقای سطح شفافیت و سلامت نظام بانکی، دقت بیشتر بر کنترل و حسابرسی داخلی، توجه بهتر به مقوله حاکمیت شرکتی در نظام بانکی و جلوگیری از رخداد انواع مفاسد پولی و بانکی برای عملیاتی سازی سیاست های اقتصاد مقاومتی ضرورتی اجتناب ناپذیر می نماید. راه اندازی سامانه های الکترونیکی نظارتی و پولشویی به منظور رصد کردن جریان مبادلات مالی و وجوه در داخل نظام بانکی و نیز بین نظام بانکی و سایر ارکان اقتصادی می تواند نقش عمده ای در شفاف سازی و سالم سازی اقتصادی ایفا کند و از بسیاری مفاسد پیش از وقوع جلوگیری کند.

۷-۱-۱۵- بالا بردن سطح کمی و کیفی سرمایه بانکها

بالا بودن کمیت و کیفیت سرمایه بانکها موجب می شود تا بانکها در شرایط بروز تکنانه ها و بحران های مالی در اقتصاد آسیب پذیری کمتری داشته باشند. تاکید مکرر اصول توافقنامه های بال بر افزایش کیفیت کفایت سرمایه، حاکی از این نکته مهم است که مقاوم سازی اقتصاد ملی نیازمند ارتقای این دوسطح از سرمایه های بانکی است. مناسب است نسبت کفایت سرمایه به عنوان یکی از شاخص های مهم در رتبه بندی بانکها مد نظر قرار گیرد و بانک مرکزی با تاکید و نظارت جدی تری برای افشای درست کفایت سرمایه در گزارش های مدیریت ریسک بانکها داشته باشد.

۷-۱-۱۶- توزیع عادلانه منابع بانکی

با نگاهی به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی درمی‌یابیم که عدالت یکی از محورهای مهم تحقق اقتصاد مقاومتی است. توزیع منابع و تسهیلات بانکی در سرتاسر کشور (ر.ک. نیلی د محمدزاده، ۱۳۹۳ و نیلی و اسفندیاری، ۱۳۹۳) و عدم تمرکز آن تنها در برخی از استان‌ها و شهرهای پرجمعیت و با نفوذ در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، از جمله دیگر پیشنهادهایی است که به منظور اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به نظام بانکی کشور توصیه می‌شود. بانک مرکزی نیز می‌تواند با سیاست‌های تشویقی خود، از بانک‌ها و موسساتی که با توزیع عادلانه منابع، اهتمام بیشتری به مسئولیت اجتماعی خود دارند حمایت کند.

۷-۱-۱۷- وجود چارچوب مناسب مدیریت ریسک و حاکمیت شرکتی در نظام بانکی

مدیریت ریسک نه تنها موجب کاهش آسیب‌پذیری بانک‌ها در مقابل انواع ریسک‌های احتمالی می‌گردد بلکه زمینه استفاده از ظرفیت‌های بالقوه برای ثروت‌آفرینی بیشتر را نیز مهیا می‌سازد. امروزه استانداردهای بین‌المللی همچون توافقنامه بال نیز بر ضرورت مدیریت مناسب ریسک‌های مهم بانکی مانند ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی و ریسک بازار و همچنین ایجاد چارچوب موثر حاکمیت شرکتی مسولانه برای تنظیم روابط ذی‌نفعان بانکی تاکید دارند. مدیریت ریسک در واقع به مقاوم‌سازی بانک‌ها در برابر تکانه‌های احتمالی کمک می‌کند و استقرار ساختارها و سامانه‌ای مناسب مدیریت ریسک نقش مهمی در شفافیت و سالم سازی نظام بانکی ایفا می‌نماید.

۷-۱-۱۸- وجود فضای سالم رقابتی در شبکه بانکی

رقابت از مهم‌ترین عناصر محرک و نیروبخش در حرکت به سمت توسعه و تقویت نظام مالی است. رقابت مانند شمشیر دولبه‌ای است که اگر به صورت صحیح و سالم جریان یابد موجب پیشرفت و بالندگی و مقاوم‌سازی اقتصاد شده و اگر به صورت ناصحیح و مفسدانه انجام پذیرد بستر ساز بحران و شوک‌ها تلاطم آور در نظام مالی کشور می‌شود. از این رو وجود فضای سالم رقابتی در نظام بانکی به عنوان یکی از عوامل ایجادکننده اقتصاد مقاومتی می‌تواند نقش‌آفرین باشد. این رقابت باید در عرصه‌هایی انجام شود که در مجموع ذی‌نفعان بانک را به طور متعادل و در سطح بالاتر منفعت کل جامعه را برآورده سازد. برای مثال رقابت نادرست برای افزایش نرخ سود سپرده‌ها هرچند ممکن است به مذاق سپرده‌گذاران خوش بیاید و آنها را راضی کند ولی ممکن است تبعات آن دامنگیر کل جامعه شود و با دامن‌زدن به تورم عموم مردم را دچار مشکل سازد.

۷-۱-۱۹- اثربخش بودن آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های نظام بانکی

قوانین و مقررات دقیق و جامع همواره بستر ساز تحولات بزرگ هستند. بدون یک بستر قانونی و حقوقی مطلوب نمی‌توان توقع اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کشور را داشت. صنعت بانکداری یک صنعت پویاست و با نوآوری‌های مالی صورت گرفته در سالیان اخیر روز به روز بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود. از این رو تدوین مقررات مناسب نه تنها در سطح خود بانک‌ها بلکه در سطح کلان همچون تنظیم رابطه دولت و بانک مرکزی، رابطه بانک مرکزی با بانک‌ها و رابطه بانک‌ها با یکدیگر جهت مقاوم‌سازی نظام بانکی امری ضروری است.

۷-۲- عوامل میان نهادی

۷-۲-۱- هماهنگی نهادهای نظارتی و قضایی کشور

برای هر حرکت بزرگ و ملی، هماهنگی، هم‌صدایی و انسجام در اهداف و کارکردها ضروری است. با توجه به اهمیت مقوله نظارت و بازرسی در جلوگیری از وقوع تخلفات و فسادهای مالی نیاز است که تمامی نهادهای نظارتی و قضایی کشور با وحدت رویه بستری آرام و مطمئن را برای سپرده گذاری و سرمایه گذاری در نظام مالی و بانکی کشور فراهم سازند. برای مثال در زمینه هایی مانند مطالبات غیرجاری، پول شویی و ... تشخیص متخلفان واقعی و برخورد قاطع با آنها همکاری تنگاتنگ بانک مرکزی و قوه قضاییه را می طلبد.

۷-۲-۲ ضرورت همگرایی و هماهنگی میان بخش های اقتصادی مرتبط با شبکه بانکی

همگرایی و هماهنگی بین بخش های اقتصادی مرتبط با شبکه بانکی اعم از نظام مالیاتی، نظام گمرکی، نظام آموزشی، بخش صنعت، بخش خدمات، تعاونی ها، بخش خصوصی و ... لازم است هر کس باید به نوبه خود نقش خود را خوب ایفا کند تا سیاست های اقتصاد مقاومتی به خوبی اجرا شود. اتصال سامانه ای اطلاعاتی نهادهای مزبور به شبکه بانکی هم می تواند به شبکه بانکی در ارائه خدمات به مشتریان بهتر کمک کند و هم نهادهای مزبور می توانند رویه های خود را با همکاری شبکه بانکی بهتر انجام دهند.

۷-۳-۱ عوامل فرانهادی

۷-۳-۱- وجود نقشه راه عملیاتی نظام بانکی متناسب با سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

هر حرکت ملی و بزرگ نیازمند برنامه ریزی و تدوین نقشه راه عملیاتی با در نظر گرفتن همه ظرفیت ها، فرصت ها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت آن حوزه است. از این رو لازم است که بانک مرکزی به عنوان مقام ناظر بازار پول با اشرافی که به نظام بانکی دارد تدوین نقشه راه عملیات نظام بانکی در پیشبرد سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی را در دستور کار قرار دهد.

۷-۳-۲ اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا و حرکت به سمت تحقق بانکداری اسلامی

با توجه به پیوند اقتصاد مقاومتی با فرهنگ اسلامی ایرانی، نیاز است که نظام بانکی کشور گام های جدی-تری در مسیر تحقق کامل بانکداری اسلامی بردارد. تطبیق روش ها و الگوهای استفاده شده در نظام بانکی با اصول اسلامی در واقع به معنای انطباق سازوکارهای توزیع منابع مالی و سیاست های پولی با قواعد دینی و الهی است که در نهایت به اسلامی شدن هرچه بیشتر روابط حاکم بر مناسبات اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی مردم می انجامد. اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا و حرکت به سمت تحقق بانکداری اسلامی می تواند زمینه پیوند اقتصاد مقاومتی با فرهنگ اسلامی ایرانی را بهتر به نمایش درآورد.

۷-۳-۳ فرهنگ سازی و ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی در جامعه درباره مسائل بانکی

پنداشت مردم نسبت به ناسالم بودن فعالیت های نظام بانکی، عنصر اعتماد را که مهم ترین سرمایه نظام بانکی است، خدشه دار می کند. از این رو لازم است تا با فرهنگ سازی عمومی و ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی در جامعه، ضمن ایجاد اعتماد در عموم مردم، زمینه مطالبه عمومی برای تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی فراهم شود. این نکته ای مهم است که در نام گذاری سال ۱۳۹۳ به نام «سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» و سال ۱۳۹۵ «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» نیز به چشم می

خورد. در واقع یکی از عناصر اصلی در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، عنصر فرهنگ و مطالبه عمومی جدی در جامعه برای دستیابی به این هدف است.

۷-۳-۴- مدیریت صحیح نوسان های ارزی

نوسانات شدید ارزی یکی از دلایل بی اعتمادی فعالان اقتصادی به برنامه‌ریزی سیاستگذاران اقتصادی کشور است و منجر به خروج سرمایه‌ها از کشور می‌شود. از آنجا که برای محقق شدن اقتصاد مقاومتی به سرمایه‌های کلان نیاز شایانی وجود دارد، بایستی با بسترسازی هدفمند رژیم ارزی در کشور، عدم اطمینان این بازار را حتی‌الامکان کنترل نموده و ثبات بیشتر را به عنوان عاملی مهم در تصمیم سازی فعالان و سرمایه گذاران اقتصادی فراهم نمود.

۷-۳-۵- مدیریت حجم نقدینگی توسط بانک مرکزی با هدف کنترل تورم

در یک اقتصاد مقاومتی برای این که اقتصاد مبتنی بر نیروهای درونی (درون زا) و پیشرو باشد، به ثبات اقتصادی و کنترل نرخ تورم، نیاز وافر دارد. همگرایی و هدف گذاری بلندمدت در سیاست های پولی، کاهش سلطه مالی دولت، استقلال بیشتر بانک مرکزی، تامین کسری بودجه دولت از طریق بازار سرمایه و ابزارهای مالی اسلامی همچون صکوک از جمله راهکارهای پیشنهادی برای کنترل نقدینگی و تورم و در نتیجه کمک به ثبات پولی در کشور به شمار می‌رود. جای تردید نیست که اقتصادی که برای سالیان متمادی گرفتار نرخ های بالای تورم است هرگز نمی‌تواند خود را اقتصادی مقاوم و مستحکم برشمارد.

۷-۳-۶- رصد برنامه تحریم بانکی و پیش بینی تهدیدها

یکی از بندهای سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به رصد تحریم های اقتصادی جهت آماده سازی و مقابله هرچه بهتر با آنان مربوط است. تحریم های اقتصادی عموماً با کاهش میزان دسترسی بنگاه های اقتصادی به نهاده های اساس تولید، موجب افزایش هزینه تولید شده و اقتصاد را از بستر تولید محوری دور می‌سازد. افزون بر این جنبه، بخش مهم تری از تحریم ها با ویژگی های همچون هوشمندی و فلج کنندگی درصدد ایجاد خلل در فعالیت نهادهای مهم و بزرگ اقتصادی است. نگاهی جامع به محتوای تحریم های اتخاذشده علیه ایران در محور اقتصادی، نشانگر این واقعیت است که وزارت نفت و بانک مرکزی به عنوان دو نهاد مهم و تاثیرگذار اقتصادی بیش از سایر بخش ها هدف اعمال تحریم ها قرار داشته اند.

از این رو لازم است شبکه بانکی و به ویژه بانک مرکزی با رصد برنامه های تحریم بانکی به ویژه تحریم بانک مرکزی، راههای مقابله با اثرات مخرب این گونه تحریم ها را شناسایی و با استفاده از ظرفیت های علمی و عملیاتی موجود در نظام بانکی کشور، راههای مقاوم سازی را پیش بینی و طراحی نماید. به عنوان نمونه اتخاذ تدابیر و راهکارهایی مطالعه شده جهت درمان ماندن فعالیت های بین بانکی نظیر سوئیفت از گزند تحریم های بانکی می‌تواند در مصون سازی نظام بانکی از تحریم ها راهگشا باشد.

۷-۳-۷- برون گرایی و اثربخشی ارتباطات بین المللی در شبکه بانکی

عده ای از اقتصاد مقاومتی چنین تعبیر می‌کنند که این اقتصاد توصیه به قطع ارتباط با دنیای بیرون و اتکای صرف به داخل کشور را دارد. ولی باید توجه داشته باشیم که این امر نه از لحاظ منطقی اقتصادی پذیرفته است و نه چنین چیزی در سیاست های اقتصاد مقاومتی وجود دارد. به همین دلیل، مقام معظم

رهبری در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، صفت برون گرایی را مطرح کردند تا برخی از افراد چنین برداشت نکنند که درونزا بودن به معنی قطع ارتباط با کشورهای دیگر است. ارتباط درضمن این که استقلال و عزت اقتصادی حفظ شود، هیچ ایرادی ندارد و ما می توانیم با کشورهای دیگر جهان ارتباط مناسب و سازنده داشته باشیم و اتفاقاً یکی دیگر از شاخص هایی که برای مقاوم سازی نظام بانکی به نظر می رسد، ارتباط با کشورهای اسلامی و بانک های اسلامی در کشورهای دیگر است.

در نظام بانکی نیز برون گرایی و ارتباط با بخش بانکداری بین الملل ضمن حفظ استقلال و عزت اقتصادی کشور، نه تنها مشکلی ندارد، بلکه از جمله اقدامات و شاخص هایی است که برای مقاوم سازی نظام بانکی باید مدنظر قرار گیرد. نظام بانکی کشور باید با بانک ها و موسسات مالی اسلامی در کشورهای دیگر ارتباطات علمی و همکاری های اجرایی سازنده ای داشته باشد تا ضمن متنوع کردن دامنه فعالیت های خود، فشارهای ناشی از تحریم های ظالمانه بر اقتصاد کشور متمرکز شود.

۸- تحریم بانک ها و آثار آن بر سیستم مالی و پولی کشور

سیستم بانکی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان بازوی دولت به شمار می رفته و می رود، به ویژه در اجرای برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بخش مهمی از موفقیت این برنامه متأثر از میزان توانمندی نظام بانکی است که با تحریم بانک ها این توانمندی مورد هدف قرار گرفته است. به نظر می رسد شورای امنیت سازمان ملل نیز تحریم را بهترین روش برای مسدود کردن مسیر اقتصاد ایران در مبادلات جهانی به شمار می آورد. شاید دوران کنونی برای فعالان اقتصادی تجربه ای بس ناگوار باشد؛ چرا که رونق سرمایه گذاری و تولید این بخش بیش از هر چیز نیازمند فضای امن و باثبات است. تحریم اقتصادی و تحریم بانک ها، ریسک کشوری و هزینه های تحمیل شده را افزایش می دهد. اعمال تحریم های متوالی در حوزه های مختلف، امنیت و آرامش را از اقتصاد کشور سلب می نماید و زمینه را برای خروج سرمایه ها از کشور فراهم می سازد. در میان تحریم هایی که از سالیان گذشته فضای اقتصاد را ملتهب نموده، تحریم بانکها بیش از دیگر تحریم ها فعالیت های اقتصادی و بالاخص فعالیت بخش خصوصی را تحت شعاع قرار می دهد.

۸-۱- افزایش مخاطره در خصوص منابع بانک

از آنجایی که ایرانیان زیادی با شعب خارج از کشور دارای مراودات مالی می باشند، با اعمال این تحریمها بخش اعظمی از منابع بانک در این کشورها به مخاطره می افتد. در عین حال برخی از مشتریان خارجی نیز مراوداتی با این شعب داشته اند که منجر به این مسأله می گردد که فرآیند تجارت با شرکت ها و افراد ایرانی سخت تر شده و هزینه های آن را افزایش دهد.

۸-۲- افزایش مطالبات

با اعمال تحریم و محدودیت شرکت ها در تامین منابع ارزی مورد نیاز خود از طریق بانک ها، مشتریانی که منابع مورد نیاز خود را از طریق گشایش اعتبار تامین می کنند دچار مشکل شده و به دلیل مکمل بودن تسهیلات ارزی و ریالی در فرآیند تولید، نمی توانند محصولات خود را طبق زمانبندی پیش بینی شده تولید نمایند. از این رو به دلیل عدم توانایی در بازپرداخت تسهیلات خود، به نظر می رسد که بانک های تحریم شده در کوتاه مدت با افزایش مطالبات مواجه گردند. هرچند پیش بینی می شود در بلندمدت، به

دلیل کاهش مراودات ارزی و کاهش چشمگیر گشایش اعتبارات اسنادی، روند صعودی افزایش مطالبات ارزی بانک کاهش یابد.

۸-۳- تأثیر روی ریسک اعتباری

از زمان شروع اولین تحریم علیه بانک های ایرانی به دلیل نگرانی از بابت امنیت صادرات، ریسک اعتباری مراودات با ایران بالا رفته و نرخ پوشش بیمه صادرات کالا به ایران رو به افزایش است که این مورد منجر به افزایش هزینه ها و قیمت نهایی کالاهای صادراتی به ایران می شود.

۸-۴- کاهش اعتماد فروشندگان بین المللی به سیستم بانکی

اعتماد فروشندگان بین المللی نسبت به بانک های ایرانی به شدت کاهش یافته به طوری که به عدم انجام مراودات با این بانک ها تاکید می کنند و اشاعه این موضوع در سطح وسیع بانکی بسیار جبران ناپذیر خواهد بود.

۸-۵- تحمیل هزینه های تأمین مالی

از آثار مهم تحریم بانک ها می توان به افزایش هزینه های تأمین مالی اشاره نمود. افزایش نرخ حق بیمه تسهیلات، نرخ تنزیل اسناد ایران در بانک های خارجی، کارمزدهای بانکی پرداختی در مراودات با بانک های خارجی، هزینه خرید از واسطه ها، هزینه کارمزد گشایش اعتبارات اسنادی و نهایتاً هزینه های جایگزینی کارگزاران بانکی، از جمله هزینه هایی هستند که بانک های تحریم شده می بایست با آن مواجه شوند.

۸-۶- کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی

اعتماد به نظام بانکی در داخل کشور و خروج بیشتر سرمایه از کشور به دلیل افزایش زمان و هزینه (در قسمت ورود کالا و خدمات از طریق گشایش ها) و تسری آن به سایر بخش ها به خصوص در بخش تولید است. (وصالی، ساناز و ترابی، مهرنوش، ۱۳۸۹)

۹- وظایف بخشهای اصلی اقتصادی در تحقق اقتصاد مقاومتی

از آنجا که عمده فعالیت های اقتصادی در کشور توسط بخش دولتی و سهم کمی نیز توسط بخش خصوصی صورت می گیرد، نقش این دو بخش اقتصادی در تحقق مفاهیم اقتصاد مقاومتی تعیین کننده خواهد بود. از طرفی مردم نیز بعنوان مصرف کنندگان در اجرای کامل این مفهوم نقش بسیار مهمی ایفا خواهند نمود. بنابراین می بایست وظایف هر یک را در این خصوص مشخص نمود. احسان خضری، محقق اقتصاد دانشگاه شیراز در مقاله ای تحت عنوان " نگاه به اقتصاد مقاومتی با عینک چند وجهی؛ نه یک جانبه " وظایف هر یک از بخشهای اقتصادی را به شرح ذیل برمی شمرد:

وظایف دولت:

- ۱- تلاش برای تحقق سیاستهای مندرج در بند ج از اصل ۴۴ قانون اساسی جهت مردمی نمودن اقتصاد.
- ۲- کاهش سهم نفت در بودجه سالیانه کل کشور.
- ۳- افزایش صادرات کالاهای غیر نفتی.
- ۴- حمایت از تولیدات داخلی (با اعطای تسهیلات به بنگاه های تولیدی، اعمال سیاست های تعرفه ای و...).
- ۵- برقراری ارتباط مستمر بین صنعت و دانشگاه (از طریق حمایت از پروژه های دانش محور و مخترعان جوان و ...).

- ۶- ایجاد زمینه لازم برای محقق شدن فضای رقابت مطلوب اقتصادی.
- ۷- تربیت نیروی کار توانمند و متخصص داخلی.
- ۸- تلاش مراکز فرهنگی (نظیر رسانه ها و بویژه رسانه ملی) برای بسترسازی فرهنگی و آشنایی مردم با ابعاد اقتصاد مقاومتی.
- ۹- اتخاذ رویکرد واحد و باثبات در برنامه ریزی و تصمیم گیری های کلان اقتصادی.
- ۱۰- اصلاح ساختارهای ناکارآمد اقتصادی مثل سیستم بانکی، گمرکی، مالیاتی و ...
- ۱۱- برخورد جدی و بدون تسامح با اخلاص گران و مفساد اقتصادی در جهت ایجاد امنیت فضای کسب و کار.

وظایف بخش خصوصی:

- ۱- بهره گیری از تکنولوژی های جدید و به روز (از طریق ارتباط با مراکز علمی و دانشگاهی).
- ۲- سرمایه گذاری در بخش های مولد اقتصادی (نظیر صنعت و کشاورزی).
- ۳- افزایش میزان بهره وری موجود در بنگاه ها و مراکز تولیدی.
- ۵- ارتقای کیفیت کالاهای تولیدی، مطابق با استانداردهای روز جهت رقابت با نمونه های خارجی.

وظیفه مردم:

- ۱- توجه ویژه به مصرف کالاهای داخلی با کیفیت یا در تراز کیفی کالاهای خارجی.
 - ۲- پرهیز از فرهنگ ناپسند مصرف گرایی و مصرف زدگی.
 - ۳- اجتناب از دامن زدن به تقاضاهای کاذب و غیرواقعی در اقتصاد.
- رعایت اصول فوق الذکر منجر به این خواهد شد که شاخص های اقتصادی همچون نرخ تورم، نرخ بیکاری، تولید ناخالص داخلی، تراز تجاری و... به حد مطلوب و ایده آل نزدیک شده و رفاه و رضایتمندی عمومی حاصل گردد.

۱۰- بسترسازی

پیاده سازی هر موضوعی به ویژه مباحث اقتصادی نیاز به بسترسازی مناسب دارد. بازخورد عملکرد مردم بر اثر تغییر مولفه های اصلی اقتصاد از قبیل:

قیمت و پیش بینی تغییرات آن، عرضه و تقاضا پیش بینی میزان نوسان آن، نرخ بهره و چشم انداز تغییر آن و نهایتاً پیش بینی ثبات یا بروز چالشهای سیاسی داخلی و خارجی، و ... می باشد. در نتیجه یکی از عوامل اصلی موفقیت هر طرح اقتصادی اعتماد مردم به مجریان و اعتقاد آنها به صحت اطلاعات ارائه شده از سوی دولت و انطباق و همسویی اطلاعات کسب شده با نگرش و پیش بینی وضعیت آینده آنان است.

تقریباً تمامی مکاتب اقتصادی بر این باورند که رفتار انسانها اغلب عقلایی است و همواره در پی حداکثر رساندن سود و مطلوبیت خویش هستند.

به عبارتی آن برنامه اقتصادی مورد حمایت مردم قرار می گیرد که سود و مطلوبیت آنها را در کوتاه و میان مدت فراهم سازد. بدین لحاظ، نظریه اقتصاد مقاومتی نیز از این موضوع مستثنی نیست و موفقیت آن نیاز به تحقق موارد زیر دارد:

- ارائه آمار شفاف و صحیح (تمام واقعیات نباید گفته شود ولی اقلام ارائه شده و سخنی که در راستای آن بیان می شود مبنای صحیحی داشته باشد).
 - خود داری از اظهارات فرا فکنی.
 - خود را مسئول وقایع اقتصادی دانستن.
 - اجتناب از روش های آزمون و خطا و اقدام بر اساس برنامه های مشخص و از پیش تعیین شده.
- (اصغر پورمتین، www.newsbank.ir/page/4864)

۱۱- چار چوب اجرایی اقتصاد مقاومتی در نهادهای مالی و پولی

باید باور داشت که شرایط، شرایط جنگی است و تحریم ها تقریباً تمامی شالوده های اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داده است بدین منظور لازم است لباس رزم، آن هم لباس رزم اقتصادی برتن کرد. ابزار و ادوات این جنگ اقتصادی که در قالب اقتصاد مقاومتی شکل می گیرد به شرح زیر است.

- ۱- مدیریت کردن تقاضای ارز از طریق:
 - تغییر فوری قوانین صادرات و واردات خرید و فروش ارز به شرح زیر:
 - ایجاد محدودیت برای ورود کالاهای غیر ضرور از طریق افزایش تعرفه های گمرکی.
 - معرفی شفاف کالاهای اساسی که از ارز نرخ مرجع برای ورود استفاده می کنند.
 - تعیین تکلیف تأمین ارز گشایش های اعتبار اسنادی انجام شده قبلی که حتی معادل ریالی آن از سوی وارد کننده به بانک گشایش کننده پرداخت شده لیکن، ارز آن تاکنون از سوی بانک مرکزی تأمین نشده است.
 - اخذ ریالی اقساط ارزی معادل نرخ ارز زمان سررسید اقساط و لغو الزام بازپرداخت اقساط به ارز آن دسته از بنگاه های اقتصادی که از تسهیلات حساب ذخیره ارزی و یا تسهیلات با ارز خود گردان استفاده کرده اند و هم اکنون توانایی صادرات محصولات خویش را ندارند.
 - ایجاد محدودیت مسافرت توریستی در حد یک بار در سال.
 - برای جلوگیری از دپوکردن مواد اولیه غیر ضرور گشایش اعتبار اسنادی با ظرفیت سنجی دقیق از سوی بانک گشایش کننده اعتبار انجام شود.
 - ایجاد محدودیت جدی برای خرید، نگهداری و فروش ارز آزاد به ویژه برای بانکهای خصوصی و شرکتهای تابعه یا وابسته از طریق ردیابی آثار آن در ترازنامه.
 - افزایش نرخ سود سپرده های ارزی میان و بلند مدت.
 - قیمت گذاری و تعزیراتی کردن محصولاتی که با ارز نرخ مرجع وارد می شود.
 - راه اندازی بورس مدیریت شده ارزی برای تأمین ارز بنگاه های اقتصادی.
- ۲- ایجاد بستر مناسب برای جذب ارزهای در دست مردم به منظور سپرده گذاری از طریق:
 - افزایش نرخ سود سپرده مدت دار ارزی.
 - انتشار اوراق مشارکت، قرضه و صکوک ارزی برای تأمین ارز صنایع بالا دستی و پایین دستی نفت در داخل کشور.
 - کنترل حجم نقدینگی از طریق: انتشار اوراق صکوک و مشارکت.

- تهیه سازگار مناسب برای الزام به بیمه کردن نوسان قیمت سهام بازار سرمایه به منظور حمایت از سهامداران.

- تهیه ساز و کار مناسب برای پس انداز و سپرده گذاری طلا.

- عرضه سکه و قطعات کوچک تر به جای وجه نقد برای پرداخت پاداش های کارکنان به ویژه در مقاطع خاص مانند پایان سال.

۳- اصلاح مجموعه قوانین و دستورالعمل ها برای تسهیل دریافت تسهیلات.

۴- ادغام موسسات مالی، صندوق های قرض الحسنه با بانک ها به منظور جلوگیری از ایجاد اختلال در ایجاد تقاضای کاذب و سوداگرانه کالاهای سرمایه ای و ارز.

۵- تدوین قوانینی به منظور جلوگیری از افزایش مطالبات معوق بانک ها از طریق اتخاذ سیاست های تشویقی برای مشتریان خوش حساب و تنبیه مشتریان بد حساب.

(اصغر پورمتین، www.newsbank.ir/page/4864)

۱۲- تعدادی از راهکارهای پیشنهادی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی

۱ - ارتقای نقش بانک های خصوصی در اقتصاد

به نظر می رسد در شرایط تحریم، بانک های خصوصی تحت فشار و محدودیت های کمتری نسبت به بانکهای دولتی (یا بانک هایی که به تازگی سهام آنها به بخش خصوصی واگذار گردیده) قرار گیرند. لذا تقویت نقش و عملکرد این بانک ها بالاخص در عرصه فعالیت های ارزی و بین المللی بتواند تا حدودی از مشکلات تعاملات بانکی بین المللی بکاهد.

۲ - ارتقای کیفیت خدمات بانکی

اهمیت این موضوع، در آن است که پس از رفع تحریم، سیستم بانکی با سرعت بیشتری بتواند فعالیت گذشته خود در عرصه عملیات بانکی بین المللی را از سر گرفته و خود را با شرایط روز تطبیق دهد.

۳- مدیریت ذخایر ارزی

در حال حاضر تعدادی از بانک های ایرانی تنها در معاملات دلاری و برخی دیگر از بانک ها در معاملات به دلار و یورو تحریم شده اند، لذا بانک های تحریم شده می بایست تغییرات لازم را در ترکیب ارزی ذخایر خود ایجاد کنند و سبد جدیدی از اسعار عمده را برگزینند. برقراری روابط کارگزاری با کشورهای و بانک های جدید (که البته از اعتبار پایین تری برخوردار خواهند بود) و سرمایه گذاری، خرید و تأسیس بانک مشترک در خارج از کشور نیز می تواند تا حدودی از مشکلات ایجاد شده در اثر تحریم بکاهد.

۴- سیاست تعدیل اقتصادی؛ تابعی از شاخص های اقتصادی و شکل بندی های سیاسی است و دارای اهدافی از جمله: بهبود در تراز پرداخت ها و کاهش کسری بودجه، مقابله با تورم، خصوصی سازی و آزاد سازی اقتصادی، حذف یارانه ها و کاهش مخارج بخش عمومی، افزایش نرخ رشد اقتصادی و طراحی ساز و کار قیمت و نظام بازار.

ساز و کارهای حوزه اقتصادی بایستی به گونه ای مورد بازبینی قرار گیرند که تمامی مواردی که وابستگی کشور را به دنبال دارد را شناسایی نموده و در خصوص آن تصمیم گیری نمایند. در موارد کم اهمیت تر می توان این حوزه ها را متنوع و متکثر نمود تا میزان وابستگی کشور کاهش یابد. در موارد خاصی نیز ممکن

است جایگزین سازی کامل مد نظر قرار گیرد. کلیه مسیرهای تعاملی با خارج از کشور، منابع درآمدی کشور، شرکای تجاری و ... مشمول این قاعده هستند. برخی از سیاست‌هایی که در این خصوص قابل طرح هستند عبارتند از: جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند مالیات و درآمدهای ترانزیتی و ... متکثر نمودن شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچکتر (مانند تبدیل شراکت تجاری امارات به چندین کشور دیگر).

۵- نقطه شروع اقتصادمقاومتی، سیاستگذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت می‌دهد و این دو در کنارهم، جهت سرمایه گذاری را مشخص می‌کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول و کم رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجرشود، موجب استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و ارتقای تکنولوژی در سطح کلان تر می‌شود. البته باید به گونه‌ای عمل کرد که اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار به مردم نباشد.

۶- افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید ملی به ویژه تولیدات استراتژیک

۷- کاهش آمار بیکاری و خشکاندن ریشه‌های فقر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری در جامعه.

۸- فعالسازی سیستم‌های حمایتی پولی و مالی و بیمه‌ای بخش تولید برای تحرک در اقتصاد داخلی و نیز حمایت از صادرات کالاهای غیرنفتی.

۹- افزایش واردات دانش فنی، خطوط تولید و ماشین آلات در ازای کاهش واردات کالاهای مصرفی با توجه به اهمیت این نوع معاملات در عرصه‌اطلاعات، همزمان با تولید علم و تولید دانش فنی و حمایت از شرکتهای دانش بنیان.

۱۰- توجه به معضل تورم و برقراری یک نظام قابل پیش بینی و قابل مدیریت در قبال شاخص تورم و تطبیق آن با سطح حقوق و دستمزدها و نیز قیمت ارز در پیشگیری سیاستهای بهینه در این فرآیند.

۱۱- تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها در روند تامین کالاها به این معنا که به محض اعمال تحریم در برخی از کالاها، شکل دهی به عزم ملی در حوزه فناوری و صنعت و تجارت برای ایجاد خود کفایی کامل یا حداقل خود اتکایی در تولید و تامین این اقلام.

۱۲- برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با برخی از کشورهای دوست، گسترش ارتباطات اقتصادی با کشورها و بلوک‌های منطقه‌ای و گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چند شریک کوچکتر.

۱۳- شکل‌گیری روحیه جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمیت ایرانی. ضمن آنکه برای تقویت اقتصادی ملی، "دیپلماسی اقتصاد مقاومتی" نیز لازم است. هدف از این نوع دیپلماسی تبیین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی در مقابل فشارهای وارده است. فشارها در مورد کالای مصرفی و شاخص‌های روزمره اقتصادی وارد می‌شود، ولی دستاوردهای مقاومت کشور، دستاوردهایی استراتژیک و بلندمدت هستند، همچون خودکفایی در تکنولوژیها و فناوری‌های برتر (هسته‌ای)، استقلال در سیاست خارجی و ...

۱۴- خودداری از اسراف و ضایع کردن کالاها و ذخیره سازی کالاهای اساسی در ابعاد حجیم توسط دولت و انبارهای کوچک و هدایت شده و هوشمند توسط مردم (مانند کشور سوئیس) حتی در زمان صلح و آرامش جهت تامین امنیت غذایی مردم.

- ۱۵- مشارکت مردمی و استفاده از ظرفیت نخبگان و اقشار تاثیرگذار جامعه در جهت ارائه ایده ها و پیشنهادهای موثر به منظور رفع موانع و مشکلات پیش روی اقتصاد داخلی.
- ۱۶- نگاه مولد به جامعه و توجه به خودکفایی در تولید نیازهای داخلی با تکیه بر توان متخصصان و نیروهای انقلابی و ارزشی جامعه.
- ۱۷- فرهنگ سازی و گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی در بین آحاد جامعه و نخبگان و سایر اقشار تاثیرگذار.
- ۱۸- استفاده از ظرفیت و توان شبکه تبلیغی کشور به ویژه روحانیون در بیان مطالبات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در جهت استفاده از تولیدات داخلی و پرهیز از مصرف تولیدات خارجی.
- ۱۹- توجه به ساده زیستی و کاهش هزینه‌های غیر ضروری در بین خانواده‌ها و مسئولین جامعه.
- ۲۰- توجه جدی به آموزه‌های دینی و اسلامی به ویژه آموزه‌های اساسی و موثر در جهت رشد و تقویت اقتصاد مقاوم و پایدار در جامعه چون شکر، قناعت و احسان .

منابع و مأخذ:

- اقتصاد مقاومتی، راهبردها و راهکارها ۱۳۹۳. حوزه. <http://www.hawzah.net/fa/article/view/93728>
- اهداف، سیاستها و برنامه‌های بانک مرکزی در راستای اجرایی نمودن سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی. ۱۳۹۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. <http://www.cbi.ir/showitem/12662.aspx>
- <http://www.iqna.ir/fa/news/3486937> بررسی اقتصاد مقاومتی از منظر آموزه دین و ارائه راهکار تحقق. ۱۳۹۵. ایکنا.
- پورمتین، اصغر. ۱۳۹۱. بانک ها و اقتصاد مقاومتی. خبرهای بانکی. newsbank.ir/page/4864
- پیغامی، عادل. ۱۳۹۱. اقتصاد مقاومتی؛ اقتصاد دفاعی یا ترمیمی. فارسی خامنه ای. <http://farsi.khamenei.ir/others-noteid=20551>
- تاری، فتح اله و زهرا کویانی. ۱۳۹۲. اقتصاد مقاومتی و مولفه های آن. فصلنامه سیاست کلان ۲(۲): ۴۸-۲۷.
- جلیلی کامجو، سید پرویز. ۱۳۹۱. چرا اقتصاد مقاومتی یک ضرورت است؟. برهان. <http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=4048>
- دیدار مقام معظم رهبری با مسولان نظام و مردم دهقانی، محمود. ۱۳۹۱. اقتصاد مقاومتی متفاوت با ریاضت اقتصادی. دانشگاه نیوز. <http://daneshgahnews.com/0fa13413idcontent.htm>
- رزاقی، ابراهیم. ۱۳۹۱. اقتصاد مقاومتی و مقاومت اقتصادی. اقتصاد ایران (۱۶۳): ۱۹.
- زمان زاده، حمید. ۱۳۸۷. اولویت شناسی اصلاح ساختار نظام پولی - بانکی کشور. روزنامه دنیای اقتصاد. (۱۶۷۹).
- سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی. ۱۳۹۲. مجمع تشخیص مصلحت نظام. <http://maslahat.ir/DocLib2/Approved%20Policies/Offered%20General%20Policies.aspx>
- غفارپور، داود و زهره پورحاتمی. ۱۳۹۲. اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت اقتصادی. راسخون. مقالات. rasekhoon.net/article/show/696241
- قلیچ، وهاب و رسول خوانساری. ۱۳۹۴. عوامل موثر بر تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. یادداشت سیاستی تیرماه ۱۳۹۴.
- <http://www.mbri.ac.ir/userfiles/file/working%20paper/1394/MBRI-PN-94008-ghelich,khansari.pdf>
- کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و نظام اداری. ۱۳۹۲. اصول کلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی در سیاست های کلی. فصلنامه سیاست کلان، ۲(۲): ۱۵۲-۱۴۱.
- کیافر، شهرزاد. ۱۳۹۱. اقتصاد مقاومتی چیست و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی کدام است. بانکی. <http://banki.ir/akhbar/1-news/13827>
- محورهای اساسی اقتصاد مقاومتی چیست؟. ۱۳۹۵. دانا. <http://dana.ir/News/684097.html>
- میرمحمدی، سیدمحمدحسین. ۱۳۹۱. اقتصاد مقاومتی در مقایسه با ریاضت اقتصادی محدودیت منابع ندارد. فارس. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910526000310>

- وصالی ، ساناز و مهنوش ترابی. ۱۳۸۹. اثرات تحریم ها بر اقتصاد و سیستم بانکی. مجله بانک و اقتصاد (۱۱۱) : ۳۸-۴۴.
<http://www.ensani.ir/storage/Files/20120328143731-2010-77>.